

نهضت های ایرانی
نهضت ملی ایران در دوران معاصر

۱

انتشارات مصدق

۸

نطق ها و مکتوبات
دکتر مصدق
بهنگام نخست وزیری

جلد دوم دفتر سوم

تاریخ اولین انتشار : اسفند ماه ۱۳۵۰

باز نشر و تنظیم به اهتمام : جهانگیر گلزار

فهرست

- مصدق و موازنه منفی ۵
- «نخستین پیام مصدق از رادیو خطاب به ملت ایران در مقام نخست وزیری نهم اردیبهشت ۱۳۳۰» ۱۳
- «جواب دولت ایران به پیام موریسون وزیر امور خارجه انگلیس. این جواب در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۶ توسط سفیر ایران در لندن تسلیم شد» ۱۴
- «بخشنامه نخست وزیر در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۲۳» ۱۵
- وزارتخانه ها ادارات مستقل بانک ها ۱۵
- «بیانیه دولت آمریکا راجع به نفت ایران در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۲۸» ۱۶
- «تذکریه دولت ایران به دولت آمریکا در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۳۰» ۱۷
- «پیام مصدق به خبرنگاران داخلی و خارجی در ۱۳۳۰/۲/۳۰» ۱۸
- «مصاحبه مطبوعاتی مصدق با خبرنگاران داخلی و خارجی در ۳ خرداد ۱۳۳۰» ۱۹
- «پیام ترومن به مصدق ۱۰ خرداد ۱۳۳۰» ۲۴
- متن پیام ترومن به مصدق ۲۴
- «جواب مصدق به پیام ترومن در ۲۰ خرداد ۱۳۳۰» ۲۵
- «تلگراف مصدق به هیئت اعزامی برای خلع ید در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۳۰» ۲۸
- «تلگراف مصدق به نماینده فوق العاده دولت در خوزستان در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۳۰» ۲۸
- «پیام مصدق به دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۳۰» ۲۹
- «پیام مصدق خطاب به کارمندان و کارگران مناطق نفت خیز» ۳۱
- در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۳۰ ۳۱
- «پیام مصدق از رادیو در توضیح علل صدور دستور اجرای عملیات خلع ید ۳۲
- در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۰ ۳۲
- «پیام مصدق به کارمندان و کارگران خارجی مناطق نفت خیز ۳۴
- در تاریخ سه شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۳۰ ۳۴
- «پیام مصدق به ترومن در تاریخ ۵ تیر ماه ۱۳۳۰» ۳۴
- «مصاحبه مخبر خبرگزاری اینترنشنال نیوز سرویس، قسمت اروپایی با مصدق ۳۶
- در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۳۰ ۳۶
- پیام مصدق از رادیو به مناسبت جنبش خودجوش کمک ملای ۴۰

- ۴۰..... به حکومت تلی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۳۰.....
- ۴۲..... پیام مصدق در ذم بت سازی از وی در ۱۶ تیر ۱۳۳۰.....
- ۴۳..... پیام ترومن به مصدق در ۱۷ تیر ۱۳۳۰.....
- ۴۵..... پیام مصدق به ترومن ۲۰ تیر ۱۳۳۰.....
- ۴۶... سنوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا از مصدق در ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰...
پاسخ مصدق به سنوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا، در ۲۵ تیر ماه
۱۳۳۰.....
- ۴۹.....
- ۵۱..... نامه آقای استوکس مهرداد سلطنتی راجع به کارمندان انگلیسی به مصدق.....
- ۵۱..... و پاسخ مصدق به مهرداد.....
- نامه هیئت کارمندان انگلیسی که در تاریخ ۱۶ اوت به آقای استوکس تسلیم شده است
۵۳.....
- ۵۴..... پاسخ نخست وزیر به نامه استوکس.....
- ۵۵..... طرح زمینه برای مذاکرات آینده نمایندگان دولت انگلستان.....
- ۵۵..... و نمایندگان دولت ایران - نظر دولت ایران در باب حل مسائل.....
- ۵۵..... ناشیه از ملی شدن صنعت نفت ایران.....
- ۵۶..... آخرین نامه مصدق به هرین قبل از عزیمت از تهران.....
- ۵۸..... سخنرانی آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر.....
- ۵۸..... برای هیئت مخبرین جراند آمریکائی در روز سه شنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۳۰.....
- ترجمه نامه‌های مستر نرمان وزیر مختار انگلیس در تهران به فتح الله اکبر رئیس
الوزراء.....
- ۶۴.....
- ۶۵..... سفارت انگلیس ۲ نوامبر ۱۹۲۰.....
- ۶۵..... تهران ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰.....
- ۶۶..... سفارت انگلیس ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰.....
- ۶۶..... از خاطرات جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر:.....
- ۶۶..... «چگونه کنسولگری های انگلیس در ایران را تعطیل نمودم».....
- ۶۹..... اعلامیه آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر در.....
- ۶۹..... جواب اعلامیه وزارت خارجه آمریکا.....
- ۷۰..... مصاحبه آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر.....
- ۷۰..... با مخبر روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۳۱.....
- ۷۵..... نطق دکتر محمد مصدق نخست وزیر در جلسه.....

- نمایندگان دوره ۱۷ - شنبه ۲۳/۱/۱۳۳۱ ۷۵
- پیام دکتر مصدق به ملت انگلیس ۸۲
- پیام مصدق به ملت ایران به مناسبت توطئه ای که به صورت ۸۶
- پیشنهاد طرحی به امضای منافقان و مخالفان علیه ۸۶
- حکومت ملی چیده شده بود. دوشنبه ۱۵ دی ۳۱ ۸۶
- پیام دکتر مصدق نخست وزیر خطاب به ملت ایران درباره علت ۹۱
- تقاضای اختیارات و در رد القاء شعبه ها ۲ بهمین ۳۱ ۹۱
- ترجمه غیر رسمی نامه مصدق به آیزنهاور به مناسبت ۹۵
- ریاست جمهوری وی ۷ ژانویه ۵۳ برابر با ۱۷ دی ۱۳۳۱ ۹۵
- نخست وزیر- دکتر محمد مصدق ۹۷
- جواب آیزنهاور به نامه مصدق، ۱۷ دی ۱۳۳۱ ۹۷
- پیام مصدق به ملت ایران که به عنوان اعتراض به توطئه ۹ اسفند ۹۸
- اعتصاب عمومی کرده بودند. دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۳۱ ۹۸
- پیام مصدق به مناسبت آغاز سال ۱۳۳۲ ۹۸
- پیام مصدق به ملت ایران درباره توطئه ۹ اسفند و دیگر ۹۹
- توطئه های دربار، ۲ شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۳۲ ۹۹
- نامه تسلیت مصدق به خانواده سرلشگر افشارطوس ۱۰۸
- اظهارات مصدق به نمایندگان عضو دو فراکسیون اتحاد و کشور ۱۰۸
- درباره اسباب چینی ها در مجلس علیه دولت ۴ تیر ۱۳۳۲ ۱۰۸
- ترجمه غیر رسمی نامه دکتر مصدق به آیزنهاور ۷/۳/۱۳۳۲ ۱۱۰
- ترجمه غیر رسمی پاسخ آیزنهاور به نامه مصدق ۱۲ تیر ۱۳۳۲ ۱۱۲
- تصمیم قانونی دائر به تعطیل رسمی قرار دادن روز سی ام تیر ۱۱۴
- پیام مصدق به مناسبت سالروز سی ام تیر، دوشنبه شب ۲۹ تیر ۳۲ ۱۱۴
- پیام مصدق درباره مراجعه به آراء عمومی ملت در زمینه ابقاء ۱۱۷
- یا انحلال مجلس هفدهم دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۳۲ ۱۱۷
- نطق مصدق به مناسبت چهل و نهمین سال مشروطیت ۱۳ مرداد ۱۳۳۲ ۱۲۳
- پیام مصدق به مناسبت اظهار اراده ملی در مراجعه به آراء عمومی ۱۲۴
- دائر به انحلال مجلس ۱۷ جمعه ۲۳ مرداد ۱۳۳۲ ۱۲۴

مصدق و موازنه منفی

در باره مصدق و اندیشه او، پیش از این نوشته‌ام. حق این بود که آن نوشته سرآغاز مجموعه سخنرانی‌های او بگردد. باوجود این، فرصت را مغتنم می‌شمارم برای خاطرنشان کردن اموری که نه تنها بر نسل امروز است که آنها را تجربه کند، بلکه نسلهای آینده نیز سزا است چنین کنند هرگاه بخواهند حیات هر شهروند و حیات ملی در استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی، واقعیت بیابد و ادامه بجوید:

۱. به تاریخ اندیشه، در ایران و انیران که مراجعه کنیم، می‌بینیم تنها دو وضعیت شناخته بوده‌اند:

۱،۱. وضعیت مسلط-زیر سلطه؛

۱،۲. وضعیت تعادل قوا که دیر یا زود، به سلطه یکی از دو بر دیگری، می‌انجامد.

بدین‌قرار، استقلال بمثابه وضعیت نه مسلط نه زیرسلطه، شناخته نبود. دو وضعیتی که شناخته بودند، ترجمان دو ثنویت، یکی ثنویت تک محوری (وضعیت اول) و دیگری ثنویت دو محوری (وضعیت دوم) هستند. وضعیت سوم نمی‌توانست به اندیشه‌هایی که ثنویت را اصل راهنما می‌کردند و می‌کنند، راه یابد. چنان‌که هم امروز نیز، استقلال بمثابه وضعیت نه مسلط و نه زیر سلطه، در اندیشه‌های فلسفی و سیاسی و نظریه‌های جامعه‌شناسان که پایه بر ثنویت دارند، یافت نمی‌شود. در این اندیشه‌ها و نظرها، سلطه‌گر مستقل محسوب می‌شود به این «استدلال» که نه تنها خودمختار است بلکه اختیار زیرسلطه نیز با او است.

اما «جهانی شدن» جهان را در برابر نظامی قدرت محور قرار داده‌است که نه خود به اصلاح خویش توانا است و نه حتی می‌تواند از برهم افزودن مسائلی دست بدارد که دائم دارند پیچیده‌تر می‌شوند. انسان سازنده نظام جبار، خود و طبیعت را محکوم به پویایی مرگ کرده‌است. راحل نیز در خود او است: وجدان به حقوق و عمل به حقوق و خویشتن را بمثابه مجموعه‌ای از استعدادها و فضل‌ها بازشناختن و تنظیم رابطه با حقوق. بنابراین، خارج شدن از نظام مسلط - زیرسلطه.

بدین‌سان، جهان امروز نیازمند بازیافتن استقلال است، بمثابه نه مسلط و نه زیر سلطه و آزادی نه تنها بمعنای اختیار گزینش نوع تصمیم و حق بودن نوع تصمیم و میل کردن انتخاب‌ها به بی‌نهایت، بلکه، بمعنای عمل به حق. آزاد صفت فعالیت‌های انسان جامع و حقوند، است. این آزادی از آن استقلال جدایی‌ناپذیر است. اما شناسایی این وضعیت، بر اصل ثنویت ناشدنی و بر اصل موازنه عدمی یا منفی، شدنی است. از این

منظر که بنگریم، موازنه عدمی یا منفی را اصلی می‌یابیم که، برآن، تنظیم رابطه‌ها با حقوق ممکن می‌شود و رها شدن انسان‌ها از نظام جبار میسر می‌گردد.

مدرس و مصدق، در شمار معدود اندیشمندان بزرگی هستند که به انسان‌ها می‌گویند تاریخ اندیشه، اندیشه فرآورده ثنویت، می‌تواند و باید پایان یابد. اینان فضای جدیدی را به روی انسانها گشوده‌اند. هرگاه انسان‌ها به این فضا درآیند، به تاریخی پایان می‌دهند که اگر ادامه یابد، پویایی مرگ بر حیات انسان نقطه پایان می‌نهد.

۲. سخنان مصدق، ترجمان موازنه عدمی و برام‌های واقع مستمر متکی هستند. توضیح این‌که و امرهایی را موضوع سخن و عمل کرده‌است که هم‌اکنون نیز وجود دارند:

۲،۱. زوج استبداد و وابستگی که اگر با زوج استقلال و آزادی جانشین نشود، جامعه را گرفتار جبر پویایی‌های سامانه مسلط زیرسلطه می‌گرداند. زوج استقلال و آزادی محک دقیقی است برای تشخیص میزان استقلال و آزادی شهروندان و جامعه ملی. توضیح این‌که نبود آزادی، درجا، بمعنای نبود استقلال است و بعکس. در حقیقت، این سخن که این و آن رژیم استبدادی استقلال دارند اما مردم تحت استبداد، آزادی ندارند، دروغی بس آشکار است. جداکردن استقلال از آزادی و تقدم دادن به استقلال یا آزادی، نیز دروغ است. اثر ویران‌گر این جداکردن، بر بازسازی شدن دولت، بعد از سقوط رژیم شاه، تجربه‌ای بس تلخ و بس مرگبار و ویران‌گری است که ما ایرانیان همچنان در قید آن هستیم. با این وجود، گروه‌های وابسته، برای توجیه وابستگی خود، استقلال را از آزادی جدا می‌کنند. شماری استقلال را بی‌ارزش و شماری کم ارزش می‌انگارند و همه خود را جانبدار آزادی می‌نمایانند. غافل از این‌که پندار و گفتار و کردارشان می‌گویند نه مستقل هستند و نه آزاد؛

۲،۲. باقی ماندن در سامانه مسلط زیرسلطه، سبب صدور نیروهای محرکه از زیرسلطه به مسلط می‌شود. زمان استمرار این امر واقع، درازای تاریخ است. استقلال وقتی متحقق می‌شود که جامعه از سامانه خارج می‌گردد. بدین‌خاطر بود که او پیشنهادهای بانک بین‌المللی و پیشنهادهای مشترک امریکا و انگلستان را نمی‌پذیرفت. «انتقاد»کنندگانی که از نظام مسلط - زیرسلطه و پویایی‌های آن بی‌خبر هستند، بر او خرده می‌گیرند که:

- «مصدق از بازار جهانی نفت بی‌اطلاع بود و گمان می‌کرد نفت ملی شده بدون مانع، روانه بازار می‌شود و زمانی از واقعیت سردرآورد که دیر شده بود». این «نقد» گویای دو جهل است: یکی جهل نقاد از این واقعیت که، ماندن در نظام و بزرگ شدن میزان درآمد، کاری جز بزرگ کردن ابعاد صدور نیروهای محرکه نمی‌کند - امری که ایران از کودتای ۲۸ مرداد بدین‌سو بیشتر بدان گرفتار است و همه کشورهای نفت خیز در بند آنند -؛ دیگری جهل او بر این واقعیت است که نه تنها بعد از صدور رأی دیوان لاهه، انگلستان از توقیف نفتکش‌های حامل نفت ایران، ناتوان می‌شد، بلکه، دو سند از سندهای محرمانه امریکا می‌گویند و به صراحت که امریکا به این نتیجه رسیده بود که مصدق بر اداره اقتصاد کشور توانا گشته و چاره کار حل مسئله نفت با حکومت او است. بدین‌سان،

مسئولیت بس سنگین را نباید از دوش کودتاچیان و دو قدرت امریکا و انگلیس برداشت و بردوش مصدق گذاشت که گویا از وضعیت بازار نفت بی‌اطلاع بود؛

- «مصدق از تناسب و تعادل قوا درست سر در نمی‌آورد؛ از این‌رو، با نپذیرفتن پیشنهاد بانک جهانی و...، موقعیت و فرصت را از دست داد». غافل از این‌که اساس این پیشنهاد و پیشنهادهای مشابه، نگاه داشتن ایران در سامانه مسلط زیرسلطه، بنابراین محکوم کردن ایرانیان به زندگی در استبداد و وابستگی بود. چنان‌که قرارداد کنسرسیوم بر همین اساس تنظیم و توسط دولت کودتا، تحمیل شد و ایرانیان گرفتار استبداد و وابستگی ماندند.

- «مسئله نفت یک مسئله اقتصادی است و نباید آن را مسئله‌ای سیاسی کرد و ملی‌کردن صنعت نفت نیز سیاسی‌کردن نفت بود!» این مدعی^۱ فرآورده چند جهل است: جهل بر جدایی‌ناپذیری بعدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از یکدیگر؛ جهل بر پویایی‌های نظام مسلط - زیرسلطه؛ جهل بر تاریخ سیاسی نفت نه تنها ایران، بلکه همه دیگر کشورهای نفت خیز و همه جهان از زمان نقش پیدا کردن نفت در زندگی انسانها؛ جهل بر اقتصاد سیاسی و جهل بر این واقعیت که کارمایه نقش حیاتی در اقتصاد جهان برعهده دارد و نمی‌تواند محور سیاست‌گذاری‌ها در سطح کشورها و جهان نباشد.

بدین‌قرار، درس بزرگی که بیانگر موازنه عدمی است، این است: **باید از نظام سلطه خارج شد. این درس راه نجات جامعه جهانی است اگر فرصت را از خود نستاند و به پویایی مرگ نسپارد.**

۳. تمرکز قدرت در یک کانون ثابت: مصدق هم استبداد قاجار را دیده، هم در انقلاب مشروطیت شرکت کرده و هم کودتای رضاخانی و زندگی بسیار سخت در استبداد سیاه پهلوی را تجربه کرده بود. از آن‌رو او را تجربه قرن می‌خوانند که، در وضعیت‌ها بس متفاوت زیسته و مبارزه کرده بود. از جمله، دیده بود که «تمرکز قدرت» در یک شخص، در وضعیت زیرسلطه، تا کجا می‌تواند برای حیات ملی، خطرناک باشد. شاهد بود که در دوران قاجار، شاه مستبد، بی‌اطلاع مردم کشور، همه روز، به روس و انگلیس، امتیاز می‌فروخت. او می‌دانست که اگر همه امتیازها به عمل در می‌آمدند، و جب به جب رو و زیرزمین ایران، در اختیار دو قدرت روس و انگلیس قرار می‌گرفت. شاهد بود که با از میان برخاستن سلطنت تزارها بر روسیه و استقرار دولت بلشویک‌ها در این کشور، انگلیس‌ها کودتا کردند. رضا خان را «مردقوی» گردانند. کوشش مدرس و مصدق این شد که از پیدایش یک کانون ثابت تمرکز قدرت جلوگیری کنند. کودتا انجام گرفت و استبداد سیاه استقرار جست. زمان بسود این دو شهادت داد، شهادت داد که کانون ثابت جدید، هم امتیاز نفت را بمدت ۶۰ سال تمدید کرد، هم استبداد سراسر جنایت و فساد را برقرار کرد و هم برنامه مصرف‌محورکردن اقتصاد را بمنزله تضمین سلطه انگلستان بر منابع نفت ایران، به اجرا درآورد.

بدین‌خاطر بود که، در مجلس شانزدهم، مصدق طرح الغای مصوبه مجلس قلابی مؤسسان را به مجلس ارائه کرد و بگانه نخست وزیری، بر این اصل عمل کرد که شاه باید سلطنت کند و حکومت نکند. کار به تهیه طرح توسط هیأت ۸ نفری درباره سلب

فرماندهی کل قوا از شاه و تحت فرماندهی حکومت حقوقمدار و مسئول و پاسخگو قرار گرفتن ارتش انجامید. دو قدرت امریکا و انگلستان کودتایی را بر ضد حکومت مصدق سازمان دادند که، بنابر سندی از اسناد محرمانه وزارت خارجه امریکا، شاه به امریکا پیشنهاد کرده بود. کودتا روی داد و قدرت در کانون ثابتی که شاه بود، متمرکز شد و ایران بمدت یک ربع قرن، استبداد وابسته را تجربه کرد. انقلاب ایران برای آن روی داد که ولایت جمهور مردم برقرار شود و ایرانیان، در استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی، زندگی کنند. اجرای طرح محرمانه، سبب شد ایران در موضع زیرسلطه بماند و کانون ثابت تمرکز قدرت، زیر عنوان ولایت مطلقه فقیه، بازسازی شود. این بار، استبداد وابسته به مصرف محور نگاهداشتن اقتصاد کشور و جریان نیروهای محرکه به خارج از ایران، بسنده نکرد؛ قدرت خارجی را محور سیاست داخلی و خارجی کشور گرداند و دولت ایران را همدست دولتهای همانند خود گرداند که کارشان جریان دادن نیروهای محرکه، از کشورهای در موضع زیرسلطه به کشورهای در موضع مسلط است. بدین سان بود و هست که ایرانیان اختیارخویش را بر اندیشه‌های راهنما و توان خویش را بر هویت یابی به یمن رشد، از دست دادند؛

۴. **رابطه اندیشه راهنما و ایرانیّت:** مصدق در مجلس چهاردهم گفت: «من ایرانی و مسلمانم و برعلیه هرچه ایرانیّت و اسلامیت را تهدید کند، تا زنده هستم، مبارزه می‌نمایم». در این جمله که باز ترجمان موازنه منفی است، تأمل بایسته نشده است. زیرا این امر مستمر معلوم همگان نشده است که اندیشه راهنما، هرگاه با قدرت جمع شود، وسیله توجیه قدرت می‌شود و برضد انسان و حقوق و هویت او بکار می‌رود. ویژگی‌های ایرانیّت را مصدق برنشموده است، اما دو ویژگی استقلال و آزادی را، دو ویژگی پایه شناخته است. چرا که تمام عمر برای بازیافتن وضعیت نه مسلط و نه زیرسلطه، بنابراین، برخورداری ایرانیان از استقلال و آزادی، مبارزه کرده است. بدین‌قرار، هرگاه اسلامیت، ویژگی‌های ایرانیّت، بخصوص دو ویژگی پایه استقلال و آزادی را در خود داشته باشد، سه کارکرد پیدا می‌کند و به یکایک شهروندان، دو اطمینان می‌بخشد:

۱. کارکرد اول اینست که اسلام بیان استقلال و آزادی و به یمن ویژگی‌های ایرانیّت، روش باورمندان در زندگی حقوندی را می‌گردد و نافی قدرت می‌ماند؛

۲. کارکرد دوم آن این است که بهیچ‌رو توجیه‌گر قدرت و قدرتمداری نمی‌شود و نهاد دینی را نیز از ساخت قدرت محور یافتن و کارگزار «کانون تمرکز قدرت» گشتن، باز می‌دارد. و

۳. کارکرد دیگر، از دینی یا غیر دینی را ناگزیر می‌کند بیانگر استقلال و آزادی و دیگر ویژگی‌های ایرانیّت بگردند.

بدین‌سان، قدرت دین و مرامی را نمی‌یابد تا که توجیه‌گر خود کند و ایرانیان باور آنها هرچه باشد، می‌توانند در استقلال و آزادی، مستقل و آزاد، بزنند:

۴، ۴. جمهوری شهروندان مطمئن می‌شوند که طرزفکرهاشان در بردارنده حقوق هستند، بنابراین، با اطمینان می‌توانند به جنبش درآیند و خود را از سامانه سلطه، بیرون برند. و

۴، ۵. با خروج از سامانه سلطه، اندیشه‌های راهنما، راهنمای رشد شهروندان و نو به نو کردن هویت به یمن رشد می‌شوند و با بی‌محل شدن قدرت در تنظیم رابطه‌ها و با محل شدن حقوق در تنظیم رابطه‌ها، جامعه حقوق‌دانان متحقق می‌گردد.

بدین‌قرار، رابطه اسلام و مرام‌های دیگر با ایرانیت، رابطه دو محور بیرون از یکدیگر نیست، ویژگی‌های ایرانیت را دربرداشتن و یا در برگرفتن است. بدین‌خاطر بود که او در همه عمر، با هیچ مرامی مخالفت نکرد. هیچ‌گاه نگفت سلطه‌گری انگلستان و امریکا تقصیر لیبرالیسم و نئولیبرالیسم و سلطه‌گری روسیه تقصیر مارکسیسم - لنینیسم است و یا واپس رفتن ایران تقصیر اسلام است. در عوض، گفت: تقصیر با قدرت سلطه‌گر (در مورد روس و انگلیس) و قدرت سلطه‌پذیر (در مورد قاجار و پهلوی) است. او از رابطه دین و مرام با قدرت (سیاست) و از خود بیگانه شدن دین و مرام توسط قدرت آگاه بود. چرا که گفت: «از مسلمانی و آداب آن برای برحق بودن اسلام، نه برای میل این و آن، پیروی کنیم و به لوازم آن، فقط از ترس خدا و معاد، نه مقتضیات دنیوی و سیاسی عمل نماییم».

کوشش او در همه عمر این شد که دارندگان مرامها در آنها را به روی استقلال و آزادی بکشایند و در این دو حق اشتراک بجویند. آیا مانعی دیگر جز قدرتمداری و هدف و روش شناختن قدرت بر سر راه اشتراک در این دو حق وجود داشت؟ نه. امروز نیز، بیرون رفتن از نظام سلطه و بازیافتن وضعیت نه مسلط نه زیرسلطه، نیازمند بازشدن درهای مرامها، از دینی و غیر دینی، به روی حقوق پنج‌گانه است. جز قدرت باوری و قدرتمداری و هدف گرداندن قدرت، هیچ عامل دیگری مانع گشودن شدن درها به روی این حقوق وجود ندارد.

۵. فسادستیزی: مصدق در تمام عمر منزله از فساد و فسادستیز باقی ماند. او می‌دانست که «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق فساد مطلق ببار می‌آورد». بنابراین، می‌دانست که ریشه سرطان فساد «کانون تمرکز قدرت» است. هراندازه تمرکز قدرت در یک شخص بیشتر، فساد بزرگ‌تر. او شبکه‌بندی روابط شخصی قدرت را نیز می‌شناخت، بنابراین، می‌دانست چسان، این شبکه فساد را در بدنه جامعه، از رأس هرم تا قاعده آن، فراگیر می‌کند.

در حقیقت، اگر جریان قدرت از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌گیرد و در رأس آن متمرکز می‌شود و البته این جریان فساد را نیز به رأس هرم می‌برد، قدرت و فساد متمرکز در رأس هرم، چون سرطان تا قاعده هرم اجتماعی را فرا می‌گیرد. بدین‌خاطر بود که مصدق، بطور مداوم، با استبداد وابسته و فساد، هم‌زمان و توأمان، مبارزه می‌کرد.

بدین‌قرار، در نظام سلطه‌گر - زیرسلطه، نقش دستگاه اداری کشور در موضع زیرسلطه، تنظیم رابطه میان جامعه زیرسلطه با جامعه سلطه‌گر به ترتیبی است که نیروهای محرکه، بطور روزافزون از جامعه زیرسلطه به جامعه مسلط، جریان بیابند. بدین فساد بزرگ، جامعه زیرسلطه از نیروهای حیاتی خویش محروم می‌شود. لاجرم به دفاع از حیات خویش بر می‌خیزد. وظیفه نیروی مسلح بازداشتن مردم از برخاستن به دفاع از حیات و به جلوگیری از جریان نیروهای محرکه به خارج، به جامعه‌های در موضع مسلط است. بدین‌خاطر، هدف کوشش مصدق برای تغییر ساختار نظام اداری و بخصوص قشون این بود که دستگاه اداری نقش راهبردی خویش را در بازیافت استقلال و آزادی و رشد جامعه ملی بازیابد و ایران ارتش ملی پیدا کند، ارتشی حافظ ایران در موضع نه مسلط نه زیرسلطه، مستقل و آزاد. این کوشش او در دوران مرجع انقلاب ایران، از سوی نخستین منتخب مردم ایران در تاریخ بس دراز خود، پی‌گرفته شد؛ پیش از کودتای خرداد ۱۳۶۰، ارتش ایران، به یمن دفاع پیروز از کشور در برابر قوای متجاوز، برای نخستین بار در تاریخ، صفت ارتش ملی یافت.

کاری که مصدق در پیش گرفت این بود که همزمان با تغییر سازمان‌های اداری و نظامی با هدف آماده‌کردن دستگاه اداری و قشون برای ایفای نقش خویش در خدمت ایران مستقل و آزاد و در رشد، ساختار اقتصاد مصرف و به ضرورت رانت محور را با ساختار اقتصاد تولید محور جانشین کند. تا مگر ریشه فساد در ایران بخشکد. از راه اتفاق نبود که در کودتا بر ضد او و حکومتش، فاسدترین‌ها شرکت کردند.

این مدخل به خوانندگانی که بر آن می‌شوند نطق‌های مصدق را بخوانند، امکان می‌دهد با توجه به امرهای واقع مستمر، روش او را در هر مورد، شناسایی کنند؛ بسا بر آن شوند که به مبارزه با همان روش که جنبش همگانی با هدف و روش کردن استقلال و آزادی است، به جنبش درآیند و براین امرهای واقع، نقطه پایان بگذارند.

ابوالحسن بنی‌صدر

هفتم فروردین ۱۳۹۹

دفتر حاضر حاوی نطق ها، پیام‌ها و مکتوبات مصدق در دوران نخست وزیری است.

همه آنچه را که در دفترهای پیشین راجع به چگونگی نقل مطالب و تصحیح های عبارتی و علامت گذاری ها یاد کرده ایم، در مورد این دفتر نیز صادق است. لاجرم به تکرارشان نمی‌پردازیم.

نطق ها و پیام‌ها را بر اساس تاریخ ایراد و ارسال، مرتب ساخته‌ایم بدین ترتیب خوانندگان خواهند توانست مطالب این دفتر را به نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوران نخست وزیری (در مجلس شورا و سنا) تطبیق کنند و بدین سان تاریخ دوران افتخارآمیز نخست وزیری مصدق را باز بخوانند.

در این دفتر علاوه بر فهرست عناوین سرصفحه ها، فهرست دیگری حاوی عناوین نطق ها تنظیم کرده‌ایم که کار مراجعه به نطق ها را جدا جدا آسان می‌سازد.

نطق ها و پیام‌ها و ... که در این دفتر آمده است حاصل کوشش مستمر و مطالعه اسناد و مدارک گوناگون است. سعی ما بر این بوده است که کلیه نطق ها و پیام‌های مصدق را در دوران نخست وزیری گرد آوریم. گمان می‌کنیم تا حد زیادی در این کار توفیق یافته باشیم. منابعی که مندرجات این دفتر مأخوذ از آن‌ها هستند عبارتند از:

۱- کتاب اسناد نفت. ناشر اداره کل انتشارات و تبلیغات، تهران، ۲۰ مرداد ۱۳۳۰، ۳۸۱ صفحه

۲- جزوه گزارش دکتر مصدق نخست وزیر در جلسه ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی و سنا، راجع به جریان مذاکرات با هیئت نمایندگی دولت انگلیس به ریاست استوکس مژدار سلطنتی، ۲۵ صفحه، چاپخانه بانک ملی، ایران (جزوه ۱)

۳- جزوه سخنرانی آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر برای هیئت مخبرین جرائد آمریکایی در روز سه شنبه ۱۲/۲۷/۱۳۳۰، ۱۸ صفحه (جزوه ۲)

۴- جزوه نطق آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر در جلسه نمایندگان دوره هفدهم، روز شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۳۱- ۱۲ صفحه (جزوه ۳)

۵- نهمین سالنامه دنیا

۶- روزنامه اطلاعات از اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ تا مرداد ماه ۱۳۳۲

عناوین نطق‌ها معمولاً مأخوذ از منابع است و در مورد نطق‌ها و پیام‌هایی که از روزنامه اطلاعات نقل شده است، عناوین مأخوذ از متن نطق‌ها یا پیام‌ها است. در زیر صفحه اول هر نطق یا پیام نام و نشان منبع و صفحاتی که نطق یا پیام در آن مندرج است، بتفصیل و با دقت کافی ذکر گردیده است.

با انتشار این دفتر قسمت اعظم کار انتشار نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق به پایان می‌رسد. خشنودیم که کار انتشار این اسناد تاریخ را بطور مرتب پیش برده ایم و امید آن داریم که در این کار با یاری و مددکاری همه ایران دوستان مبارزه همچنان استوار قدم پیش برویم

انتشارات مصدق

اسفند ماه ۱۳۵۰

«نخستین پیام مصدق از رادیو خطاب به ملت ایران در مقام نخست وزیری نهم اردیبهشت ۱۳۳۰»

هموطنان

هیچ تصور نمی‌شد موقعی پیش آید که به عنوان نخست وزیر بوسیله رادیو با شما صحبت کنم و هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم با ضعف مزاجی که دارم مسئولیت چنین کار خطری را قبول نمایم.

قضیه نفت سبب شد که من این بار گران را بدوش بکشم و اکنون تنها خدا می‌داند تا کی بتوانم آنرا تحمل کنم.

هموطنان عزیز، رأی بی سابقه و بی شائبه همکاران عزیزم، نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و مجلس سنا و اظهار تمایل آن‌ها به زمامداری این‌جانب سبب شد که از نظر فریضة ملی از قبول زمامداری خودداری نکنم و امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در تشکیل دولت اطاعت نمایم.

هموطنان عزیز، تردید ندارم که برای قبول این کار و بار گرانی که بدوش گرفته‌ام از بین می‌روم چون مزاج من متناسب با قبول چنین وظیفه مهمی نیست ولی در راه شما جان چیز قابلی نیست و از صمیم قلب راضی هستم که آنرا فدای آسایش شما کنم.

در اینجا از دو دسته هموطنان عزیزم درخواستی دارم که ناچارم آنرا عرض کنم و از حضورشان تقاضا نمایم با قبول آن با من کمک کنند.

تقاضای اول من از بعضی از آقایان ارباب قلم و روزنامه نگاران است که از آزادی سوءاستفاده نکنند و عفت قلم را همیشه رعایت نمایند، زیرا هیچ‌وقت نمی‌خواهم ترتیبی پیش آید که آن‌ها نتوانند منویات خود را اظهار کنند ولی اظهار منویات و استفاده از آزادی باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران و حقوق مشروع آن‌ها و به امنیت مملکت خللی وارد نکنند.

تقاضای دوم من از هموطنان عزیزم، کارگران است که من آن‌ها را مثل فرزند حقیقی خود دوست دارم و می‌دانم که آن‌ها زحمت می‌کشند و نان می‌خورند و از کار دیگران سوءاستفاده نمی‌نمایند.

امیدوارم فردا، که به مناسبت روز اول ماه مه که عید کارگران دنیاست و آن‌ها هم بالطبع در آن جشن بزرگ شرکت می‌کنند طوری رفتار نمایند که نظم و ترتیب و آرامش

آن‌ها برای دیگران سرمشق شود. کارگران ارجمند و عزیز ما می‌دانید که جبهه ملی از ابتدای تشکیل خود برای بسط دموکراسی و تأمین آزادی و مخصوصاً برای فراهم کردن موجبات رفاه و آسایش طبقات محروم مملکت مبارزه کرده و راه نجات ملت ستمدیده ایران و وصول به این مقاصد ملی را در استقلال اقتصادی و تسلط بر صنایع ثروت ملی تشخیص داده است.

اینک که به خواست خداوند متعال و به همت نمایندگان مجلسین بزرگترین صنایع ثروت ملی به ملت بازگشته همگی یقین داریم که اگر درست از آن ثروت سرشار استفاده شود ملت ما خواهد توانست در آتیه با نهایت رفاه و آسایش بسر برد و دوش بدوش ملل راقیه و وظیفه خود را در کمک به تمدن عالم به انجام رساند ولی واضح است که اگر تفرقه و نفاق و اغتشاش در میان ما پیدا شود تمام زحمات ملت ایران نقش بر آب خواهد شد زیرا با هرج و مرج و بی‌نظمی قوای ملی باید مبارزه با اغتشاش کند و ناچار از بهره برداری از منابع نفت و هرگونه فعالیت برای آبادی کشور خود، باز بماند. ولی اطمینان دارم کارگران هوشیار ما با حفظ نظم و آرامش و جلوگیری از بروز اغتشاش این بهانه را هم از دست دشمنان خواهند گرفت و به دنیا ثابت خواهند کرد که ملت ایران راه را از چاه تشخیص می‌دهد و اینکه می‌بینند شب تیره کشور رنج دیده آن‌ها به سحر نزدیک شده و عنقریب انشاءالله آفتاب سعادت ملت ایران طالع می‌شود به دولتی که جز خدمت به آن‌ها هیچ گونه منظور و مقصودی ندارد مجال خواهند داد تا با فراغ بال به وظیفه خطیر ملی خود که تقویت استقلال سیاسی و تأمین استقلال اقتصادی کشور است عمل نموده و عدالت اجتماعی و رفاه و آسایش عموم طبقات مملکت را انشاءالله فراهم کند.

شما را به خدا می‌سپاریم و از باری تعالی مسئلت دارم که مرا در مقابل هموطنان عزیز شرمسار نکند.

**«جواب دولت ایران به پیام موریسون وزیر امور خارجه انگلیس.
این جواب در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۶ توسط سفیر ایران در لندن تسلیم شد»**

جناب آقای سهیلی سفیر کبیر:

آقای موریسون وزیر امور خارجه انگلستان: پیام جنابعالی را توسط سفیر کبیر ایران دریافت داشتیم. این‌جانب نیز کمال علاقه را به حسن روابط و تشدید مبانی مورت با دولت انگلستان دارم و لازم می‌دانم پاره سوء تفاهمات بکلی رفع شود. یکی از علل سوء تفاهمات عملیات و رفتار شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود که باعث عدم رضایت ملت ایران شده بود و غالباً آنرا از چشم مأمورین دولت انگلیس می‌دیدند و یقین حاصل است بعد از اجرای قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور این موجبات عدم رضایت از بین خواهد رفت زیرا تشدید و استحکام دوستی ایران و انگلستان

نه فقط در خیر و صلاح این دو کشور می‌باشد بلکه به خیر و صلاح کلیه دُول دمکراسی و بنفع صلح عمومی جهان خواهد بود.

مقصود از ملی کردن صنعت نفت کاملاً روشن است.

ملت ایران می‌خواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده و بهره برداری از منابع نفت را خود به عهده داشته باشد و جز اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت مقصودی ندارد و بر طبق موارد ۲ و ۳ آن قانون (سفارت کبرای ایران نسخه [ای] از ترجمه قانون را به جنابعالی خواهد داد) حاضر است به دعاوی شرکت سابق نفت رسیدگی کند و این امر با عمل کمونیستی که اشعار داشته اید به هیچوجه قابل مقایسه و تطبیق نیست و نیز بر طبق ماده ۷ قانون مزبور حاضر است به مشتری‌های سابق به نرخ عادلانه بین‌المللی نفت بفروشد. ملی کردن صنایع حق حاکمیت هر ملتی است و بر فرض اینکه قراردادها یا امتیازاتی با اشخاص و شرکت‌های خصوصی نسبت به آن صنایع منعقد شده باشد، که جمیع جهت حقوقی هم فرض صحت آن شود چنین قراردادها یا امتیازها مانع از اعمال حاکمیت ملی نخواهد بود و هیچ مقام بین‌المللی هم صلاحیت رسیدگی به چنین امری را ندارد.

دولت ایران می‌خواهد با استفاده از حق حاکمیت خود، از عواید نفت بنیة اقتصادی کشور خود را تقویت و موجبات آسایش عمومی را فراهم و به فقر و فلاکت و نارضایتی عمومی خاتمه دهد و این امر مایه آبادی و آرامش ایران و موجب جلوگیری از هرگونه اختلال و آشوب خواهد بود.

در اصل موضوع هم چون به موجب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی از سنا و مجلس شورای ملی باید انتخاب شوند و این کار هم همین چند روزه انجام خواهد شد، به محضی که این هیئت تشکیل شد از شرکت سابق نفت برای ترتیب کار و اجرای قانون دعوت به عمل خواهد آمد.

دکتر مصدق نخست وزیر

« بخشنامه نخست وزیر در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۲۳ »

وزارتخانه ها ادارات مستقل بانک ها

تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

در این موقع که قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت و طرز العمل آن به تصویب مجلس شورای ملی و سنا رسیده و فرامین ملوکانه در اجراء قوانین مزبور صادر و ابلاغ گردید لازم است به قسمت‌های تابعه دستور فرمائید که در مکاتبه با شرکت سابق نفت انگلیس و ایران همانطور که در ماده ۲ و ماده ۷ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور نیز «شرکت سابق» ذکر شده است به عنوان «شرکت سابق نفت انگلیس و ایران» مکاتبه و کلمه سابق را قید نمایند.

«بیانیه دولت آمریکا راجع به نفت ایران در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۲۸»

کشورهای متحد آمریکا درباره اختلافات دولتین ایران و بریتانیای کبیر راجع به نفت ایران نگرانی عمیق دارد. هم با ایران هم با بریتانیای کبیر ما دوستی استوار داریم نسبت به خیر هر دو مملکت صمیمانه علاقمندیم. کشورهای متحد آمریکا می‌خواهد این اختلاف بطور دوستانه حل شود زیرا این اختلاف نه تنها برای دو طرفی که مستقیماً ذینفع هستند بلکه برای تمام دنیا آزاد نیز خطیر است.

ما از نزدیک مراقب جریان امر بوده‌ایم و نظر خود را به هر دو کشور گفته‌ایم نظراتی که اظهار داشته‌ایم مربوط به جنبه‌های کلی این مسئله بوده است و برای ما مقتضی نبوده است که درباره شرایط خاص و ترتیباتی که ممکن است برای حل موضوع در نظر گرفته شود نظری کنیم.

از آنجا که درباره روش کشورهای متحد آمریکا گفت و گویی شده است مصلحت چنین است سیاسی را که در مذاکرات خود با نمایندگان ایران و بریتانیای کبیر اتخاذ کرده‌ایم تشریح نماییم.

لزوم حل اختلاف را به طریق دوستانه و از راه مذاکرات و همچنین لزوم احتراز از تخویف و تهدید به اقدام یکجانبه را به هر دو دولت تأکید کرده ایم.

هنگام مذاکرات خود با دولت بریتانیای کبیر این عقیده را اظهار کرده‌ایم که با ایرانیان ترتیباتی بدهند که کنترل بیشتری در اداره امور نفت و منافع بیشتری از استخراج منافع نفت خودشان داشته باشند و تمایلی را که ایرانیان در این باب اظهار نموده اند، شناخته شود.

در عین اینکه کشورهای متحد آمریکا در مورد هیچیک از شرایط پیشنهادی انگلستان نظر موافق یا مخالفی نداده است، خوشوقت است از اینکه انگلستان صادقانه مایل است درباره همه مسائل معوقه مورد اختلاف با ایرانیان مذاکره نماید.

ما حق حاکمیت ایران را کاملاً می‌شناسیم و نسبت به تمایل ایرانیان به اینکه منافع بیشتری از نفت عاید این کشور گردد همدردی می‌کنیم.

در مذاکرات خود با دولت ایران اثرات خطیری را که در نتیجه الغاء یکطرفی قرارداد بر روابط دوستی مترتب است و کشورهای متحد آمریکا قویاً مخالف آن خواهد بود، تذکر داده ایم.

ما اهمیت رسیدن ایرانیان را به هدف‌های مشروع خودشان از راه مذاکرات دوستانه با طرف دیگر بطوریکه با مسئولیت‌های بین‌المللی ایرانیان وفق دهد تأکید کرده ایم.

فایده اتخاذ این طریق این است که در آینده اطمینان به مصونیت سرمایه هائی که در ایران بکار انداخته می شود، ادامه خواهد یافت بلکه فی الحقیقه در سراسر جهان موجب ادامه اعتبار این نوع قراردادها خواهد شد.

از ایران جدا تقاضا شده است که پیش از اقدام نهائی جنبه‌های عملی مسئله را با دقت تجزیه و تحلیل کند.

در این خصوص ما این موضوع را پیش آورده‌ایم که آیا خلع ید از شرکت مستقره انگلیسی می تواند در واقع موجب تأمین حداکثر منافع ممکنه برای ایران باشد یا خیر؟ ما شرح داده‌ایم که عمل تولید و تصفیه کفایت‌مندانة نفت ایران نه فقط شامل داشتن معلومات فنی و سرمایه کافی است [بلکه] مستلزم داشتن وسائلی است برای حمل و نقل و عرضه و فروش نفت که فعلاً شرکت نفت در اختیار دارد.

همچنین بدین نکته اشاره نموده ایم که در آینده عدم اطمینان به حصول نفت ایران شاید موجب نگرانی مشتریان شود و آنها ممکن است احتیاجات خود را از منابع دیگر بدست آورند که در آن صورت درآمد ایران کاهش خواهد یافت.

شرکت های آمریکائی که از همه بهتر مجهز به وسائل بهره برداری از منابع مهم و بزرگ و غامض نفت مانند آنکه در ایران موجود است، می‌باشند به دولت آمریکا اظهار داشته‌اند که نظر به اقدام یکجانبه دولت ایران بر ضد شرکت انگلیسی مایل نیستند که بهره برداری از معادن نفت ایران را به عهده بگیرند.

علاوه بر این، متخصصین نفت چه از حیث کفایت و چه از نظر تعدادی که لازم است بجای متخصصینی که اکنون در ایران مشغول هستند گمارده شوند به علت کمیابی متخصص در رشته مخصوص نه در آمریکا عاید می‌شوند و نه در کشورهای دیگر.

عقیده ممالک متحد آمریکا بر این است که ایران و انگلستان دارای اشتراک منافی چنان قوی هستند که باید از طریق مذاکرات دوستانه راه حلی بیابند و خواهند یافت تا دوباره روابطی را برقرار سازند که بر اساس آن هر یک از طرفین نقش کامل خود را در نیل به آن هدف مشترک بخوبی ایفا نماید. چنین بنظر می‌رسد که از طریق این نوع مذاکره آمل و منافع ایران تأمین گردد و منافع انگلستان محفوظ بماند و جریان مهم و لازم نفت ایران به بازارهای جهان آزاد کماکان ادامه یابد.

ممالک متحده آمریکا کراراً علاقه شدید و مفرط خود را به تأمین استقلال و تمامیت ارضی ایران اظهار داشته و عملاً این علاقه را بمنصه ظهور رسانیده و خواهد رساند.

«تذکاریه دولت ایران به دولت آمریکا در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۳۰»

بیانیه دولت آمریکا راجع به نفت ایران با عبارات و جملاتی که در آن ذکر شده در محافل مربوط ایران تأثیرات غیر منتظر و نامطلوبی ایجاد کرده است.

تا دو روز قبل مقامات رسمی آمریکا می‌گفتند در امر نفت بی‌طرف هستند و ملت ایران انتظار داشت این روش بی‌طرفی ادامه یابد. و اینک جای تعجب است که دولت آمریکا تغییر عقیده داده و می‌خواهد صلاح اندیشی نماید که موضوع مذاکره حل شود. اگر صلاح بین‌المللی تذکر دوستانه دولت آمریکا را ایجاب می نمود، صلاح اندیشی دوستانه بایست طوری می‌شد که با قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور منافات پیدا نکند. اینک که قانون مزبور وضع و دولت موظف و مکلف به اجرای آن می‌باشد صلاح اندیشی دوستانه یک دولت خارجی به هر عنوان و عبارتی باشد جز مداخله در امور داخلی به چیز دیگر نمی‌تواند تلقی شود. آقای نخست وزیر فعلی در یکی از جلسات مجلس شورای ملی قبل از ملی شدن صنعت نفت چنین اظهار نمودند: « ای کاش نمایندگان از مجلس شورای ملی انگلستان به ایران می‌آمدند و به چشم خود می‌دیدند که شرکت نفت به روز مردم این مملکت چه می‌آورد و چگونه برخلاف حق و انصاف و عدالت عایدات گزاف سرشاری می‌برد و حق مملکت را غصب کرده است.»

رفتار و عملیات شرکت سابق نفت طوری مردم ایران را خشمگین و عصبانی ساخته بود که اراده واقعی ملت ایران به خاتمه دادن به آن اوضاع و ملی شدن صنعت نفت قرار گرفت و اکنون که قانون مزبور از تصویب مجلسین گذشته است دولت غیر از اجرای آن تکلیفی ندارد و اندک تعلل و مسامحه در اجرای آن خشم و غضب ملت ایران را جلب می‌کند.

بنابراین انتظار این است که ملت بزرگ آزادیخواه آمریکا بطوریکه در پاره‌ای از موارد از لحاظ طرفداری از حق و عدالت کمک‌های معنوی به اجرای مقاصد حقه ایران نموده اند در این مورد نیز مانند سابق روش بیطرفانه و دوستانه خود را از دست ندهند.

«پیام مصدق به خبرنگاران داخلی و خارجی در ۱۳۳۰/۲/۳۰»

آقایان خبرنگاران جراید خارجی

تا چند روز قبل که نماینده مردم و در مجلس در صف اقلیت بودم برای رفع بدبختی آن‌ها غیر از آه و ناله کار دیگری نداشتم ولی بعد که در رأس دولت واقع شدم و باید خود چاره جوئی و رفع بدبختی‌ها بکنم دست هایم بسته و پاهایم را نیز می‌خواهند طوری ببندند که حتی یک قدم نتوانم حرکت نمایم.

من عار دارم که نخست وزیر مملکتی باشم که قسمتی از نفوس آن در خود پایتخت مثل مردمان ماقبل تاریخ زندگی کنند.

در این چند روز که که از ملاقات شما خودداری کردم و بواسطه کسالت قرار شد، شما هم سئوالات خود را بنویسید و من یکمرتبه به تمام آن‌ها جواب دهم مقصودی جز این

نبود که قدمی چند بردارم و بتوانم بگویم که مقدمه هرگونه اصلاحات در این مملکت تهیه شده است ولی متأسفانه ذول دوست و خیرخواه ما مشکلاتی ایجاد کرده‌اند که آن مقدمه مورد انتظار هنوز فراهم نشده است.

اکنون تمنا می‌کنم شما شخصاً بروید اوضاع دلخراش آن قسمت از نفوس پایتخت را که بدان اشاره کردم ببینید و پس از مشاهده احوال اسف اشتمال ما آنوقت جوابی، چنانکه شایسته یک نخست وزیر آزاد و خیرخواه است به سئوالات شما بدهم.

«مصاحبه مطبوعاتی مصدق با خبرنگاران داخلی و خارجی در ۳ خرداد ۱۳۳۰»

در این اوقات از طرف آقایان مخبرین جرائد خارجی مکرر از اینجانب سئوالاتی راجع به نفت و اوضاع عمومی مملکت می‌شد.

بسیار میل داشتم جواب سئوالات آقایان را جزء به جزء بدهم ولی از طرفی اشتغال مستمر به کارهای مملکتی و از طرف دیگر بواسطه شباهت تامی که بین سئوالات بود به این فکر افتادم که جواب همه آقایان را یکجا در ضمن بیانیه ای به عرض برسانم.

ولی چون دیدیم تا آقایان مخبرین جرائد به اوضاع داخلی مخصوصاً فقر و بیچارگی بینهایت مردم واقف نشوند درست پی به عرایض من نخواهند برد از آقایان خواهش کردم قبلاً بروند و برای العین وضع زندگانی محنت بار مردم این کشور را مشاهده کنند سپس مصاحبه بعمل آید.

آقایان محترم آنچه را در روز دوشنبه ملاحظه فرمودید نمونه‌ای از زندگانی اکثریت مردم این مملکت است بلکه می‌توانیم عرض کنم که زندگانی مردم ولایات غالباً از این هم ناگوارتر و رقت بار تر است.

مردمی که نمونه‌ای از آن‌ها را مشاهده کردید صاحب گنج نهفته ای هستند که ماری بر سر آن خفته و آن‌ها را از استفاده از ذخائر سرشار آن محروم ساخته است.

مردمی که قوت لایموت و ستر عورت ندارند دارای ثروت بی پایانی هستند که صرف عیش و نوش بیگانگان می‌شود و خود آن‌ها با فقر و بیماری و جهل دست به گریبان و در دریای مذلت و خواری غوطه ورنند. این وضع قابل دوام نیست زیرا صبر و بردباری هم حدی دارد و روزی که پیمان صبر این مردم بدبخت پر شود تنها خدا می‌داند که شرق میانه و بالنتیجه دنیا به چه وضع هولناکی دچار خواهد شد.

پس از این مقدمه به جواب سئوالات آقایان که دنبال طبیعی همین مقدمات است می‌پردازم.

برای نجات ملت ایران که به عقیده من مقدمه لازم برای نجات دنیا از جنگ سوم جهانی است باید به این اوضاع اسف بار خاتمه داد.

این جانب و همکاران من و رجال دلسوز مملکت چاره این بیچارگی ها را در فراهم آوردن سرمایه کافی و صرف آن در بهبود حال عموم و بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت می دانند.

سرمایه کافی به یکی از دو راه ممکن است فراهم شود یا بوسیله قرضه از خارج و یا بوسیله عوائد ملی که مهمترین آن ها عایدات سرشار نفت جنوب است.

اما از حیث استقرار خارجی، تا کنون مذاکرات چندین ساله ما به نتیجه نرسیده است. و حال آنکه عایدات نفت مال ماست و احدی نمی تواند حق ما را انکار کند. از عوائد نفت می توانیم تمام احتیاجات خود را رفع کنیم و به فقر و جهل و بیماری میلیون ها مردم زحمتکش این مملکت خاتمه دهیم و بعلاوه با کوتاه کردن دست شرکت سابق نفت کانون انتریک و فساد و مداخله در امور داخلی ما بهم می خورد و ایادی شرکت سابق نفت که در تمام شئون ما مداخلات ناروا قطع خواهد شد و به این ترتیب استقلال اقتصادی و سیاسی ما تأمین خواهد گردید.

به این دلایل است که به عقیده ملیون ایرانی اول قدم در باب اصلاحات مملکت رفع شرّ عُمال شرکت سابق نفت است که ملی را فدای مطامع خود کرده اند.

بعضی از آقایان در باب عکس العمل بعضی از دُول در باب ملی شدن صنعت نفت سؤالاتی کرده اند.

شما آقایان محترم باید به ملل آزاد جهان اعلام کنید که آخرین سعی ملت ایران برای نجات خود و شرق میانه همین اقدام ملی یعنی مبارزه با مداخلات بیگانه که بزرگترین وسیله آن شرکت سابق نفت است می باشد و ملت ایران برای تسلط بر اوضاع سیاسی و اقتصادی خود ناچار است تا آخرین نفس برای اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قطع ایادی بیگانگان از ثروت ملی و استقلال سیاسی خود مبارزه کند.

ملت ایران امیدوار است در این مبارزه مردانه که شایسته سابقه تاریخی و روح عظیم اوست بعون اللفاتح شود و اگر تقدیر الهی بر خلاف این باشد آن روز است که دُول غرب باید از شرق میانه حتی از شرق بطور کلی ست بشویند.

مقاومت شرکت سابق نفت در مقابل حق مسلم ملت ایران، که جز منافع مادی خود چیزی نمی بیند، امری طبیعی است ولی گفت و گوهای دُول دیگر که داعیه آزادی خواهی و طرفداری از حق و عدالت و حمایت از ملل آزاد دارند موجب نهایت تعجب و تأسف است.

آقایان محترم انصاف دهید در چنین موقع خطیری که ملت مظلوم ایران مشغول مبارزه های است که حیات و ممانت او بدان بستگی دارد آیا شایسته است دُول آزاد جهان حقوق چنین ملتی را که حق پرستی و آزاد منشی او ثبت تواریخ عالم است از یاد ببرند؟ آیا سزاوار است حق ملتی که در همین چند سال پیش هنگام جنگ جهانی دوم از

خودگذشتگی خود را به دنیای آزاد به ثبوت رسانده از دل و جان تمام هستی خود را برای برانداختن راه و رسم زورگویی و جبر و عنف در اختیار دُول آزادیخواه عالم گذاشت فراموش شود.

حقیقتاً از اظهار تعجب نمی‌توانم خودداری کنم که چطور دُولی که دایه حمایت ملل آزاد را دارند قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قانونی را که ناشی از حق حاکمیت یک ملت است ندیده گرفته بجای اینکه به شرکت نفت توصیه کنند که در مقابل حق ملت ایران تسلیم شود تصویب قانون ملی شدن صنعتی که حق مسلم ایران است و دُول دیگر جهان از جمله دولت مکزیک و خود دولت انگلستان از آن حق در موارد مختلفه استفاده کرده‌اند امری برخلاف اصول جلوه می‌دهند و می‌گویند مجلس ایران تعهد کرده است که فلان قرارداد را بهم نزند. نه مجلس ایران و نه هیچ مجلسی در دنیا نمی‌تواند حق قانون گذاری مجالس بعد را محدود کند.

مجلس ایران هیچ‌وقت تعهد نکرده و نمی‌تواند هم تعهد کند که حق وضع قوانین و مقرراتی که به صلاح مملکت خود می‌داند و جزء حق حاکمیت ملت است از خود سلب کند.

ولی البته اگر قانونی وضع کرد که نتیجه آن به اشخاص اعم از عادی یا اشخاص حقوقی خسارت وارد شد بر طبق سیره تاریخی خود که همیشه طرفدار حق و عدالت بوده جبران آن خسارت خواهد کرد.

مخالفین مخصوصاً عمال شرکت سابق نفت می‌خواهند در دنیا عمل ملی شدن صنعت نفت را به عنوان مصادره اموال غیر قلمداد کنند و حال آنکه هرگز دولت ایران در صدد مصادره کردن اموال کسی نبوده است.

دولت ایران عمل صنعت نفت را می‌خواهد خود بعهده گیرد و شرکت سابق نفت جز تحویل مال به صاحب مال چاره‌ای ندارد.

البته اگر شرکت سابق دعاوی حقه‌ای داشته باشد دولت و ملت ایران هیچ وقت از احقاق حق هیچ‌کس روگردان نبوده و نخواهند بود و پس از رسیدگی حق هر کس را خواهند پرداخت و به همین دلیل است که در ماده دوم قانون اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت برای دعاوی احتمالی شرکت ۲۵ درصد عایدات جاری نفت به عنوان وثیقه تعیین گردیده که در بانک مرضی الطرفین به ودیعه گذاشته شود.

دیگر اینکه ایادی شرکت نفت در دنیا انتشار داده‌اند که دولت ایران می‌خواهد مؤسسات نفت را من غیر حق اشغال کند و متخصصین را جواب گوید و ناچار به این ترتیب دستگاه نفت تعطیل یا متوقف خواهد شد. این ادعا کذب محض و محض کذب است زیرا دولت ایران با نهایت حزم و احتیاط به خلع ید شرکت نفت اقدام خواهد کرد و ابداً اقدامی بعمل نخواهد آورد که در صنعت نفت کوچکترین وقفه‌ای حاصل شود و نیز در نظر ندارد متخصصین فنی را از شرکت بیرون کند.

بنا بر این بهیچوجه به منافع حیاتی دُولی که از نفت جنوب استفاده می‌کنند لطمه ای وارد نخواهد آمد و اگر آن‌ها خار راه مقاصد ملی ما نشوند همانطور که در ماده هفت قانون پیش‌بینی شده و من آن ماده را عیناً اینجا نقل می‌کنم.

«ماده ۷- کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالانه خریداری کرده‌اند می‌توانند از این ببعدهم به نرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار را سالانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهد داشت.»

ملت این حقوق آن‌ها را محفوظ خواهد داشت.

یکی دیگر از شبهاتی که برای مشوّب کردن ذهن مردم دنیا ایجاد کرده‌اند و مکرر در آن بحث می‌شود چنانکه در فوق هم به آن اشاره کردم راجع به عمل یکجانبه دولت ایران در باب ملی کردن صنعت نفت است.

ملی کردن صنایع حق هر ملتی است و عمل یکجانبه است و غیر از این هم نمی‌تواند باشد آیا انتظار داشتند که ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت خود از دولت دیگری کسب اجازه کند؟

این عمل چنانکه بارها گفته شد ناشی از حق حاکمیت ملت ایران است و این حق را هیچ قراردادی نمی‌تواند محدود کند.

این موضوع را همه مردم دنیا اذعان داند ولی مخالفین مطلب را طور دیگر طرح می‌کنند یعنی بجای اینکه منصفانه حکم کنند که ملت ایران حق دارد صناعی را که صلاح می‌داند ملی کند، چنانکه بجای اینکه ملل دیگر هم کرده‌اند موضوع را معکوس جلوه می‌دهند و چنین وانمود می‌کنند که ملت ایران قرارداد شرکت سابق را ملغی کرده است.

قطع نظر از اینکه قرارداد اکراهی و غیر نافذ و حتی باطل است دولت و ملت ایران اصلاً و ابداً در صحت یا بطلان آن قرارداد وارد نشده است که شرکت سابق نفت و دولت انگلیس بعنوان الغاء یکجانبه قرارداد قیل و قال در دنیا راه بیندازند.

مجلسین و دولت ایران در باب قرارداد تصمیمی نگرفته اند که شرکت سابق نفت بتواند آنرا بهانه تقاضای حکمیت قرار دهد. حکمیت در صورتی است که در باب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد تصمیمی اتخاذ شده باشد و باز عرض می‌کنم نه مجلس و نه دولت ایران وارد موضوع قرارداد مطلقاً نشده و بنابراین شرکت نفت نمی‌تواند در خصوص قرارداد اظهار بکند.

البته در نتیجه ملی شدن صنعت نفت شرکت سابق نفت جنوب منحل می‌شود ولی هر قراردادی اعم از قراردادهای حقوق خصوصی یا عمومی در معرض این نوع قوانین

ناشیه از اعمال حق حاکمیت ملل هست و هیچ چیز نمی تواند از آن جلوگیری کند و در این قبیل موارد که دولت بر طبق حق حاکمیت خود تصمیمی اتخاذ می کند تنها کاری که می شود کرد این است که از چنان دولتی خسارت بخواهند و دولت ایران رسیدگی به خسارات را خود قانوناً پیش بینی کرده است.

خلاصه فعلاً قرارداد مخدوش و باطل ۱۹۳۳ موضوع سخن ما نیست و هر مطلبی که در باب آن بگویند بیمورد است.

در خاتمه همانطور که از شما آقایان تقاضا کردم بروید اوضاع مردم این مملکت را از نزدیک ببینید از آزادمردان جهان نیز دعوت می کنم که برای دیدن وضع رقت بار مردم ایران به این مملکت بیایند و نتیجه نیم قرن سیاست شوم استعماری شرکت سابق نفت را برای العین در این مملکت مشاهده کنند، زیرا از دیدن اوضاع زندگانی این مملکت به علت بغض و عداوت ملت ایران نسبت به شرکت سابق نفت پی خواهند برد و به وضوح خواهند دید که اگر حال بر همین منوال بماند و دولت انگلیس یا هر دولت دیگری به بهانه های بی اساس بخواهد در ابقاء شرکت سابق نفت پافشاری کند ضرر و وبال آن قریباً دامن گیر دنیای آزاد خواهد و شد و هیچ قدرتی دیگر نخواهد توانست جلو سیل حوادثی را که زمینه بروز آن کاملاً مهیا است بگیرد.

ملل آزاد جهان ملت ایران را در این مبارزه مقدس باید یاری [کنند] زیرا کمک آن ها نه فقط از سقوط یکی از کهنسال ترین ملل عالم جلوگیری خواهد کرد بلکه با بقاء این ملت ممکن است که سرنوشت عالم عوض شود و تمدن غرب از خطر اضمحلال نجات یابد.

«پیام ترومن به مصدق ۱۰ خرداد ۱۳۳۰»

آقای نخست وزیر عزیزم

آقای رئیس جمهوری آمریکا پیام‌های مشابهی به عنوان جنابعالی و نخست وزیر بریتانیای کبیر ارسال نمودند. متأسفانه در ارسال این دو پیام اشتباهی روی داده است و پیامی که به جنابعالی تسلیم شد پیامی بود که بایستی باتلی نخست وزیر انگلستان داده می شد. تفاوت مهمی بین دو پیام وجود ندارد و همین امر که برای هر دو نخست وزیر پیام فرستاده شده دلیل این است که آقای ترومن رئیس جمهوری مایل است که در اختلاف نفت به هر دو طرف ملتجی شود اینک پیامی را که در واقع به منظور جنابعالی تهیه شده بود به ضمیمه ایفاد می‌دارد و همانطوریکه عرض کردم این پیام با پیامی که دوستدار در آن روز به جنابعالی تسلیم نمودم تفاوت مهمی ندارد. با اظهار تأسف از اشتباهی که روی داده است احترامات فائقه را تجدید می نماید.

دوستدار شما - هنری گریدی سفیر کبیر آمریکا

متن پیام ترومن به مصدق

جناب آقای نخست وزیر

این‌جانب نگرانی شدید دولت کشورهای متحد آمریکا را راجع به اختلافی که بین ایران و بریتانیای کبیر دربارهٔ عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران وجود دارد اظهار می دارم. کشورهای متحد آمریکا با هر دو مملکت دوست نزدیک است و جداً علاقمند است راه حلی پیدا شود که تمایلات مردم ایران برای ملی کردن منابع نفت خود ارضاء و در عین حال منابع اساسی بریتانیای کبیر را تضمین نماید و ادامه جریان نفت ایران را به مجرای اقتصادی دنیای آزاد تأمین سازد.

من معتقدم که دولت ایران و دولت انگلستان هر دو مایلند و علاقه و اشتیاق دارند ترتیبی بدهند که این مقاصد انجام شود. این مسئله روشن است که اجرای مقاصد فقط در صورتی ممکن است که دولت ایران حاضر شود همهٔ مسائل معوقهٔ مورد اختلاف را با نمایندگان بریتانیای کبیر مورد مذاکره قرار دهند و بدون اینکه مذاکرات را صرفاً به جزئیات فنی محدود سازند. جداً و صمیمانه امیدوارم در مجاهداتی که دولت ایران برای اجرای برنامه ملی کردن می نماید این اقدام را بوسیلهٔ مذاکرات دوستانه بعمل آورد. اطمینان دارم جنابعالی توجه دارید چرا این‌جانب نگرانی عمیق دارم که در موقعیت

کنونی اقدامی نشود که مانع تصفیه امر گردد. زیرا تصفیه امر برای تمام دنیای آزاد حائز اهمیت بسیار است. مطمئنم راه حلی که هم مورد قبول ایران و هم بریتانیای کبیر باشد می‌توان پیدا کرد و پیدا خواهد شد. صمیمانه امیدوارم که برای رسیدن به این مقصود هرگونه مساعی مبذول گردد.

هاری . س. ترومن

«جواب مصدق به پیام ترومن در ۲۰ خرداد ۱۳۳۰»

حضرت مستر ترومن رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا

افتخار دارم از وصول پیام گرمی که بوسیله جناب سفیر کبیر آن حضرت ارسال شده بود خالصانه تشکر نمایم.

ملت و دولت ایران همواره کشورهای متحد آمریکا را دوست صمیمی و خیرخواه خود می‌داند و به این دوستی مستظهرند.

در خصوص ملی شدن صنعت نفت در ایران اطمینان داشته باشید که دولت و مجلسین ایران هم مانند آن حضرت علاقمند هستند که از این تصمیم ملی کوچکترین لطمه ای به ممالکی که که تاکنون از آن استفاده کرده‌اند وارد نیاید لیکن از اینکه نگرانی دولت کشورهای متحده را بیان فرموده‌اید چنین استنباط می‌شود که مطلب کاملاً بر آن حضرت روشن نیست. و بنا بر این اجازه می‌خواهم از فرصت استفاده نموده شمه ای از سوابق قضیه و اقداماتی که اکنون در جریان است به استحضار برسانم. سال هاست که دولت شاهنشاهی ایران از رفتار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ناراضی بوده است و اگر دوستدار بخواهم تعذبات آن شرکت را شرح بدهم و با ذکر سوابق و مدارک متقن روشن نمایم که حساب این مؤسسه با حقیقت مطابقت نداشت و در این حساب ظاهری هم سهمی که برای ملت ایران یعنی برای صاحب و مالک معادن نفت منظور می داشتند بقدری ناچیز بود که هر منصفی را تحریک می کند، موجب تصدیع خاطر محترم خواهد شد و از حوصله این پیام خارج است.

ملت ایران این اوضاع را سال‌ها تحمل کرد و نتیجه آن فقر و پریشانی هولناکی است که اکنون گریبان ما را گرفته است. لیکن ادامه این بُردباری با اوضاعی که جنگ بین‌المللی دوم در کشور ما ببار آورده است امکان نداشت.

البته آن حضرت بخاطر دارند که ملت ایران در این جنگ برای پیشرفت حق و عدالت و آزادی در جهان با متفقین همکاری صمیمانه نمود و در این جنگ برای همکاری متحمل چه مشقات و فداکاری هایی گردید. در این کارزار کلیه فعالیت‌های عمرانی داخلی ما تعطیل و تمام قوای مولده ما شب و روز برای اجرای نقشه های عظیم حمل مهمات و تهیه خوار و بار و سایر لوازم ارتش متفقین مشغول شده بود. کشیدن این بار سنگین در طی چند سال مالیه و اقتصاد ما را بی اندازه ضعیف و مختل کرد و ما را با یک سلسله مسائل اقتصادی پر وخیم و گوناگونی مواجه نمود و طبقات زحمتکش این

کشور که در تمام مدت جنگ برای متفقین جان کنده بودند با گرانی طاقت فرسا و بی کاری دست بگریبان شدند.

پس از خاتمه جنگ اگر ما را به حال خود می گذاشتند می توانستیم رفته رفته اوضاع مولود جنگ را به حال سابق برگردانیم و دهات خودمان را که در نتیجه جلب کشاورزان به کارهای زمان جنگ در جاده ها و کارگاه ها و کارخانه ها خالی از سکنه و ویران شده بود احیا کنیم.

اگر به ما هم مانند سایر ملل آسیب دیده زمان جنگ از خارج کمک شده بود به احیای اقتصادی کشور خود زودتر موفق می شدیم. ولی بدون این کمک هم اگر طمع کمپانی سابق نفت جنوب از یک طرف و دسائس عمال آن از طرف دیگر مجال می داد باز موفق می شدیم. لیکن این کمپانی سعی می کرد با محدود کردن درآمد، ما را همیشه در فشار مالی نگاه داشته و اداره امور ما را طوری مختل نماید که همیشه مجبور باشیم دست خود را به طرف او دراز کنیم و آنچه به ما تحمیل کند تمکین نماییم.

ایادی مرموز شرکت از یک طرف با فشار اقتصادی نهضت اصلاحی ما را فلج کردند و از طرف دیگر باستناد اینکه این مملکت دارای منابع ثروت سرشار و معادن نفت است مانع شدند از کمک هایی که به سایر آسیب دیدگان جنگ شده بود، ایران هم بهره مند شود.

از آن حضرت انصاف می خواهم آیا ملت بردبار ایران که با تحمل تمام این شدائد و محرومیت های یأس آور تاکنون توانسته است در مقابل تبلیغات قوی و انقلابی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیاورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست؟ و آیا جز ملی کردن صنایع نفت برای استفاده از ثروت خداداد و خاتمه دادن به کار یک شرکت بی انصاف چاره دیگری داشته است؟

اکنون که مختصری از علل تصمیم ملی کردن صنعت نفت در ایران بااستحضار رسید هرگاه به متن قانون توجه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که مجلسین ایران در وضع این قانون از جاده حق و عدالت به هیچوجه منحرف نشده اند. این قانون بطوریکه که مکرراً از پشت تریبون مجلسین و در طی مصاحبه ها اعلام گردیده مصادره و تصاحب اموال را تجویز نکرده بلکه برعکس تأدیه غرامات و خسارات احتمالی را پیش بینی و تأمین نموده است و از طرف دیگر به ادامه معاملات نفت با ممالکی که تا کنون از منابع ایران استفاده نموده اند توجه خاص نموده و نظر مشتریان سابق را صریحاً تأمین کرده است.

اکنون بیش از یک ماه است که قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران به تصویب مجلسین و توشیح مقام سلطنت رسیده است و با اینکه در قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران که به تصویب مجلسین و توشیح مقام سلطنت رسیده است به خلع ید بلافاصله حکم شده و دولت در فشار فوق العاده افکار عمومی ایران است که با کمال بی صبری خواهان خلع ید شرکت سابق هستند، دولت و هیئت مختلط منتخب از مجلسین مطالعاتی کرده اند که قانون را به بهترین ترتیبی اجراء کنند که بعمل بهره برداری مؤسسات نفت و صدور آن به خارج هیچگونه خللی وارد نشود و بهترین گواه صدق این گفتار و حسن نیت دولت شاهنشاهی مقرراتی

است که در مورد اجراء خلع ید به نماینده شرکت سابق ابلاغ شده است که اهم آن مقررات این است:

۱- مادام که اساسنامه شرکت ملی نفت ایرانی به تصویب مجلسین ایران نرسیده است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت (جز آنچه با قانون ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) می باشد.

۲- کارشناسان، کارمندان و کارگران ایرانی و خارجی شرکت سابق نفت کماکان به خدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته می شوند.

۳- هیئت مدیره باید نهایت دقت و سعی را در اجراء برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفت بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیشتر شود.

هیئت مدیره مکلف است بوسیله آگهی خریداران سابق نفت را برای ابراز مدارک معاملات سابق دعوت کند و در عین حال تسهیلاتی فراهم نماید که تا آخر رسیدگی به صحت مدارک آن‌ها و حصول توافق با خریداران در امر صدور نفت وقفه و مضیقه پیش نیاید.

و بالاخره به شرکت سابق مجال داده شده است که پیشنهادهای که با اصل ملی شدن نفت مبیانت نداشته باشد سریعاً بدهد و دولت وعده کرده است پیشنهادهای او را مورد توجه قرار دهد.

منظور دولت ایران و هیئت مختلط از اتخاذ این تصمیمات برای ادامه جریان نفت ایران به طرف کشورهای مصرف کننده نفت جنوب بوده که مورد نظر آن حضرت قرار گرفته است و می‌توانند اطمینان داشته باشند که ملت ایران به حفظ دوستی با عموم ملل بخصوص با مللی مانند انگلستان که با ما روابط دیرینه دارند علاقمند است.

راجع به خلعت ید و تصفیه حساب با شرکت سابق که بر طبق مقررات قانون مصوب مجلسین باید بعمل بیاید چون یک امر داخلی ایران است البته تصدیق می فرمایند که دولت جز با نمایندگان شرکت سابق نمی‌تواند با دیگری داخل مذاکره شود.

دولت انگلیس وقتی می‌تواند اظهار نگرانی نماید که ایران در اجراء قانون ملی کردن صنعت نفت نسبت به شرکت سابق از حدود حق و قانون تجاوز کند و اطمینان داشته باشد که چنین تجاوزی نخواهد شد.

ما همیشه ساعی خواهیم بود که روابط دوستی خود را با دولت انگلستان حفظ کنیم هرگونه نگرانی که آن دولت از مسئله رسیدن نفت ایران به نیازمندی های انگلستان بر طبق قانون داشته باشد رفع نمائیم و با این ترتیب دیگر هیچ موجبی برای ادامه نگرانی دولت و ملت انگلستان در روابط خود با دولت و ملت ایران باقی نخواهد ماند.

موقع را برای تجدید احترامات صمیمانه خود نسبت به آن حضرت و آرزوی دوام ترقی و تعالی ملت بزرگ آمریکا مغتنم می شمارم.

نخست وزیر ایران

**«تلگراف مصدق به هیئت اعزامی برای خلع ید در تاریخ ۲۱ خرداد
۱۳۳۰»**

بوسیله جناب آقای امیرعلائی

جنابان آقایان نمایندگان محترم کمیسیون مختلط و هیئت محترم مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران وصول گزارش های مبسوط از اقدامها بسیار مؤثر و مفید آن جنابان بی نهایت موجب مسرت و تشکر است.

دولت و همچنین کمیسیون مختلط از این موفقیت و پیشرفتی که تاکنون حاصل شده امتنان کامل دارند و توفیق نهائی آن جنابان را آرزو مندیم.

دکتر مصدق

**«تلگراف مصدق به نماینده فوق العاده دولت در خوزستان در تاریخ
۲۱ خرداد ۱۳۳۰»**

تلگراف زیر از طرف آقای دکتر مصدق نخست وزیر به آقای امیرعلائی نماینده فوق العاده دولت در خوزستان مخابره شده است.

جناب آقای امیرعلائی

از مراقبت و توجه مخصوصی که در این موقع خطیر در انجام امور محوله مبذول فرمودید اینجانب کمال امتنان و تشکر خود را ابراز می دارم و توفیق پایان این خدمت مهم ملی را برای جنابعالی آرزو مندیم.

دکتر مصدق

«پیام مصدق به دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۳۰»

فرزندان عزیزم- درود قلبی به شما می‌فرستم و از خدای متعال مسئلت دارم همگان با کامیابی و سربلندی از علوم و فنون آن دیار مترقی بهره ای کافی بستانید و به سلامت و سعادت به میهن مقدس برگردید و مصدر خدمات شایان شوید و حق کشور و ملت ایران را که به گردن شما فرزندان خلف است ادا نمایید.

چون در اکثر نقاط کشورهای عظیم متحد آمریکا و سایر ممالک پراکنده هستید و با آن ملت دوست و بزرگ تماس و ارتباط دائمی دارید بعلاوه مراسلاتی از بعضی از شما راجع به نفت و مربوط به سوء تفاهمات در آن دیار به من رسیده لازم دانستم شما را از مقاصد ملت ایران در باب ملی شدن صنایع نفت مطلع گردانم تا شما هم بنوبه خود افراد ملت عدالتخواه و حق پرست ممالک مشابه را آگاه سازید و به هر که رسیدید و در هر محفلی حاضر شدید این مقاصد را شرح دهید تا اگر اشخاصی در نتیجه بی‌خبری یا شاید در نتیجه اغفال عمال مغرض دچار سوء تفاهم شده‌اند از حقیقت مطلع شوند زیرا اطلاع صحیح ملل مترقی و دوستی آن‌ها برای ما بسیار مهم و مغتنم است.

باید متذکر شد که تصویب قانون ملی شدن نفت ری دو اصل ذیل بعمل آمده:

۱- حدود پنجاه سال است شرکت خارجی امتیاز معادن نفت جنوب ایران را داشته و مبالغ سرشار منافع از آن برده است و الآن وقت آن رسیده است خود ملت ایران که صاحب آن معادن است و در نهایت فقر و مسکنت زندگی می‌کند آن منافع را ببرد تا بتواند اوضاع معیشت مردم را بهبود بخشد و کشور را از خطر انقلاب و زیر و رو شدن نجات دهد.

۲- ملی شدن صنایع نفت از حقوق مسلم حاکمیت ملی است و هیچ قراردادی حقاً یا باطلاً نمی‌تواند این حق اساسی را از بین ببرد و ملت ایران تصمیم دارد از حقوق مسلم خویش استفاده کند.

بد از تصویب این قانون شایعاتی زیاد و اخبار تحریک آمیز در مطبوعات و رادیوهای خارجی حتی در مطبوعات آمریکا براه افتاد که گویا ملت ایران می‌خواهد اموال و تأسیسات شرکت سابق نفت را به عنف غضب نماید یا اینکه کار استخراج نفت را بخواباند. از این قبیل شایعات بی‌اساس زیاد بروز کرده و هنوز هم بروز می‌کند ولی حقیقت امر این است که کلیه آن‌ها دروغ است و طرز عمل و نیت ملت و دولت ایران بواسطه توضیحات و مصاحبه‌های رسیم شخص رئیس دولت و رئیس هیئت مختلط و اشخاص ذیصلاحیت و مراسلات رسمی با شرکت سابق بوجه مشروح بیان و عیان شده

است و اینک یکبار دیگر به جوانان کشور بطور خلاصه می‌گویم که آگاه باشید و دیگران را هم آگاه کنید.

(الف)- ملی شدن صنایع نفت حق قطعی ملت ایران است و یک امر حیاتی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آنرا انکار کند.

(ب)-ملت و دولت ایران به‌هیچ‌وجه قصد غصب غیر قانونی اموال و متعلقات و تأسیسات شرکت سابق را ندارد و به موجب قانون ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (۳۰ آوریل ۱۹۵۱) باید به حساب‌های شرکت سابق رسیدگی نمود و هر نوع دعاوی حقه شرکت سابق مورد توجه قرار بگیرد و احقاق حق آن بشود.

۳- دولت ایران در توسعه استخراج نفت حد اعلائی کوشش را خواهد کرد و برای این منظور از مؤسسات و کارمندان و کارشناسان شرکت سابق استفاده خواهد نمود حتی تا تعیین اساسنامه جدید از مقررات شرکت سابق بااستثنای آنچه با قانون ملی شدن صنایع نفت منافات داشته باشد پیروی خواهد نمود و ابدأً عملی نخواهد کرد که تشکیلات سابق بهم خورد و محدودیت‌های فنی بوجود آید و در استخراج نفت کسر و نقصانی وارد شود.

۴- کلیه نفت استخراج شده بااستثنای مصرف داخلی کمافی‌السابق در اختیار خریداران سابق نفت گذاشته خواهد شد و مصارف انگلیس که دوست دیرین ماست کمافی‌السابق تأمین خواهد شد.

۵- دولت ایران برای عملی کردن این مقاصد حاضر است که بر طبق قوانین فوق الاشعار با اولیای شرکت نفت وارد مذاکره بشود و در راه حل هر نوع مشکلات بکوشد و آنچه در عهده دارد برای حل مسالمت آمیز قضیه و آرزوی تمام ملل بخصوص مورد توضیح خاص حضرت رئیس جمهوری ممالک متحده آمریکا است سعی و همکاری نماید.

بنابراین چنانچه ملاحظه می‌کنید هیچیک از مطالبی که مبنای تبلیغات زهر آگین شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و ایادی آن در سراسر جهان و به خصوص در آمریکا می‌باشد حقیقت نداشته و این نهضت که ظرف سه سال اخیر در کشور ما بوجود آمده و در نتیجه آن قرارداد الحاقی که مبلغ ناقابل به منافع ایران می‌افزود رد گردید و سپس در اثر سختی و لجاج شرکت سابق نفت در قبول قرارداد منصفانه و دنیا پسندی ملت ایران به منظور قطع ایادی این شرکت که چنانچه می‌دانید تمام ناراحتی‌های اجتماعی و اقتصادی ما زانیده تحریکات و نیرنگ‌ها و مداخلات مستقیم و غیرمستقیم ایادی آن بوده است با استفاده از حق حاکمیت ملی صنایع نفت را ملی اعلام نمود و در نتیجه ضمن راندن آن شرکت از ایران و قطع ایادی آن تمام عواید حاصله از این منبع سرشار را که به جای ۱۵ میلیون لیره بالغ بر ۱۲۰ میلیون لیره یعنی حداقل هشت برابر خواهد گردید به ملت ایران اختصاص یابد و با استفاده از آن رفع بدبختی و فلاکت فعلی ملت ستمدیده ایران بشود.

البته با اجرای این اصل علاوه بر قطع نفوذ خانمان براندازی که مانع پیشرفت ملت ایران بوده است، سرمایه داران و دولت انگلیس از عواید سرشاری که من بعد به صاحب

اصلی آن یعنی ملت ایران خواهد رسید محروم گردیده و دولت انگلیس نیز از خرید نفت مصرفی دریاداری و هواپیمائی خود به ثمن بخش محروم گردیده و محرومیت‌های بالا که با جلوگیری از یغمای ثروت این کشور برای خارجیان ایجاد خواهد گردید در حقیقت محرک و موجب اصلی انتشار اینهمه اکاذیب و تبلیغات ناروا بوده و بر شما فرزندان این آب و خاک است که با استفاده از جمیع وسائلی که در دست دارید مردم آزاده آن سامان را از حقایق مطلع ساخته و وظیفه خطیر ملی خود را در این موقعیت دشوار ایران به نفع کشور باستانی خود و بر اساس حق و حقیقت انجام دهید.

با این توضیحات پیام خود را به پایان می‌رسانم و شما جوانان دانشجو و علاقمند به میهن عزیز را به خدا می‌سپارم.

«پیام مصدق خطاب به کارمندان و کارگران مناطق نفت خیز»

در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۳۰»

در این موقع که بحمدالله صنعت نفت ملی شده و نتیجه کار کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت مستقیماً عاید مملکت می‌شود، مناسب دیدم آن برادران عزیز را مطمئن کنم که از وجود آن‌ها استفاده کامل بعمل خواهد آمد و دولت هم در فراهم نمودن اسباب ترقی مادی و معنوی آن‌ها از هیچ چیز دریغ نخواهد نمود.

انتظار دولت و ملت از آن‌ها این است که به دست توانای آن‌ها صنعت نفت روز بروز ترقی کند و بدینوسیله مملکت از نتیجه زحمات آن‌ها بهره مند شود و برای مصرف کنندگان نفت بهیچ وجه نگرانی پیش نیاید.

دکتر محمد مصدق

«پیام مصدق از رادیو در توضیح علل صدور دستور اجرای عملیات خلع ید

در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۰»

هموطنان عزیز: درود فراوان و سلام صمیمانه خود را از بستر بیماری برای شما می فرستم.

بخوبی می دانید که در تاریخ حیات ملت ها نادر آرزوهای درخشان و پر مسئولیت و افتخار و موفقیت پیدا می شود. ایام عادی و گذران برای همه ملل یکسان است ولی آن ملتی که خوب و شرافتمندانه وظیفه اش را در بر ابر وطن پرچم و تاریخ مملکت ادا کند، بیشتر از دیگران قدرت اخلاقی و عظمت روحی از خود نشان داده است.

امروز یکی از آن ایامی است که شما هموطنان می توانید صفحه جدید و مقدسی در حیات اجتماعی و اقتصادی خود باز کنید و پس از ۵۰ سال که از استقلال و آزادی سیاسی ما نامی بیش باقی نمانده بود دوره نوینی را در برابر نژاد معاصر و نسل آینده بوجود بیاورید رشد و نبوغ سیاسی شما می تواند امروز را مبداء تحول و نهضت اصلاحی آینده قرار دهد یا خدای ناکرده موجب سرشکستگی و خجلت و انفعال بشود پیمودن این دو راه اکنون در اختیار عزم و اراده و همت شماست من تردید ندارم که شما هموطنان عزیزم آن طریق انتخاب خواهید کرد که با شرافت ایرانیت و با غرور ملی و احساسات وطنی مطابقت دارد باید یکبار دیگر بدنیائی که چشم دقت بسوی ما دوخته است نشان بدهیم که لیاقت حفظ موارث گرانبها و پر عظمت نیاگان خود را داریم و می خواهیم کاملاً آزاد و فارغ از تحریکات و دسائس این و آن زندگانی قرین عزت و احترام و سربلندی را در پیش گیریم.

آوازه همت و عزم خلل ناپذیر شما در گسستن زنجیرهای استعمار اقتصادی به گوش جهانیان رسیده است و خواهد رسید و همه خواهند دانست که روح ایرانی از ماورای تاریخ کهن چندین هزارساله اش از نو درخشیدن گرفته و روزهای زبونی و ضعف و ناتوانی خویش را اینکه پشت سر گذاشته است. هیچ چیز جز اراده آهنین شما نمی توانست این زنجیرهای طاقت فرسا و گران را از میان بردارد. تقویت و احساسات صمیمانه هموطنان عزیزم کار نفت را بدانجا کشاندی که قوه قانونگذاری مملکت به متابعت از افکار عمومی ملی شدن صنعت نفت و قانون اجرای آن را باتفاق آراء تصویب کرد و آن قانون به توشیح اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید و مأموریت انجام این امر خطیر به من محول گردید.

قبول این مسئولیت برای کسی که به ضعف مزاج مبتلا است و عمر خود را در بستر می گذراند جز تبعیت از اراده ملت و امر شاهنشاه هیچ چیز دیگر نبود. من افتخار خدمتگزاری مردم را بالاترین و پر قیمت ترین افتخارات حیات خود محسوب داشته و می دارم و بغیر از اطاعت و امتثال فرمان هموطنان محبوب چاره دیگر ندارم.

از روز اول زمامداری تمام سعی و مجاهدت این‌جانب به حل مسالمت آمیز قضیه معطوف گردید و در تمام مکاتبات و مذاکرات با نمایندگان و وابستگان کمپانی سابق مکرر تذکر دادم که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت برای این است که مثل ایران از یک طرف بندهای سیاسی را از گردن خود بردارد و از طرف دیگر به فقر و بدبختی غلبه کند. آنچه توانستیم تسهیلات فراهم آوریم و طرق حل مشکلات را پیش بینی کردیم و دست خریداران سابق نفت را برای خرید آن باز گذاشتیم و موافقت کردیم آنان همچنان گردش چرخ صنایع مملکت خویش را با نفت خوزستان تأمین کنند ولی ناچار بودیم قانون را اجرا کنیم.

شرکت سابق در جواب اخطار خلع ید که از طرف دولت ایران به او ابلاغ شد اظهار داشت که پیشنهادهائی در زمینه قانون ملی شدن صنعت نفت دارد و نمایندگان خود را برای بیان مطلب به تهران اعزام می‌دارد. دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیئت و حتی تمدیدی را که خواسته بودند پذیرفت ولی دیشب پس از آنکه پرده از روی پیشنهادهای آن‌ها برداشته شد معلوم گردید که زبان ما را نخوایسته اند بفهمند. من مکرر چه در مجلس و چه در یادداشت‌ها و بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها اعلام کرده بودم که به‌هیچ‌وجه در اجرای قانونی که مظهر آرزو و اراده ملت ایران است نمی‌توانم قصور و مسامحه بکار برم. گویا نمایندگان شرکت این حقیقت را ندیده گرفته‌اند و راه ادامه مذاکرات را بر ما بستند. بنابراین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و تأخیر و وقفه‌ای در کار روی ندهد صبح امروز با تصویب کمیسیون مختلط و هیئت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد و دستور دادم عملیات اجرائی ادامه داده شود.

اکنون به شما هموطنان عزیز که در تهران و ولایات پراکنده اید این پیام مخلصانه و صمیمانه را می‌فرستم و از تقویت و حمایتی که در همه حال از دولت برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت نموده و ن می‌نمائید قبلاً تشکر می‌کنم و تمنی دارم با آرامش، دوراندیشی بیشتری که شأن و شایسته ملت تاریخی ایران است مراقب اوضاع باشید و صف آهنین وحدت و یگانگی خود را حفظ کنید و نگذارید عوامل و ایادی حریف کهنه کار بر قدرت روحی و نیروی ایمان شما هجوم آورد. شرکت سابق نفت می‌خواست بدون توجه به حق مسلم حاکمیت ملی و قانون مصوب مجلسین ما را با دادن چند میلیون لیره علی الحساب، گرم مذاکرات دور و دراز نگاهدارد غافل از اینکه من اطمینان دارم فرد فرد شما بادیه و کاسه‌ای را که در خانه دارید حاضرید همه را در راه نجات وطن در اختیار حکومت خدمتگذار خود بگذارید و گلیم زیر پای خویش را در گذرها بفروش برسانید.

در پایان این پیام حاجت به تذکار نیست که هوشمندی و شرافت کارمندان و کارگران ایرانی مخصوصاً در منطقه نفت خیز در پیشرفت و انجام این منظور ملی تا کتون بی نهایت مؤثر بوده و یقین دارم این متانت و خونسردی قابل تحسین تا پایان کار کاملاً حفظ خواهد شد و ما را هر روز به مقصود نهائی نزدیکتر خواهد ساخت. عرایض خود را با درود قلبی به شما و با اتکاء به حول و قوه الهی و با امید موفقیت ملت لایق و رشید ایران پایان می‌دهم.

«پیام مصدق به کارمندان و کارگران خارجی مناطق نفت خیز

در تاریخ سه شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۳۰»

آقایان محترم از تاریخی که قانون ملی شدن صنایع نفت و طرز اجرای آن اعلام گردیده دولت و ملت ایران با تمام علاقه مایل بوده‌اند از کلیه کارشناسان و کارمندان و کارگران خارجی که در شعب مختلف صنعت نفت به خدمت مشغول می‌باشند کمافی‌السابق استفاده کامل بعمل آید و استخدام آنان با همان حقوق و مزایا و حقوق تقاعد ادامه یابد و وسائل هرگونه تشویق آنان فراهم گردد، تا آنان بتوانند با رفاه و اطمینان عمل بهره برداری نفت را که برای دُول غریبی و خود ایران اهمیت حیاتی دارد، حتی بهتر از سابق ادامه دهند. با کمال تأسف از قراری که شنیده می‌شود صحبت استعفای دسته‌جمعی آقایان به میان آمده در صورتیکه هیچگونه مجوزی برای اینکار نیست و چنین اقدامی نه فقط برای دولت شاهنشاهی ایران مستلزم ضرر است بلکه برای دُول مصرف کننده نفت ایران هم متضمن ضرر هنگفت خواهد بود.

آقایان بدانند که بر خلاف شایعات تحریک آمیز هیچگونه نگرانی نسبت به مال و جان و رفاه و آسایش شماها قابل تصور نیست اگر شما بخواهید با صداقت و خیرخواهی فعالیت مثمر خود را در کار نفت ادامه دهید البته کشور ما شما را با نهایت گرمی مانند اینکه در خانه خودتان هستید خواهد پذیرفت و کنتررات هائی که شرکت سابق نفت انگلیس و ایران با شما امضاء کرده به قوت خود باقی و کلیه حقوق و مزایا و حقوق تقاعد و مرخصی شما را مرعی و محترم خواهد داشت. دولت شاهنشاهی ایران امیدوار است که این دعوت را صادقانه تلقی نمایند و با صداقت بپذیرند و با اعتماد و دلگرمی مشغول کار و خدمت مهم خود باشید.

نخست وزیر ایران - دکتر محمد مصدق

«پیام مصدق به ترومن در تاریخ ۵ تیر ماه ۱۳۳۰»

حضرت آقای ترومن رئیس جمهور ممالک متحده آمریکای شمالی

نظر به علاقه‌ای که از طرف شخص حضرت رئیس جمهور نسبت به مصالح کشور ما عموماً و نسبت به مسئله اخیر نفت خصوصاً ابراز شده و حتی در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۵۱ شخصاً پیامی در این باب به این‌جانب فرستاده اند لازم می‌داند بار دیگر باستحضار خاطر عالی برساند که دولت شاهنشاهی ایران بر حسب وظیفه‌ای که از طرف مجلس شورای ملی و سنا به او محول شده مکلف بود قانون ملی کردن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور و طرز اجرای آنرا در اسرع اوقات به‌موقع اجرا بگذارد با اینهمه به علت لزوم اقدامات اولیه از طرفی و برای ایجاد توافق بین دولت و شرکت سابق نفت از طرف دیگر عمل اجرا با نهایت احتیاط و بتدریج آغاز گردید تا فرصت کافی برای مذاکرات بین نمایندگان دولت و شرکت سابق دست دهد.

دولت شاهنشاهی با کمال صداقت حاضر بود از این فرصت حد اعلای استفاده بشود مخصوصاً بر اثر پیام آن حضرت و وساطت دوستانه جناب سفیر کبیر آمریکا به این موضوع توجه بیشتری معطوف داشت و با تقاضای شرکت سابق راجع به تمدید مهلت برای شروع مذاکرات موافقت کرد و بدین ترتیب یکماه و نیم از وضع قانون گذشت.

دولت ایران قبلاً و کراراً اعلام کرده بود که در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون طرز اجرای آن می‌تواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود و حاضر است در مسائل مختلفی نظیر موضوع خسارت محتمله شرکت سابق و فروش نفت به خریداران سابق و امثال آن با کمال میل مذاکره نماید و از این لحاظ آمدن نمایندگان شرکت سابق نفت را به تهران حسن استقبال کرد و معتنم شمرده ولی با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهایی بر خلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند که دولت نتوانست به مذاکره ادامه دهد.

دولت شاهنشاهی چون تصمیم دارد به هر عنوان که باشد نگذارد در بهره برداری و فروش نفت به خریداران سابق حتی یک روز وقفه حاصل شود بکرات اعلام نمود که حاضر است کارمندان و کارشناسان و کارگران خارجی را با همان مزایا و حقوق و همچنین حقوق تقاعد استخدام کند و وسائل هرگونه تشویق آنان را فراهم آورد، به ترکیب و ترتیب شرکت سابق دست نزند و مقررات شرکت سابق را تا آنجا که با قانون ملی شدن تناقض نداشته باشد مرعی و مجری دارد. ولی با نهایت تأسف مشهود می‌گردد که اولیاء شرکت سابق شروع به عملیاتی نموده که ناچار در صادرات نفت ایجاد وقفه خواهد نمود. بدین معنی که:

اولاً- کارمندان را به ترک محل خدمت تشویق و دولت را به استعفای دسته‌جمعی آنان تهدید می‌کنند .

ثانیاً- کشتی‌های حامل مواد نفتی را وادار می‌کنند از دادن رسید به هیئت مدیره شرکت ملی نفت خودداری نمایند.

گرچه ملت ایران برای انجام مقصود، خود را بر هرگونه محرومیت آماده کرده است با این حال تردید ندارد که خوابیدن دستگاه بهره برداری تنها به ضرر انگلستان و کلیه دُولی که از محصول معادن نفت جنوب ایران استفاده می‌کنند، تمام می‌شود و اولیای شرکت سابق نفت بایستی این عواقب وخیم را متذکر باشند.

بدیهی است دولت و ملت ایران با تمام قوا و وسائل ممکنه اهتمام خواهد نمود که جریان نفت قطع نشود ولی در صورتی که در نتیجه دست از کار کشیدن دسته‌جمعی کارمندان انگلیسی یا تأخیر در بارگیری حمل مواد نفتی به علت ندادن رسید وقفه‌ای ولو بطور موقت حاصل شود موجب نهایت تأسف است و در این صورت مسئول عواقب نامطلوب این امر رؤسای شرکت سابق نفت نخواهند بود. این نکته را نیز لازم است متذکر شود که با وجود ابراز احساسات ملی در ایران به‌هیچ‌وجه خطری نسبت به امنیت جانی و مالی اتباع انگلیس متوجه نیست و انتشار اینگونه اخبار بی‌اساس از طرف عمال شرکت سابق نفت بخودی خود ممکن است تولید نگرانی و ایجاد اختلال کند حال آنکه اگر شرکت سابق مطابق انتظار دولت ایران رفتار کند ابداً جای نگرانی نیست و دولت شاهنشاهی کاملاً بر اوضاع مسلط است. نظر به اینکه بین ملتین ایران و آمریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده و رجاء واثق هست که هیچوقت کوچکترین خللی به این حُسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند آمریکائی از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری‌های آن ملت نیک نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است. لذا لازم دانستم خاطر آن حضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما آمریکا در این موضوع مهم از معاضدت به آمال ملی ایران خودداری نخواهد کرد.

در خاتمه احترامات فائقه و ادعیه خالصانه و خیرخواهانه خود را تقدیم می‌دارد.

نخست وزیر ایران

«مصاحبه مخبر خبرگزاری اینرنشنال نیوز سرویس، قسمت اروپائی با مصدق

در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۳۰»

سؤال- آیا جنابعالی اطمینان دارید که دولت شاهنشاهی ایران در سیاست خود مبنی بر اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت از پشتیبانی کامل ملت ایران برخوردار است؟

پيام‌هایی که در تأیید سیاست دولت از طرف مردم واصل شده تا چه اندازه پیام‌های مخالف را تحت شعاع قرار داده است؟

جواب- اگر ما از پشتیبانی کامل ملت برخوردار نبودیم هیچ کاری نمی‌توانستیم انجام دهیم تاکنون به‌هیچ‌وجه پیام‌های مخالفی دریافت نداشته‌ام.

سؤال- به عقیده جنابعالی آیا هدف مبارزه ملی برای ملت ایران بیشتر تأمین استقلال کشور و رهائی از سلطه نفوذ انگلستان است یا آنکه موضوع فقط تأمین درآمد بیشتری از ممر منابع نفی است؟

جواب- در این باب سه موضوع را باید در نظر داشت.

اول- دولت ایران باید بتواند خودش را کاملاً مستقل نگاهدارد تا هیچ دولت خارجی نتواند در امور داخلی او دخالت کند.

دوم- وقتی یک دولت دخالت کرد چطور می‌توانیم از سایرین انتظار داشته باشیم که دخالت نکنند.

سوم- ما هیچ راهی برای برطرف کردن این فقر شدید و بیچارگی نداریم مگر از طریق عایدات نفت که متعلق به ماست و باید به دست خود بگیریم. عدم دخالت دولت خارجی در این کشور و اصلاح وضع مردم سبب خواهد شد که جنگ بین الملل لاقلاً از این مملکت در نگیرد.

ما صنعت نفت را ملی کردیم برای اینکه وضعت ما بهتر شود ولی از این ملی کردن نفت هیچ وقت در نظر نداشتیم به دولتی که از نفت ما استفاده می‌برند ضرری برسد.

تا وقتی که عده متخصصین فنی خود ما کافی نشود، ما نمی‌خواهیم که متخصص خارجی ما بروند.

ما حاضریم به دولتی که از نفت ایران تا کنون متمتع می‌شدند آنچه لازم است اطمینان بدهیم که در بهره برداری و تقسیم نفت بین آن‌ها خودداری نخواهیم کرد.

ملت ایران از ملی شدن نفت خود یک هدف عمده دارد و آن این است که دیگران در امور داخلی ما دخالت نکنند.

سؤال- نظر به اینکه دولت شاهنشاهی ایران تصمیم گرفته است برای جلب اطمینان خاطر کارمندان انگلیسی و رفع نگرانی ایشان لایحه خرابکاری را مسکوت بگذارد آیا تصور نمی‌فرمائید که دولت انگلستان بهتر است برای نشان دادن حسن نیت متقابل رزم ناو خود را از مجاورت آب‌های ایران فرا بخواند.

جواب- ما این قانون را که از مجلس می‌خواستیم بگذرانیم برای متخصصین خارجی نبود بلکه برای اشخاص مظنون و ماجراجویی بود که ممکن بود از طریق خرابکاری در مناطق نفت خیز دولت بزرگ باختر را از نفت محروم کنند و ترسی که انگلیس ها از این قانون نشان دادند فقط بهانه‌ای بود.

اوضاع آبادان و جنوب ایران هرگز تا این اندازه آرام نبوده است ولی انگلیس ها همیشه می‌گویند می‌گویند ما از ترس جان و مال اتباع خود باید آن‌ها را از ایران تخلیه کنیم. برای رفع این بهانه‌ها بود که حاضر شدیم لایحه مزبور را در مجلس مسکوت بگذاریم.

تکرار سؤال- چون دولت ایران لایحه خرابکاری را مسکوت گذارده آیا تصور می فرمائید که انگلستان برای نشان دادن حسن ظن متقابل خود رزمنام خویش را از آب‌های ایران فرا خواند بهتر است؟

جواب- بودن و یا نبودن رزمنامو به حال ما فرق نمی کند، ما از کشتی جنگی نمی ترسیم.

سؤال- بمنتظر تأمین ادامه جریان نفت به دنیای باختر و همچنین برای ادامه کار صنعت نفت آیا حاضرید آقای گریدی سفیر کبیر آمریکا بعنوان میانجی، راه حل ساده‌ای برای رسیدن دادن به کشتی‌های نفتکش پیدا کند؟

جواب- علاقه ما در این است که هر چه زودتر پول خود را دریافت کنیم و هر کار سفیر کبیر آمریکا بکند که ما پول خود را زودتر وصول کنیم ما با آن موافق هستیم.

سؤال- چون تعطیل کار صنعت نفت منتج به بیکاری عده‌ای خواهد شد آیا جنابعالی حاضرید برای رفع این خطر یک شرکت بین‌المللی که مرکب از نمایندگان ایران و کشورهای مصرف کننده عمده باشد، موقتاً به خدمت بپذیرد که عهده دار عملیات تصفیه و فروش نفت در جهان گردد به شرط آنکه به وکالت از طرف شرکت ملی نفت ایران اقدام کند؟

جواب- به هیچ وجه ... * ما در نظر داریم اساسنامه شرکت ملی نفت را که هنوز تنظیم نشده طوری تنظیم کنیم که در هیئت عامل عده‌ای از متخصصین بین‌المللی از شوراهائی از قبیل سوئیس- سوئد- بلژیک و هلند باشند تا دیگر برای هیچکس بهانه‌ای در دست نباشد که بگویند در تولید نفت موانعی خواهد بود در عین حال ما حاضریم با دُول مصرف کننده موافقت نامه هائی تنظیم کنیم که تنها مطمئن باشند، سال‌ها همان مقدار نفتی که در عرض سه سال اخیر دریافت می‌کرده اند بگیرند و وجه آنرا به قیمت بین‌المللی بپردازند.

سؤال- من چنین احساس می‌کنم که کارمندان انگلیسی از این می‌ترسند که اگر در شرکت ملی نفت ایران قبول خدمت کنند ممکن است در آینده حقوق آن‌ها منظم و به موقع پرداخت نشود.

آیا دولت ایران حاضر است در یک بانک بین‌المللی برای تضمین حقوق آن‌ها ودیعه بگذارد؟

جواب- هر وقت که به آن‌ها نرسیدیم همیشه می‌توانند خدمت خود را ترک کنند ولی دولت ایران حاضر است با آن‌ها قراردادهائی ببندد که یکسال یا دو سال آن‌ها را استخدام کند و اگر دولت حقوق آن‌ها را نپردازد حق خواهند داشت مطالبه خسارت کنند اگر کمپانی از کارهائی که حالا می‌کند دست بردارد و دُول مصرف کننده نفت را ببرند و وجه آنرا بپردازند هیچ وقت دولت ایران کسر پول نخواهد داشت که حقوق مستخدمین خود را نپردازد. همه این هیاهویی که براه افتاده برای آن است که شرکت نفت نمی‌خواهد از این کشور برود و ما میل داریم که هر چه زودتر برود.

سؤال- من میل دارم به مردم آمریکا شرح بدهم که دولت ایران چگونه می‌خواهد عایدات بیشتری را که از نفت بدست می‌آورد مورد استفاده قرار دهد. اگر دولت ایران بتواند کلیه منابع نفتی خود را کاملاً مورد استفاده قرار دهد آیا پیش بینی می‌فرمائید که این کشور دارای مردمی مرفه و سعادتمند و سالم و صلح جو شود؟

جواب- وضع این مملکت از این جهت خراب است که ما سرمایه کافی برای آغاز کارهای تولیدی نداریم. وقتی ما عایدات کافی داشتیم یک نفر هم بیکار نخواهیم داشت و دیگر تمام این فقر و فاقه پایان خواهد یافت.

خوب است در این مورد آزمایش ساده‌ای بکنیم. اگر شرکت نفت دست از سر ما بردارد و ما پول خود را دریافت داریم و اصلاحات را شروع کنیم، آنوقت اگر ما نتوانستیم از عهده برآئیم شرکت نفت بیاید و ما را ملامت کند.

سؤال- آیا جناب آقای نخست وزیر تصور می‌فرمایند خوب باشد لایحه ای تنظیم شود که به موجب آن قسمت اعظم عایدات اضافی حاصله از نفت برای تأمین برنامه هفت ساله و طرح های دیگری برای بالا بردن سطح زندگی مردم ایران مصرف شود؟

جواب- ما دو میلیارد ریال کسر بودجه داریم و بنا بر این برای فعالیت‌های تولیدی اعتباری نداریم.

وقتی ما عایدات نفت خود را بدست آوریم صرف هرگونه کارهای تولیدی خواهیم کرد، مهمترین کاری که باید انجام شود جلوگیری از عدم رضایت است که در سراسر کشور وجود دارد و اگر این عدم رضایت رفع نشود صلح بین‌المللی در خطر خواهد بود.

سؤال- من در جایی خوانده‌ام که حضرت‌عالی وقتی خوابی دیده‌اید که در ضمن آن به شما مأموریت داده شده زنجیره‌هایی که بر پای ایران بسته شده بود باز کنید. آیا اخیراً الهامات روحی تازه‌ای راجعت به کار خود، به شما شده است؟

جواب- صحیح است من چنین خوابی دیده‌ام و در نتیجه همین خواب است که این کار را شروع کردم ولی در این ایام دیگر خواب ندیده‌ام.

سؤال- شرکت نفت می‌ترسد جبران کافی برای لغو امتیازش به او داده نشود در صورتی که موضوع ملی شدن نفت کاملاً شناخته شود. آیا حضرت‌عالی حاضرید حکمیت بیطرفانه ای را در باب ادعاهای قانونی شرکت نفت در باب از دست دادن امتیاز خود قبول [کنید] بشرط آنکه این هیئت بیطرف ادعاهای دولت ایران را در مقابل شرکت نیز مورد نظر قرار دهد؟

جواب- بلی کاملاً موافقم. ما هیچ‌وقت نمی‌خواهیم اموال کسی را مصادره کنیم.

ما فقط ما بلیم که دستگاه نفت مال ملت شود ولی ما حاضریم ادعاهای احتمالی شرکت را مورد مطالعه قرار دهیم بشرط آنکه مطالبات ما از شرکت نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

سؤال- آیا تصور می‌فرمائید ممکن باشد مجدداً مذاکرات با شرکت آغاز گردد؟

جواب- فقط برای تصفیه حساب نه برای ادامه عملیات توسط شرکت.

سؤال- آیا تصور می فرمائید فرمول مورد سازشی برای رسید دادن توسط کشتی‌های نفتکش پیدا شود که حقوق ایران را نسبت به نفت شناخته و در عین حال حقوق قانونی شرکت را در اداره کردن نفت حفظ کند؟

جواب- ما وعده داده‌ایم ۲۵ درصد عایدات خالص را ودیعه بگذاریم بنابراین شرکت نمی‌تواند حقوقی برای اداره نفت ادعا کند. بطوریکه خلاصه برنامه این است:

اول آنکه دولت انگلیس موضوع ملی شدن صنعت نفت را بدون قید و شرط بپذیرد.

نوم، کار شرکت نفت یکسره تصفیه و منحل شود و هر چه طلب داریم بگیریم و بدهی اگر داریم بپردازیم.

سوم آنکه، با میسیون انگلیسی و هر دولت دیگر داخل مذاکره شویم و آن‌ها را مطمئن سازیم نگه در تحویل نفت به مقادیری که در عرض سه سال اخیر دریافت می داشته اند به هیچوجه کسر و نقصانی حاصل نخواهد شد.

چون دولت انگلستان اظهار نگرانی کرده است که در صورتی که شرکت نفت از ایران برود نفت به مقدار سابق دریافت نخواهد داشت ما می‌خواهیم نظامنامه و اساسنامه شرکت ملی نفت را طوری تنظیم کنیم که تمام دُول ذینفع مطمئن باشند که در تحویل نفت به آن‌ها مطابق مقادیر سه سال اخیر نقصانی حاصل نخواهد شد بشرط آنکه وجه نفت را به قیمت بین‌المللی پرداخته و ببرند.

سؤال- آیا مایلید برای مردم آمریکا پیامی بفرستید؟

جواب- من اخیراً پیامی برای حضرت رئیس جمهوری آمریکا فرستادم و حالا هم تکرار می‌کنم که ملت ایران همیشه انتظار دارد که ملت آمریکا همانطور که همیشه از ما پشتیبانی کرده حالا هم پشتیبانی کند زیرا این پشتیبانی نه تنها بِنفع ملت ایران است بلکه بِنفع صلح جهانی نیز می باشد.

پیام مصدق از رادیو به مناسبت جنبش خودجوش کمک مادی

به حکومت تلی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۳۰

بسیاری از هم میهنان ارجمندم توهم کرده‌اند که دولت این‌جانب در مضیقه مالی است و ممکن است این امر به ملی شدن نفت که آرزوی قلبی آن‌ها است لطمه ای وارد کند مخصوصاً بدبینی و تطیر بعضی جراید و محافل خارجی که بی پولی دولت را وسیله

برای به زانو در آوردن ملت ایران بنظر می‌آورند این توهم را شدیداً تقویت نموده بود تا جایی که غریزه وطن‌پرستی و فداکاری ملت نجیب را تحریک و آن‌ها را برای یک جواب عملی به همه تصورات و تطییرات و توهامات برانگیخت ناگهان بدون هیچ‌گونه توقع و انتظار روی اینکه از این دولت خدمتگذار تقویت عملی کرده باشد سیل احساسات و وطن پرستانه و اعتماد سخاوت مندانه از هر گوشه و کنار کشور به طرف دولت و شخص این‌جانب روان و هر فردی با بیان و منطق مخصوص در هر حرفه و پیشه و مقام و مسندی بود پشتیبانی خود را به فرستادن نقدینه یا تعهد «پرداخت حقوق خود» یا تقدیم مال منقول و غیر منقول از دارائی خویش اثبات کرد.

روزی نیست که صدها تلگراف و نامه که محتوی حواله بانکی و پستی است واصل نگردد یا کارمندان دولت قسمتی از حقوق ماهانه خود را واگذار ننمایند و یا کارگران و زحمت کشان با وجود عسرت و تنگدستی قسمتی از حقوق ناچیز خود را در راه انجام این مقصود بزرگ تخصیص ندهند و یا صاحبان سرمایه اسناد و گذاری اموال منقول و یا غیر منقول را در دفاتر اسناد رسمی ثبت نکنند و یا طلا آلات زنانه، نقره آلات و اثاثیه خانه و یا موجودی دفاتر پس انداز اشخاص و کودکان و نوآموزان و دانشجویان یا قلک پسران و دختران را هدیه ننمایند و یا نقدینه‌هایی از طرف پیرمردان و بیوه زنان ارسال ندارند حتی بعضی از تمام هستی و موجودی خود را که رقم‌های درشتی است صرف نظر کرده و برخی این‌جانب را در تصرف اموال خود وکالت داده‌اند و جمعی مردم غیور و حساس خون خود را برای تهیه تابلوی شرکت نفت ایران تقدیم می‌دارند.

البته ابراز این خصیصه مردانه و شرافتمند از نظر علاقه به ملی شدن نفت و اعتماد به دولتی که مجری افکار ملت خویش است خیلی بجا و به‌موقع و به منزله یک رأی عمومی و یا رفتارندوم حقیقی بود و به دنیا خاطر نشان ساخت روشی را که این‌جانب انتخاب کرده‌ام مبنی بر اراده شخصی نیست و مجری افکار ملت ایران می‌باشد.

اما چون از نظر خزانه عمومی فعلاً نیازی به این مساعدت‌ها نیست و خود شما ملت وطن پرست از طریق پرداخت مالیات‌های قانونی و رسمی تا درجه‌ای دولت را بی‌نیاز ساخته و خواهید ساخت خواهشمندم ابراز این‌گونه احساسات و مساعدت‌های گرانبها را در همین جا متوقف ساخته و بدانید که به هر منظور مقدسی این ایثار را نموده اید، بعون الله با حسن اثر توأم و به دنیا فهمانده اید که ملت ایران اصالت و شهامت خود را با مواجهه با هزاران تحولات خطرناک از دست نداده و با مدنیت کهنسال خود مثل یک ملت جوان و تازه نفس ایفای وظیفه می‌نماید.

لذا دستور دادم که آنچه تا حال از هر کجا و هر کس رسیده است به فرستندگان برگردانند و اگر تا پانزده روز نرسید اطلاع دهند و آقایانی هم که در بانک‌ها به نام این‌جانب یا دولت ودیعه گذاشته‌اند خودشان به موجب همین اعلامیه اختیار دارند که دریافت فرمایند.

در خاتمه لازم می‌دانم توجه عموم را به مطلبی جلب نمایم که همواره با بیداری و هشیاری مخصوص بخود، مراقب و آماده باشند.

چنانچه مصرف کنندگان سابق محصول نفت ایران به منظور پیشرفت مقاصد خود خواستند در مقابل پرداخت وجه از ما نفت خریداری کنند و با پافشاری از این راه ما را در مضیقه مالی گذاشتند بدیهی است دولت دست خود را به سوی ملت با همت دراز و احتیاج خود را ابراز خواهد نمود در چنان موقعی رجاء واثق دارم که هر کسی به قدر توانائی از اوراق دولتی که با تصویب مجلسین شورا و سنا منتشر خواهد شد خریداری خواهد نمود و با این ترتیب هم ملت به اجرای این عمل شرافتمندانه موفق شده و هم دولت از تنگدستی خلاص می‌شود و در ظرف مدت کوتاهی آنچه را از ملت گرفته است به ضمیمه مسترد خواهد نمود.

پیام مصدق در ذم بت سازی از وی در ۱۶ تیر ۱۳۳۰

بطوری که در بعضی از جراید نوشته‌اند عده‌ای از هموطنان عزیز در نظر گرفته‌اند برای قدردانی از زحمات این خدمتگزار مجسمه‌ای تهیه نموده و در محلی نصب کنند. هر چند روش این‌جانب و راهی که تا کنون در زندگانی سیاسی و اجتماعی خود در پیش گرفته‌ام مجالی برای تذکر در این قبیل موارد باقی نمی‌گذارد ولی از نظر رعایت اصول بهتر دیدم که در این مورد بخصوص عقیده خود را صریحاً اظهار کنم و در معرض افکار عمومی بگذارم:

اولاً- شخصاً عقیده دارم که پاداش خدمتگزاران ملی و اجتماعی را موقعی باید داد که نتایج خدمت آنان مشهود گردد و به حاصل برسد و در حقیقت آن خدمت ملی چنانکه در خور است پایان یافته باشد و این خدمتگزار ملت هنوز قدمی چند در این راه دشوار و دراز بر نداشته و به مراحل نهائی نرسیده است و حقاً لایق آن نیست که خود را شایسته پاداش در قبال این خدمت ملی بدانند بخصوص که ملت قدرشناس ایران قبلاً مکرر به صورت بهتر و شایسته تری بزرگترین پاداش‌ها را در حقم مبذول داشته و در همه جا و همه وقت به موافقت روشی که به مصلحت آن‌ها در پیش گرفته‌ام از هر گونه ابراز احساسات و پشتیبانی مادی و معنوی دریغ نداشته است.

ثانیاً- اوصلاً عقیده دارم هر کس خود را برای خدمتگزاری ملت و ایجاد نهضتی اجتماعی آماده می‌کند اثر معنوی اقدام‌ها خویش را هیچ‌گاه نباید با زخارف زودگذر مادری برابری کند و بفروشد و یقین است که با پیروی از این اصل بهتر خواهد توانست در راهی که می‌رود توفیق پیشرفت داشته باشد بزرگترین پاداش خدمات ملی و اجتماعی آرامش وجدان است که هر خدمتگزاری در صورتی که درست به وظایف خود عمل کند و تکلیف خویش را به حسب طاقت بشری انجام دهد از آن برخوردار خواهد گشت و باید اقرار کنم که این‌جانب تاکنون به هیچ وجه چنین آرامشی در وجدان خود احساس نکرده‌ام و هنوز راه دراز در پیش است که باید به کمک عموم هموطنان عزیز به اثبات و استقامت طی شود. با این مقدمات که عرض شد و از آنجا که در تشکیل دولت فعلی جز

پاسخ به ندای وجدان خویش نظری نداشتیم در این مبارزه مقدس بزرگترین پاداش من آن خواهد بود که رضای قلبی عموم افراد جامعه از روش دولت اینجانب بتواند وجدانم را قانع کند و مرا در این راه دشوار یار و مددکار باشد.

شما هموطنان عزیز بهتر می‌دانید که مجاهدات اجتماعی اینجانب از آغاز کار تا کنون هیچ‌گاه بر اساس شهرت خواهی و امیال نفسانی نبوده و شک نیست که پیرانه سر در این هنگام که بهره خود را از این جهان فانی مادی گرفته‌ام دلیلی ندارد که در این روش دیرین خود تغییری داده باشم. در روزهای اول اردیبهشت که مأموریت تشکیل دولت به این خدمتگزار تکلیف شد با کسالت شدید که هر آن بیخ خطر می‌رفت از قبول این مسئولیت خطیر سر باز نزنم و اکنون با پشتیبانی ملت که بحمدالله به تمام و کمال حاصل است از مواجهه با هر خطری باک ندارم و امیدوارم هر چه زودتر به یاری خداوند متعال این مقصود بزرگ حاصل گردد و ملت ایران از نتایج مجاهدات عظیم خود برخوردار شود.

با ذکر این مقدمه به صدائی رسا که تا پایان حیات و بلکه بعد از مرگ من نیز اثر خود را در ضمیر وطن پرستان باقی بگذارد اعلام می‌کنم که به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود هر کس که بخواهد در حیات و مماتم به نام من بتی بسازد و مجسمه بریزد زیرا هنوز رضایت وجدان برای من حاصل نشده و آن روز که به خواست خداوند این مقصود حاصل شود تازه نشانه انجام وظیفه است که هر کس بدان مکلف می‌باشد و حقاً سزاوار خوشباش پاداش نیست.

پیام ترومن به مصدق در ۱۷ تیر ۱۳۳۰

نخست وزیر عزیزم

بی اندازه متشکرم که جنابعالی در نامه اخیر خودتان شرح کامل و صادقانه درباره جریانات اختلافات نامناسب و نا مسعودی که بین دولت شما و منافع نفتی بریتانیا در ایران پیش آمده است مرقوم فرموده بودید. این موضوع برای سعادت کشور شما و بریتانیای کبیر و همه کشورهای آزاد دنیا بحدی خطر دارد که من با نگرانی شدید همواره فکر خود را معطوف به این قضیه نموده‌ام. امیدوار بودم که منافع مشترک دو کشوری که مستقیماً در این قضیه دخالت دارند و همچنین زمینه مشترکی که طی مذاکرات طرفین ایجاد شده بود راهی برای حل مسائل پر زحمت و دشواری که ایجاد شده است باز نماید. جنابعالی می‌دانید که آمریکائیان نسبت به میل ایران برای کنترل منابع طبیعی خود علاقه و همدردی دارند. از این نقطه نظر ما خوشوقت شدیم که دولت انگلستان به سهم خود اصل ملی شدن را قبول کرده است.

نظر به اینکه مهارت و اطلاعات فنی متخصصین انگلیسی می‌تواند برای صنایع نفت ایران بی اندازه مفید باشد من امیدوار بودم و هنوز هم امیدوار هستم که بشود طرقی پیدا کرد تا بین اصل ملی شدن و منافع بریتانیا توافقی به نفع هر دو طرف حاصل گردد. بدین جهت من با نگرانی ناظر قطع جریان مذاکرات بوده‌ام و می‌بینم دارد وضعی پیش می‌آید که عملیات تصفیه و استخراج نفت بهم فرو ریخته و از این راه ضررهای بسیاری به ایران و دنیا وارد می‌شود. یقیناً این پیش آمد مصیبتی است که می‌توان با تدبیر و سیاستمداری راهی برای جلوگیری آن پیدا نمود.

اخیراً به این عقیده رسیده‌ام که برای آنکه مسائل مختلف و بغرنجی که در میان است و ممکن است به علت کمبود وقت سبب بسته شدن پالایشگاه گردد بطور کلی تصفیه شود (زیرا ادامه وضع حاضر حتماً منجر به بسته شدن پالایشگاه می‌شود) لازم است قرار موقت قابل اجرائی داده شود که در عملیات تصفیه و استخراج نفت وقفه حاصل نگردد و ضمناً با چنین قرار موقت لطمه به منافع هیچیک از طرفین وارد نشود. پیشنهادات مختلفی که در این باره شده است منتج به نتیجه نشده و زمان بسیار کوتاه است.

در این موقع یک امر مهم و تازه‌ای نیز انجام گرفت و دیوان دادگستری بین‌المللی که دولت شما و دولت بریتانیا و دولت ما همگی در آن عضو هستیم و با سایر ملل همکاری می‌کنیم تا عدالت بی طرفانه و انصاف در دنیا حفظ گردد پیشنهادی برای یک قرار موقت نموده است.

صرف نظر از جهات فنی دوستدار اهمیت زیادی بعمل دیوان دادگستری می‌دهد. دوستدار می‌داند که دولت شما و دولت بریتانیا هر کدام نظری را که در مذاکرات اتخاذ کرده‌اید صادقانه است و هر کدام بنظر خود کاملاً معتقد هستید مع هذا اطمینان دارم که دولت جنابعالی و دولت بریتانیا هر دو بیشتر به دنیائی معتقد هستید که در آن قانون و عدالت حکمفرما باشد و از زمان کنفرانس سانفرانسیسکو تا حال حاضر چنین دنیائی تنها امید مردم جهان بوده است. صرف نظر از موضوع صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی هیچ‌کس هیچگونه تردیدی در بی‌طرفی دیوان مزبور نخواهد داشت و همچنین نسبت به مقام شامخ و احترامی که همه ملل امضا کننده منشور ملل متفق به این دیوان می‌گذارند تردیدی نیست.

بنابراین دوستدار می‌خواهد به جنابعالی جداً توصیه کند که به پیشنهاد دیوان بین‌المللی توجه خیلی عمیقانه مبذول فرمائید. دوستدار صلاح می‌داند که جنابعالی به اینکه این نظر با موارد فنی و قانونی تطبیق می‌کند و یا نمی‌کند توجهی نفرمائید. بلکه نظر دیوان را به عنوان پیشنهاد یک هیئت بی‌طرفی که هم خود را جهت عدالت و انصاف و برای دنیائی متکی به مبانی مزبور وقف می‌نماید تلقی فرمائید. اطمینان دارم که دولت جنابعالی و دولت بریتانیا با مطالعه پیشنهاد دیوان لایحه خواهند توانست طرقی برای اجرای این پیشنهاد پیدا کنند که مقصود عاقلانه و بی طرفانه آن انجام شود و ضمناً عملیات صنعت نفت و وضع هر دو دولت حفظ گردد. یقیناً هیچ دولتی با عطف توجهات ممکنه و احترام به اظهار نظر این دیوان بزرگ به هیچوجه حق حاکمیت خود و یا جزئی از آنرا از دست نمی‌دهد و از طرفداری و حمایت ملت خود محروم نمی‌ماند. دولت و ملت ما به این

موضوع کاملاً ایمن دارد. چنانچه جنابعالی با چنین پیشنهادی موافقت فرمائید یقین دارم که مقام و منزلت ایران در نظر مردم جهان بی اندازه افزوده خواهد شد.

جناب آقای نخست وزیر

دوستدار صمیمانه آرزومندم که تا آنجا که بتوانم در این مورد کمک نمایم. من به آقای اورل هاریمن که همانطور که اطلاع دارید از مشاورین نزدیک بنده و یکی از آمریکائی های عالیقدر می باشد، مفصلاً در این باره مذاکره کرده ام. چنانچه جنابعالی مایل باشید ایشان را بپذیرید من با کمال خوشوقتی ایشان را به عنوان نماینده شخصی خود روانه تهران می کنم تا درباره این مسئله فوری و مشکل با جنابعالی مشاوره نماید.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را نسبت به آن جناب تجدید و اعتماد خود را نسبت به خوشبختی و سعادت آینده ایران اظهار می دارم.

هاری. س. ترومن

پیام مصدق به ترومن ۲۰ تیر ۱۳۳۰

حضرت آقای ترومن رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا

پیام دوستانه جوابیه آن جناب مورخ ۹ ژوئیه کمی بعد از آنکه دولت ایران تصمیم خود را نسبت به قرار دادگاه بین المللی اتخاذ و ابلاغ کرده بود توسط جناب سفیر کبیر آمریکا رسید. لازم می دانم یک بار دیگر از توجه آن جناب که نسبت به مصالح ایران همواره ابراز فرموده اید تشکر کنم.

چنانکه در پیام سابق معروض داشتم دولت و ملت ایران دولت و ملت آمریکا را طرفدار آزادی ملل و حق و عدالت می شناسد و از این لحاظ علاقه ای را که رئیس جمهوری محترم در باب حل مشکلات اقتصادی کشور ما و مسئله نفت ابراز می دارند صمیمانه تقدیر می کند.

مخصوصاً اینکه اشاره به علاقه و همدردی آمریکائیان به حصول آمال ملی ایران و قبول اصل ملی شدن صنعت نفت فرموده اید اسباب کمال خوشوقتی گشت زیرا دولت ایران مقصودی غیر از قبول شدن این اصل مطابق قوانینی که به تصویب مجلسین رسیده است نداشت و ندارد و همواره حاضر بوده و هست که در حدود قوانین مذکور هر اقدامی را که راجع به اختلافات باشد بعمل آورد ولی با کمال تأسف تا آنجا که دولت ایران

تشخیص داده است تاکنون از ناحیه شرکت سابق راجع به قبول اصل ملی شدن صناعت نفت مطابق قوانینی که از تصویب مجلسین گذشته و دولت ملزم است آنرا اجرا کند اظهاری بعمل نیامده و پیشنهادی نشده بلکه نمایندگان شرکت در یادداشت مورخ ۲۸ خرداد ماه ۱۳۲۰ (نوزدهم ژوئن ۱۹۵۱) پیشنهادهائی بر خلاف قوانین مذکور دادند که منجر به قطع مذاکرات شد.

دولت و ملت ایران به شرطی که حق مسلم ملی ما مطابق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت واقع گردد، حاضر است بلافاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره بشود تا وقفه‌ای در کار بهره برداری که دولت ایران همواره از آن احتراز داشته و چنانکه فرموده‌اید مورث خسارت برای همه است حاصل نگردد.

در باب تمایل آن حضرت راجع به کمک به کشور ما باید بگویم که دولت و ملت ایران این نیت عالی را صادقانه و صمیمانه تقدیر می‌کند و بخصوص که حاضر شده‌اید یکی از رجال مشهور آمریکا یعنی اورل هریمان را به سمت نمایندگی از طرق خودتان برای مشاوره با این‌جانب به تهران روانه دارید. دولت ایران با اطلاعی که نسبت به تجارب زیاد و شخصیت آقای هریمان دارد با توجه به اینکه به سمت نمایندگی آن جناب به تهران می‌آیند این موضوع را حسن استقبال می‌کند و امیدوار است از مشاوره با چنان شخصی بهره مند شود و در این بین فرصتی بدست خواهد آمد که ایشان هم نظریات دولت ایران را مستقیماً بشنوند و اوضاع کشور و شرائط زندگانی و احتیاجات ملت ایران را از نزدیک مشاهده کنند.

در خاتمه این فرصت را برای تقدیم بهترین احساسات صمیمانه خود مغتنم می‌شمارد.

نخست وزیر

سئوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا از مصدق در ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰

ما با آقای علیقلی نبیل مذاکره نمودیم راجعت به امکان بدست آوردن یک مصاحبه با آقای نخست وزیر برای درج در مجله خودمان موسوم به: «اخبار آمریکا و گزارش دنیا»

به نظر ما این مصاحبه کمک خواهد کرد به اینکه ملت آمریکا از مسائل مربوط به اختلاف راجع به نفت اطلاع حاصل نماید. قصد ما این است که متن کامل این مصاحبه را در همان موقع که مصاحبه در مجله خودمان درج می‌شود در کلیه مطبوعات آمریکا منتشر نمائیم. پیشنهاد می‌کنیم که شما جواب نخست وزیر را به سئوالات ذیل تلگرافاً به

ما مخابره نمائید. بعد از آن ما سعی خواهیم کرد مصاحبه مزبور را بوسیله رادیو و تلفن و ارتباط مستقیم با نخست وزیر تکمیل نمائیم تا اینکه بدین طرق عملاً ما تأثیر بیشتری داشته باشد.

این است سئوالاتی که بسیاری از مردم آمریکا می نمایند:

۱- مردم می پرسند آیا دولت ایران غرامت کامل برای خسارت شرکت خواهد پرداخت یا نه میزان این غرامت چگونه تشخیص داده خواهد شد - آیا بوسیله یک کمیته بین المللی یا کمیسیون حکمیت؟

۲- آیا فرض ما صحیح است که قانون ملی شدن مسترد نخواهد شد و سیاست ایران این خواهد بود که بعد از این دستگاه نفت را خود دولت اداره نماید؟

۳- آیا در آینده دولت ایران منحصراً کارمندان انگلیسی را بکار خواهد برد یا از کارمندان آمریکائی و سایرین استفاده خواهد کرد؟

۴- اینطور تخمین شده است که کمپانی انگلیسی به مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار ارزش دارد. آیا شما تصور می کنید این تخمین درست است - در صورت منفی به نظر شما ارزش کمپانی انگلیسی در ایران چه مبلغ است؟

۵- آیا دولت ایران کشتی های حامل نفت اکتیاع خواهد نمود یا از کشتی های حامل نفت متعلق به کشورهای خارجه برای توزیع نفت استفاده خواه کرد؟

۶- آیا به نظر شما ملی شدن (صنعت نفت در ایران) سابقه خواهد شد برای دولت های خاورمیانه که تمام دستگاه های نفت را ملی کنند؟

۷- آیا نفت (ایران) به تمام کشورها شامل روسیه بدون تبعیض فروخته خواهد شد؟

۸- در صورتی که ملی شدن نفت در ایران به عنوان اساس تولید نفت در خاورمیانه پذیرفته شود چه فرصتی به کمپانی های نفت آمریکا برای بکار بردن امتیازها در سایر کشورها داده خواهد شد؟

۹- منشاء نهضتی که ملی شدن صنایع نفت در ایران گردیده چه بوده است؟ آیا منشاء آن احساسات وطن پرستی بوده یا احتیاج اقتصادی یا نظریات سیاسی؟

۱۰- فعالیت برای ملی شدن از چند سال قبل به این طرف وجود داشته؟

۱۱- آیا بنظر شما کمونیست ها از این مناقشه راجع به نفت برای تحریک افکار عمومی در ایران استفاده می کردند یا نه؟

۱۲- همدردی و تمایلات ملت ایران نسبت به شرق متوجه است یا به غرب؟

۱۳- آیا ایران انتظار دارد چگونه مساعدت هائی آمریکا می تواند بنماید با دولت شما برای بکار انداختن منابع ثروت ایران؟

۱۴- چه کمک‌هایی می‌تواند آمریکا بنماید در حل اختلاف راجع به نفت به فرض اینکه موضوع ملی شدن را یک کار انجام یافته و غیر قابل برگشت محسوب نمایم؟

۱۵- چه کمک‌هایی می‌تواند دولت آمریکا بنماید و چه کمک‌هایی شما پیشنهاد می‌نمایید که کمپانی‌های آمریکایی بنمایند؟

۱۶- سابقاً مذاکره‌ای در میان بود برای پرداخت قرضه ۲۵۰ میلیون دلار به ایران از طرف بانک بین‌المللی. آیا شما عقیده دارید که انجام این قرضه برای اجرای نقشه معروف به برنامه هفت ساله در این موقع مطلوب است یا نه؟

۱۷- چه علت داشت که برنامه هفت ساله در ماه‌های اخیر موقوف‌الاجرا گذاشته شده است؟

۱۸- نظر شما راجع به اعزام کشتی‌های انگلیس به خلیج فارس چیست و نظر ایرانیان راجع به اخبار واصله مربوط به فشار نظامی (انگلیس‌ها) چه می‌باشد؟

۱۹- چه اقداماتی می‌شود نمود برای بهبودی مناسبات بین بریتانیای کبیر و ایران؟

۲۰- آیا در ایران احساسات ضد آمریکایی وجود دارد؟

۲۱- منشاء یا دلیل حملاتی که اخیراً در مطبوعات ایران نسبت به آمریکا می‌شود چیست؟

سئوالات فوق را محرمانه تسلیم دکتر نیبل کرده‌ایم و عقیده مشارالیه این است که جواب به آن‌ها کمک بسیار خواهد بود برای اینکه ذهن آمریکائیان در این اختلاف روشن شود.

مشارالیه پیشنهاد نموده که ما در این خصوص مستقیماً به شما تلگراف نمائیم و ایشان نیز اظهار می‌دارند که با مسرت حاضر خواهند بود به عنوان مترجم دخالت نمایند، وقتی که ترتیب مکالمه بوسیله رادیو تلفن داده می‌شود. خواهشمندیم که هیچیک از اطلاعات مندرجه در فوق به مطبوعات ایران داده نشود مگر بعد از انتشار آن‌ها در آمریکا.

هاوارد فلیجر، مدیر مجله یونایتد استیتس، نیوز اند ورلد ریپورت

(مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا)

پاسخ مصدق به سئوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا، در ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰

۱- برای تأمین مدعا به احتمالی شرکت در قانون پیش‌بینی شده که تا ۲۵ درصد عوائد به بانک مرضی الطرفین سپرده شود و این ۲۵ درصد مطابق بهره برداری سال اخیر از سالی ۷۰ میلیون دلار متجاوز است. میزان حقوق حقه شرکت بر اساس اصول متداوله دنیای امروز و با توجه به دعاوی و حقوق طرفین تعیین خواهد گردید.

۲- بلی صحیح است. البته دولت برای تکمیل بهره برداری از متخصصین خارجی استفاده خواهد کرد.

۳- نسبت به کارمندان و کارشناسان اصولاً دولت ایران مانعی نمی‌بیند که از کارشناسان فعلی شرکت سابق نفت از هر ملیت که باشند استفاده نماید. البته در صورت لزوم (مثلاً هرگاه کارشناسان فعلی از ادامه خدمت امتناع ورزند) همچنین در صورت ضرورت از کارشناسان کشورهای دیگر همانطور که شرکت سابق هم عمل می‌کرده است استفاده خواهد نمود.

۴- در باب ارزش، تخمین‌های مختلفی است ولی قبل از رسیدگی کامل و دقیق محاسباتی نمی‌توانم اظهار نظر کنم.

۵- دولت ایران از هر وسیله و طریقی که ممکن باشد برای حمل نفت استفاده خواهد کرد.

۶- هر ملتی منافع و مصالح خود را خودش باید تشخیص دهد.

۷- به موجب ماده ۷ قانون اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (آوریل ۱۹۵۱) نفت ایران به خریداران سابق فروخته خواهد شد مگر آنکه خریداران سابق از خریداری نفت سهمیه خود، خودداری نمایند و البته در این صورت دولت ایران اجباراً به فروش نفت خود به هر کشوری که خریدار آن باشد تن در خواهد داد.

۸- در صورتی که اصول آزادی اقتصادی که از هدف‌های منشور ملل متحد هست تعمیم و تأمین بشود از این جهات دیگر جای نگرانی باقی نخواهد ماند.

۹- بدون تردید هر سه عامل در کار بوده ولی می‌توان گفت که پیش از هر چیز دخالت‌های نامشروع شرکت سابق نفت در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی کشور ایران و نیز خودداری از پرداخت سهم عادلانه به مثل ایران باعث اتخاذ این تصمیم بوده است.

۱۰- از اوایل مشروطیت یعنی از سال ۱۹۰۶ زمره استقلال اقتصادی و خاتمه دادن به نفوذهای نامشروع بیگانگان در ایران آغاز و رفته‌رفته وسعت یافته است. اما موضوع ملی شدن صنعت نفت که چاره منحصر به فرد برای جلوگیری از مداخلات غیر قانونی و نامشروع شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران بوده بعد از تخلیه ایران از

قوای خارجی متعاقب جنگ دوم بین‌المللی مطرح شد و قوت گرفت بطوریکه امروز تمام افراد ملت ایران پشتیبان آنند.

۱۱- این نکته مسلم است که دستجات افراطی برای توسعه نفوذ همیشه دنبال وضع غیر عادی و آشفتن می‌گردند و ناچار هر قدر مرافعه بیشتر طول بکشد زمینه بیشتری برای استفاده آنان فراهم می‌شود. بدیهی است ادامه فشارهایی از قبیل امتناع شرکت از تأدیه وجوه متعلق به ایران و تهدید به اعزام نیرو و آوردن کشتی‌های جنگی به آب‌های مجاور ایران و فراهم آوردن موجباتی برای جلوگیری از صدور نفت به ایجاد نارضایتی کمک خواهد کرد.

۱۲- ملت ایران که در جنگ اخیر سهم بزرگی در مبارزه علیه بیدادگری و پیروزی جبهه دموکراسی بر عهده داشت از بدو تشکیل سازمان ملل متحد همواره طرفدار همکاری و همراهی بین‌المللی بوده است و اکنون نیز صمیمانه امیدوار است ملل بزرگ و کوچک جهان طبق آمال و منشور ملل متحد بتوانند آزادانه و بدون بیم و هراس در کنار هم زندگی کنند و بر اساس آزادی و دموکراسی سطح زندگی و فرهنگ افراد خود را بالا ببرند.

۱۳- در صورتی که از طرف دیگران در امور ملی شدن صنعت نفت ایران و صدور آن اشکال تراشی نشود به مرور از کمک‌های اقتصادی نسبتاً بی‌نیاز خواهد شد. ولی در هر صورت ایران برای بالا بردن سطح زندگی افراد خود از هر نوع مساعدت آمریکا استقبال خواهد کرد.

۱۴- دولت آمریکا با توجه به احساسات آزاد منشانه ملت خود و انتظارات مشروع ملت ایران می‌تواند در راه اجرای قطعی اصلی ملی شدن صنعت نفت و حل اختلافات نفوذ معنوی خود را بکار برده و از تضییقاتی که نسبت به ما وارد می‌شود جلوگیری نماید.

۱۵- کمپانی‌های آمریکائی در صورت امتناع احتمالی کارشناسان انگلیسی از خدمت در شرکت ملی نفت ایران می‌توانند با کمک‌های فنی لازم و در اختیار گذاردن تعداد کافی کارشناسان فنی و همچنین کمک در امر حمل و نقل نفت ایران به کشورهای خریدار سابق نفت ما از وقفه این صنعت بزرگ که قطعاً به ضرر دنیای غربی است جلوگیری کنند. دولت آمریکا هم می‌تواند کمپانی‌های آمریکائی را در این راه تشویق نماید.

۱۶- برای اجرای برنامه هفت ساله از کمک بانک بین‌المللی همانطور که قانون برنامه پیش‌بینی کرده استفاده خواهد شد.

۱۷- برنامه هفت ساله موقوف الاجرا نشده ولی بواسطه نرسیدن عایدات و ضیق مالی فعالیت اش محدود شده است و ما امیدواریم در آتیة نزدیک کار برنامه که برای توسعه و عمران کشور است براه بیفتد.

۱۸- با کمال تأسف باید بگویم ملت ایران از این عمل انگلیس ها بی نهایت آزرده است زیرا این اقدام در نظر ملت ایران به یک نوعت عمل تحریک آمیز (پرووکاسیون) که به سیاست‌های کهنه استعماری بیشتر شبیه است تا به سیاست جدیدی که روی مبانی منشور ملل متحد استوار است.

۱۹- دولت ایران هیچگونه روابط خصومت آمیز با دولت بریتانیای کبیر ندارد و بالعکس طرفدار ادامه و تقویت دوستی است ما با یک شرکت خصوصی طرف هستیم و با دولت انگلیس طرفیتی نداریم و نسبت به شرکت هم ابداً در نظر نداریم حقوق و مطالبات آنرا پامال کنیم. هرگونه اقدام برای بهبود روابط ما با دولت و ملت انگلستان عین مطلوب ماست.

۲۰- دولت و ملت آمریکا در گذشته نشان داده‌اند که نه خود سیاست استعماری دارند و نه این سیاست را از دیگران می پسندند. ایرانیان، مردم آمریکا را حامی حق و عدالت و آزادی ملل می‌شناسد و طرفدار توسعه روابط دوستانه با آمریکا هستند.

۲۱- متأسفانه قسمت مهمی از این حملات به تحریک ایادی خارجی صورت می‌گیرد و بی پرده باید گفت که شرکت سابق نفت در این تحریک سهم بزرگی دارد. ولی مطبوعاتی هستند که صمیمانه رنجش خود را، از اینکه گاهی مفهوم واقعی مبارزه فعلی ملت ایران برای اعمال حق مشروع حاکمیت خود، در بعضی از مطبوعات آمریکا خوب درک نشده است، پنهان نمی دارند. بطور کلی اساس آن قسمت از اعتراضاتی که صمیمانه صورت می‌گیرد، این است که چرا مطبوعاتی در کشور آزاد آمریکا باید از یک شرکت استثمارگر که مورد بغض و خشم تمام افراد ملت ایران است دفاع کنند.

با وجود این باید توجه داشته باشید که در مطبوعات ایران به ندرت نسبت به آمریکا حمله می‌شود و غالباً این مطبوعات احساسات صمیمانه و علاقمندانه ایران را نسبت به ملت آمریکا منعکس می‌کنند.

**نامه آقای استوکس مهرداد سلطنتی راجع به کارمندان انگلیسی به
مصدق**

و پاسخ مصدق به مهرداد

قصر صاحبقرانیه - ۱۷ اوت ۱۹۵۱

نخست وزیر عزیزم

در ملاقاتی که در چهاردهم اوت حاصل شد به استحضار آن جناب رسانیدم که اینجانب شخصاً از وضع آبادان نهایت نومییدی را دارم. و حال آنکه دولت شاهنشاهی ایران تشخیص داده‌اند که برای موقع مذاکرات بایستی تا جایی که ممکن است محیط مساعدی فراهم نمود ولی برعکس اوضاع در آبادان و مناطق نفت خیز بدتر شده است. از اینجانب دعوت شده بود که نمونه هائی از این موارد را که در خاطر دارم بعرض برسانم. بطوریکه عرض کردم قبلاً صورتی از شکایات کارمندان انگلیسی را بوسیله آقای بوشهری تقدیم داشتم به این نظر که از لحاظ جنابعالی بگذرانند و همچنین وعده دادم که یادداشت دیگری در همین موضوع تقدیم بدارم.

اما راجع به هیئت کارمندان انگلیسی در آبادان بایستی بعرض برسانم که همه گونه دخالتی در امور شخصی آنها از طرف نظامیان و پلیس و افراد سویل می‌شود و این نوع رفتار البته با مذاکراتی که الآن در تهران در جریان است مغایرت دارد. نمونه هائی از این مداخلات عبارتند از:

- ۱- اتومبیل های شخصی شان تفتیش می شود.
 - ۲- کاغذهای رسمی و شخصی آنان بوسیله مقامات نظامی بازرسی می‌گردد.
 - ۳- کارمندان ایرانی را وادار می نمایند که مراقب کارمندان انگلیسی بوده و عملیات آنان را تجسس نمایند.
 - ۴- امنیت مالی شدید نقصان یافته بطوریکه در منازل شخصی دزدی های متعددی صورت گرفته است. با وجود اینکه قوای تأمینیه به حد کافی در محل حاضر می باشند.
 - ۵- طبع و توزیع روزنامه انگلیسی ممنوع شده است.
 - ۶- مأمورین گمرک با کارمندان انگلیسی رفتار غیر دوستانه ای دارند.
- این نوع دخالت در زندگی عادی و کار روزانه کارمندان انگلیسی محدود و محصور به آبادان نمی باشد.

برای استحضار آن جناب و رسیدگی فوری ضمناً رونوشت نامه‌ای که از کمیته مشاوره نمایندگان کارمندان انگلیسی به تاریخ شانزدهم برای اینجانب ارسال شده تقدیم می‌دارم و بخصوص عطف توجه آن جناب را به دو قسمت اخیر این نامه خواستار است. این نامه گویاتر از بیان قاصر اینجانب می‌باشد و وضع و فشار غیر قابل تحملی را که کارمندان انگلیسی بایستی در حین انجام وظیفه خود ببینند و همچنین دلالتی را که هرگاه وضع عادی برقرار نگردد کلیه کارمندان انگلیسی ایران را ترک و به وطن خود بازگشت خواهد نمود متضمن می باشد.

در خاتمه این نکته را خاطرنشان آن جناب می نمایم که هرگاه قدم هائی برای بهبود وضع در جنوب برداشته نشود برای اینجانب غیر قابل مقدر خواهد بود که به عنوان میهمان دولت شاهنشاهی در اینجا بمانم.

با تقدیم صمیمانه ترین احترامات از طرف شخص خودم

نامه هیئت کارمندان انگلیسی که در تاریخ ۱۶ اوت به آقای استوکس تسلیم شده است

آقای محترم

۱- جلسه‌ای که نمایندگان هیئت مشاورین کارمندان انگلیسی در آبادان با شما تشکیل داده و نمایندگی کارمندان مناطق نفت خیز در این جلسه با مستر بلاک لا بود اینک ما کارمندان انگلیسی که در مناطق نفت خیز مشغول هستیم کلیه نکاتی را که در آن جلسه مورد بحث واقع شده کاملاً تصویب و از آن پشتیبانی می‌نمائیم.

۲- می‌خواهیم نظر شما را به این نکته جلب نمائیم که با وجود اینکه در حین انجام مذاکرات شخص شما میهمان دولت ایران می‌باشید مع‌هذا دخالت مأمورین ایرانی در کار کارمندان انگلیسی تخفیفی حاصل ننموده است بلکه سیاستمداران ایرانی را که شما انتظار داشتید به تهران بازگشت نمایند هنوز در خوزستان می‌باشند و آن حالت کشش و ناراحتی که بین ایرانی‌ها و انگلیسی‌ها وجود داشته هنوز مع‌التأسف کمتر نشده است.

۳- شما نظرتان را به این نحو بیان نمودید که در ظرف مدت ده الی چهارده روز توافقی بین شما و دولت شاهنشاهی ایران به نحوی که بوده باشد حاصل خواهد شد و اینک با کمال احترام شما را مستحضر می‌داریم که ما نمی‌توانیم به دلایل ذیل بیش از این پس از انقضاء مدت مذکور بلامتکلیف بمانیم:

الف- عملیات تعطیل شده ادامه این حالت وقفه و رکود بدون اینکه امید کار تولیدی در نظر باشد برای روحیه ما فوق‌العاده مخرب می‌باشد و لذا بایستی در جستجوی کاری در خارج از ایران برآئیم.

ب- چون اسباب و اثاثیه شخصی خود را بسته و با هم حمل به خارج نموده ایم زندگی در منازل بدون اثاثیه در این هوای گرم خیلی ما را ناراحت کرده.

ج- از طرف دیگر عیال و فرزندان ما در انگلستان ناراحت و بلامتکلیف هستند و هر گاه اولاد ما نخواهند به ایران باز گردند بایستی در فکر خانه زمستانی و مدرسه برای آن‌ها بوده باشیم.

د- اینطور به نظر ما می‌آید که در تحت شرایط فعلی هر چه بیشتر مدت اقامت ما بطول بیانجامد احساسات نامساعدی که فعلاً بین ایرانیان و انگلیسی‌ها موجود است بر شدت خود خواهد افزود و به فرض اینکه عملیات تولیدی دوباره شروع بشود کارمندان

انگلیسی اکنون که سلطه و احترام خود را در اثر اقدام‌ها سیاست مداران ایرانی که با سوء نیت توأم بوده در ظرف دوازده ماهه اخیر از دست داده‌اند قادر نخواهند بود که دستگاه‌ها را از روی اطمینان و کاردانی اداره نمایند.

هـ- احترام دوجانبه و حسن نیتی که بین کارمندان انگلیسی و کارمندان ایرانی و کارگران در مناطق نفت خیز در طول مدت پیدا شده بود متأسفانه بطور شدید بلکه غیر قابل جبرانی در اثر اقدام‌ها چندین نفر سیاست مدار تهرانی که نه تجربه‌ای در کار نفت و نه اطلاعات صحیحی درباره خوزستان دارند بکلی از بین رفته است.

از طرف کمیته مشاورین هیئت کارمندان انگلیسی در مناطق نفت خیز امضاء شده است.

پاسخ نخست وزیر به نامه استوکس

لرد پرئویسیل عزیزم

مراسله مورخه ۱۷ اوت آن جناب بانضمام نامه کارمندان انگلیسی مقیم خوزستان را دریافت و برای استحضار و رفع نگرانی خاطر آن جناب مراتب زیر را اشعار می‌دارد:

۱- همانطور که آن جناب متذکر شده اند، دولت شاهنشاهی ایران معتقد است که برای حُسن جریان مذاکرات می‌بایستی تا آنجا که ممکن باشد محیط مساعدی بوسیله طرفین ایجاد گردد و به همین منظور دستورات لازمه به مأمورین رسمی دولتی داده شده است.

۲- یقین دارم آن جناب لزوم مراعات مقررات حکومت نظامی را که برای حفظ امنیت در آن حدود برقرار گردیده مورد توجه قرار داده و تذکرات لازمه را به مأمورین انگلیسی خواهند داد.

۳- موضوع امنیت مالی و اشکالاتی که متذکر شده‌اید مأمورین گمرکی فراهم ساخته‌اند، فوراً توضیحات لازمه از مأمورین مربوطه خواسته شد.

۴- جنابعالی میهمان گرامی دولت شاهنشاهی بوده و رضایت جنابعالی در مدت توقفتان در ایران مورد توجه شخص این‌جانب بوده و برای موفقیت جنابعالی در این مأموریت مهم نهایت جدیت را خواهد نمود.

احترامات فائقه خود را تجدید و تقدیم می‌دارد - نخست وزیر

طرح زمینه برای مذاکرات آینده نمایندگان دولت انگلستان

و نمایندگان دولت ایران - نظر دولت ایران در باب حل مسائل

ناشیه از ملی شدن صنعت نفت ایران

ملی شدن صنعت نفت در ایران و قبول آن از طرف دولت انگلستان اصالتاً و به نمایندگی از طرف شرکت نفت مسائلی بوجود آورده از جمله سه مسئله فروش نفت به مشتریان سابق و استفاده از متخصصین خارجی و تعیین گرامات که باید راه حلی برای آن‌ها پیدا کرد.

واضح است که این راه حل باید از یک طرف منافع دولت ایران و از طرف دیگر منافع مشتریان و سهامداران شرکت سابق را در حدود قوانین ملی شدن نفت با هم التیام دهد.

دولت ایران پس از مشاوره با هیئت مختلط راه حل ذیل را به منظور وصول به این نتیجه برای بحث و مذاکره هیئت مشترک نمایندگان انگلستان و ایران پیشنهاد می نماید:

۱- فروش نفت به مشتریان سابق

دولت ایران برای اینکه به مشتریان سابق نفت لطمه ای وارد نیاید حق خرید آن‌ها را محفوظ می‌دارد حتی برای آن‌ها نسبت به مشتریان تازه مزیتی قائل است. دولت انگلیس و سایر مشتریان سابق نفت می‌توانند از این حق کاملاً استفاده نمایند و همان مقدار نفتی که سابقاً خریداری می‌کرده اند از این ببعدهم به نرخ عادلانه بین‌المللی بر اساس قراردادهای تجارتی خریداری نمایند. بعلاوه اگر نفت پس از فروش به مشتریان سابق اضافه‌ای پیدا کرد برای خرید این مازاد هم مشتریان سابق با تساوی شرایط مقدم خواهند بود.

فروش محصولات شرکت ملی نفت ایران بر اساس قیمت فوب در بندر ایران خواهد بود. شرکت ملی نفت ایران حاضر است با هر یک از مشتریان سابق قراردادهای فردی منعقد نماید و هر یک از مشتریان سابق می‌توانند مستقیماً یا توسط مؤسسات یا شرکت ای حمل و نقل و توزیع، نفت خود را دریافت دارند. واضح است که مشتریان سابق می‌توانند برای دریافت سهم نفت خریداری خود به یک یا چند مؤسسه حمل و نقل و توزیع وکالت دهند.

۲- استفاده از متخصصین خارجی.

شرکت ملی نفت ایران متخصصین خارجی را با تمام حقوق و مزایائی که در شرکت سابق نفت دارا بوده اند، به موجب قراردادهای فردی و در مقابل آن‌ها نگاهداری خواهد کرد.

نیز برای اینکه در تشکیلات شرکت سابق تغییری حاصل نشود و در این صنعت عظیم اختلالی روی ندهد تمام آن تشکیلات حتی مقررات اداری و فنی سابق را محفوظ خواهد داشت (جز آنچه با ملی شدن نفت مابینت داشته باشد) و تمام قسمت‌های فنی و اداری را به همان ترتیب سابق به جریان خواهد انداخت و این قسمت‌ها را به دست کارشناسان اعم از خارجی یا داخلی خواهد سپرد و در کارهای جاری و روزانه به رؤسای قسمت‌ها اختیارات کافی داده خواهد شد که برای پیشرفت کار خود آزادی عمل داشته باشند.

بعلاوه برای اینکه شرکت ملی نفت ایران از حیث ترقیات علمی و فنی و اداری از سایر شرکت های نفت دنیا عقب نماند عده‌ای کافی از متخصصین درجه اول نفت دنیا از بین افراد کشورهایی که در ایران نظر سیاسی خاص ندارند برای عضویت در هیئت مدیره استخدام خواهند شد.

۳- غرامات

در موضوع غرامات بطوریکه کراراً توضیح داده شده مجدداً تذکر می‌دهد که دولت حاضر است نسبت به دعاوی و مطالبات شرکت سابق نفت راجع به ما یملک شرکت در ایران با رعایت دعاوی و مطالباتی که دولت ایران نسبت به شرکت مزبور دارد رسیدگی کامل و عادلانه و تعیین حقوق طرفین و تصفیه آن توافق کند.

واضح است که کلیه مطالب مذکوره در فوق فقط زمینهای برای مذاکره است و برای طرفین تعهد آور نیست.

به دنبال مذاکراتی که ساعت ۸ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ بین آقای استوکس مهرداد سلطنتی رئیس هیئت نمایندگی انگلستان و آقای دکتر مصدق نخست وزیر صورت گرفت یادداشت ذیل را آقای نخست وزیر به آقای مهرداد سلطنتی تسلیم نمودند.

راجع به جریان امور فنی و اداری که تقاضا فرموده‌اید ترتیبی داده شود که کارمندان انگلیسی بتوانند به خدمت خود ادامه بدهند در صورتی که راجع به مسئله فروش و غرامت نظریات دولت شاهنشاهی را مورد توجه قرار بدهید در ایجاد یک دستگاه اطمینان بخش توافق خواهیم کرد.

آخرین نامه مصدق به هریمن قبل از عزیمت از تهران

تهران، اول شهریور ماه ۱۳۳۰

جای تأسف است که مذاکرات هیئت مشترک نمایندگی انگلیس و ایران دچار مخاطره بن‌بست شده. این‌جانب پیوسته امیدوار بوده است که در مسائل مشترک مساعی طرفین به نتیجه برسد.

تشریف فرمایی آن جناب به تقاضای حضرت ترومن رئیس جمهور دُول متحده آمریکا از نظر یافتن راه حل برای مسئله نفت از طرف دولت ایران با حسن قبول تلقی شد. دولت و ملت ایران احساسات دوستانه دولت و ملت آمریکا را نسبت به خود صمیمانه تقدیر می‌کند و اذعان دارد که نفت ایران برای اقتصادیات این کشور و دنیای آزاد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و تمام مساعی ما برای پیدا کردن راه حل به همین دلیل بوده است که منافع دنیای آزاد را با منافع ملی خود که به هیچ‌وجه نمی‌توانیم از آن انحرافی حاصل کنیم التیام دهیم.

در نتیجه مذاکرات جناب‌عالی دولت ایران فورمولی را برای مذاکره با دولت انگلیس به نمایندگی از طرف شرکت سابق نفت پذیرفت و ما امیدوار بودیم که مذاکره در حدود همان فورمول بین نمایندگان دولتی انجام گیرد. متأسفانه در این باب تا کنون تفاهمی حاصل نشده است.

مساعی آن جناب در تفهیمی مقاصد دولت و ملت ایران به هیئت نمایندگی انگلیس و توضیح و تشریح تجارت بین‌المللی نفت به هیئت نمایندگی ایران مورد تشکر است ولی متأسفانه در پیشنهادهایی که از طرف هیئت نمایندگی انگلیس داده شده بود توجه کامل به استقلال اقتصادی و سیاسی این کشور نشده و اصول عادی و متداول تجارت بین‌المللی رعایت نگردیده و بنابراین برای دولت و ملت ایران قابل قبول نبود.

در موضوع غارامت از باب مایملکت شرکت سابق نفت بطوری که کراراً توضیح داده شده و در قانون ایران نیز پیش‌بینی گردیده دولت ایران به هیچ‌وجه قصد مصادره نداشته بلکه حاضر بوده است و هست که از روی قیمت سهام شرکت سابق و یا بر طبق متداول ملی کردن صنایع در دنیا از آنجمله در خود انگلستان و یا چنانچه امکان‌پذیر باشد با تراضی با شرکت سابق نفت پس از رسیدگی به دعاوی و مطالبات طرفین ترتیب پرداخت غرامات را بدهد و این بکلی با عنوان مصادره که در نامه آن جناب به آن اشاره شده متفاوت است.

اما درباره فروش و تجارت نفت توجه به اینکه صدور نفت به مقادیر زیاد و استفاده از وسائل و شرکت‌ها و سازمان‌های عظیم حمل و نقل و توزیع برای کشور ما و دنیای آزاد مفید و ضروری است تذکر می‌دهد که چون دولت ایران نفت را به نرخ بین‌المللی تحویل‌گشتی بندر ایران (F.O.B می‌فروشد و شرکت‌ها و سازمان‌های عامل خرید با قیمتی که آنرا در بازارهای دنیا به فروش می‌رسانند مخارج حمل و نقل و بیمه و توزیع و منافع خود را منظور می‌دارند دیگر نباید توقعات خارج از رویه معمول و متداول تجارتي مانند شرکت در منافع از دولت و ملت ایران که مولد نفت است داشته باشند. پیشنهاد هیئت نمایندگی انگلستان این بود که نفت را به مقادیر بسیار زیاد به قیمت بندر

تجارتی ایران خریداری نماید و تخفیفی در قیمت به آن داده شود که معادل پنجاه درصد منافع شرکت ملی نفت ایران باشد. البته تصدیق می فرمائید که چنین پیشنهادی به هیچ وجه با قاعده عدل و انصاف و اصول اقتصادی و رویه معمول تجارتي درست در نمی آید.

در باب مسئله متخصصین دولت یاران پیوسته متوجه این مسئله بوده و اعتراف دارد که به سهولت و در مدت قلیل نمی توان عده کافی و هماهنگ فراهم نمود که دستگاه نفت را براه اندازد و به همین دلیل تاکنون در صدد استخدام هیچیک از متخصصین که برای استخدام رجوع کرده اند بر نیامده و می خواهد با همان متخصصین شرکت سابق کار را ادامه دهد و به آن ها اختیارات و آزادی عمل کافی برای انجام وظائف اعطاء نماید. ولی ضمناً نمی خواهد در این موضوع با هیچ دولت و سازمان خارجی طرف قرارداد واقع شود و با تجارب تلخی که از شرکت سابق نفت دارد مجدداً اختیارات خود را در این امر حیاتی محدود نماید.

مکرر اظهار شده که متخصصین مردم آزادی هستند و کسی نمی تواند آن ها را مجبور به خدمت کند. این مسئله توضیح و اصحات است و دولت ایران هرگز نخواست است آن ها را مجبور به خدمت کند. مبنای قرارداد رضای طرفین است و هر خارجی که رضا دارد مستخدم ایران خواهد شد.

بطوری که در نامه آنجناب مرقوم شده هیئت نمایندگی انگلستان به علت آنکه دولت ایران پیشنهادها آن ها را بنحو دیگری یعنی غیر آنکه مقصود اصلی آن ها بوده درک نموده پیشنهادهای مزبور را مسترد داشته است. اکنون دولت ایران انتظار دارد پیشنهادی را که به هیئت نمایندگی انگلستان تقدیم کرده مورد مطالعه و توجه قرار گرفته و چنانچه در آن باب نظریاتی داشته به دولت ایران اعلام نماید. ما نمی گوئیم که پیشنهاد ما کافی و وافی برای مقصود است فقط می خواهیم که پیشنهادها مذکور مبنای مذاکرات جدید باشد.

دولت ایران لازم می داند بار دیگر با نهایت صمیمیت کمال علاقه خود را به اینکه مساعی مبذولة آنجناب به

نتیجه مثبت منتهی گردد اظهار نماید و امیدوار است که علاقه و توجه خود را برای حُسن خاتمة عمل کما فی السابق مبذول فرمائید.

سخنرانی آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

**برای هیئت مخبرین جراند آمریکائی در روز سه شنبه ۲۷ اسفند ماه
۱۳۳۰**

ضمن بیان خیر مقدم لازم می‌دانم از حضور نمایندگان محترم جرائد ایالات متحده آمریکا که رنج سفر را بر خود هموار داشته و برای دیدار مختصری به کشور ما آمده‌اند استفاده کنم و بار دیگر در باب نهضت اخیر و مبارزه ملت ایران و علل آن مطالبی به اطلاع آقایان برسانم تا چنانکه وظیفه روزنامه نگاری مخصوصاً در کشور آزادی مثل آمریکا حکم می‌کند آنرا کماهو حقه به مردم آن کشور و از آن طریق به جهانیان اعلام فرمایند.

ما از ملت آمریکا و مساعدت های معنوی آنکه خود چندی از نزدیک شاهد آن بودم و در پیشرفت هدف ایرانیان بسوی هدف مقدس خویش در این مبارزه ملی بسیار ذقیقت و گرانبها بوده است بسیار متشکریم ولی از دولت آمریکا توقع داشتیم همانطور که خود استقلال و آزادی خویش را در پرتو مبارزات ممتد ملی بدست آورده است نسبت به تقاضای حقه ملت ایران هم توجه بیشتری نموده و ایمان ملل ضعیف را به عدالت خواهی و صالح طلبی ملل بزرگ صد چندان کند.

چقدر خوب است اگر شما نمایندگان محترم جرائد می توانستید چند روزی به توقف خود در این کشور باستانی ادامه دهید و از نزدیک با روحیات و به افکار مردم ایران آشنا شوید و ببینید که نود درصد این مردم در چه شرائط سختی زندگی می‌کنند و با این حال در حفظ مرام و مسلک خود چقدر استوارند و مشکلات و موانع را با بردباری و متانت یکایک مرتفع می‌کنند. البته به تاریخ ایران آشنائی دارید ملتی که امروز بر اثر طول مدت نفوذ و دساتن اجانب در فقر و مسکنت غوطه می‌زند روزی مشعل ردا فرهنگ و تمدن هان بوده و در هر رشته از رشته‌های علوم فنون و ادب آثار جاودانی بوجود آورده است. تاریخ این کشور پُر است از فداکاری های مردم آن. ایران همیشه آزاد و سربلند بوده و در پیرامون زندگانی آن فقر و مذلت راهی نداشته است. سستی و نادرستی در اطراف آن گامی نمی‌گذاشت اما متأسفانه از زمانی که کشورهای نیرومند خارجی هر یک به بهانه‌ای برای ارضاء مطامع خود به ما روی آوردند و در شئون اجتماعی ما نفوذ و رخنه کردند سعی نمودند تا این روح آزادیخواهی و تفوق را از ما سلب کنند زیرا خود می‌دانستند که یک ملت اصلی را به آسانی نمی‌توان بنده و برده ساخت. لذا با نقشه منظم در حالی که زمامداران ما در خواب غفلت بودند وسائلی فراهم کردند تا ملت را همواره اسیر پنجه قدرت خود کنند و در اجرای این نقشه بعضی از رجال خائن را خریدند؛ رشته الفت و دوستی را در بین افراد این ملت به وسائل مختلف گسستند و بریدند؛ همه را نسبت بهم بدبین و بی اعتماد نمودند؛ وسائل تشدید فقر و مسکنت را فراهم آوردند؛ یأس و نا امیدی را در افراد مردم رواج داده تا بتوانند کشور ما را غارت کنند و به بهانه مسائل اقتصادی مقاصد سیاسی خود را انجام دهند.

این‌ها که گفته شد افسانه نیست بلکه حقایق مسلمی است که می‌توان از گفته سخنگویان آن‌ها نیز در موارد مختلف شنید. ما اسناد غیر قابل انکاری در دست داریم که تمام این حقایق و بلکه بیشتر از آنرا ثابت می‌کند. چنانکه قسمتی از آنرا شخصاً در شورای امنیت خواندم و افکار عمومی جهان را نسبت به دخالت های نامشروع و بی رویه دولت انگلیس در امور داخلی ایران در طی سنین متوالی جلب کردم.

در میان چنین ملتی که جهل و فقر را در آن شیوع داده بودند تا ارزش ثروت‌های ملی خود را درک نکنند و قدرت چون و چرا نسبت به سرنوشت خویش نداشته باشد امتیازنامه ای به یک تن از اتباع انگلیس از طرف حکومت مستبد وقت با دسیسه و نیرنگ داده شد و که به مدت شصت سال از منابع نفت ایران استفاده کنند و بعد حکومت انگلیس این امتیاز را از تبعه خود گرفت و به بهانه حفظ منافع خود در امور داخلی ایران مداخلات بی رویه و مخفی خویش را علنی کرد تا جایی که با دولت روسیه تزاری همدست شد و قرارداد ۱۹۰۷ را برای تجزیه ایران منعقد نمود و بعد چون خود را بدون رقیب سیاسی دید نوبت قرارداد ۱۹۱۹ رسید در اینجا بد نیست به اطلاع شما برسانم که ما اکنون سندی در دست داریم که در طی آن مستر نورمان سفیر وقت انگلیس در تهران به سردار منصور رئیس الوزراء وقت نوشته است چهارصد هزار تومان رشوه ای که برای تصویب و اجرای قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله و دو وزیر دیگر کابینه او از دولت انگلیس برای تصویب و اجرای قرارداد مزبور از دولت انگلیس گرفته بودند و بواسطه مخالفت ملت ایران قرارداد اجرا نشده بود و به دستور دولت انگلیس وجه رشوه را مطالبه می‌کردند در صلاح خود دولت انگلیس موقتاً موقوف الاجرا گردد.

در اینجا لازم است از همدردی ملت بزرگ آمریکا و مساعدت معنوی که با ملت ایران جهت الغاء این قرارداد شوم نموده اند سپاسگزاری کنم. لانسینگ وزیر خارجه دولت متحده آمریکا در ۱۵ اوت ۱۹۱۹ در کنفرانس پاریس گفت:

«آمریکا بیهوده کوشش کرد که هیئت ایرانی در پاریس در انجمن صلح حضور بهم رساند و مطالب و مقاصد خود را اظهار نماید حتی سعی نمایندگان ملت ایران هم در پاریس برای مذاکره با لرد کرزن بجائی نرسید. در این اثنا سفیر انگلیس در تهران با یک دسته کوچکی از سیاسیون یک عهدنامه مخفی بست این دسته کوچک سیاسیون فوراً پس از عقد صلح اداره امور را به دست آورده بودند و هیئت ایرانی که در پاریس بود از کار افتاد و منحل شد. خلاصه یک نقش خطرناک و محرمانه ای را بازی نمودند.»

آقایان محترم!

ملاحظه می‌فرمایید که دولت انگلستان برای حفظ نفوذ خود دست به چه اقداماتی زده و چه دسائس و نیرنگ‌هایی برانگیخته بود که در نتیجه مبارزات واقعی ملت ایران این سند خیانت باطل شد و سیاست انگلستان نتیجه‌ای را که می‌خواست نگرفت. شما روزنامه نگاران به سیاست انگلیس خوب آشنا هستید که وقتی از راه مثبت به نتیجه نرسد طریق منفی را در پیش می‌گیرد. وسائل و اسباب را طوری فراهم می‌کند که در ظاهر آراسته ای که جای ایراد کمتر باشد مقصود خود را حاصل کند. از این نظر دولت انگلستان کوشش کرد تا بدون معاهده و قرارداد و بدون هیچ‌گونه سر و صدائی به مقصود خود برسد همچنانکه رسید و وسیله لغو قرارداد داری را آماده کرد تا هم بر مدت امتیاز بیفزاید و هم در ظاهر امتیاز نامه را که حکومت مستبیدی داده بود به صورت قرارداد پارلمانی در آورد.

راجع به ماهیت این قرارداد تحمیلی و علل و اسباب آن و زیان های بی شماری که از این راه ملت ایران دیده است آنقدر در این یکساله اخیر گفته و نوشته اند که تصور می‌کنم کمتر کسی است از آن بی اطلاع باشد.

در سایه همین قرارداد تحمیلی بود که دولت انگلیس نفوذ خود را در ایران بیش از پیش توسعه داد تا جایی که در هیچیک از مجالس مقننه نمایندگان حقیقی ملت وجود نداشت که اینجانب در شورای امنیت پرده از روی این حقایق برداشتم و اسناد زیادی را از این قبیل در آن محضر بین‌المللی قرائت کردم تا جای هیچگونه شک و تردید برای ملل جهان در مظلومیت ملت ایران باقی نماند.

اوضاع و احوالی که ذکر شد تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه یافت. در این هنگام کشور ایران بدون هیچ دلیل بوسیله قوای متفقین و فقط به بهانه ارسال مهمات و کمک‌های ملل غرب به روسیه شوروی اشغال گردید و ما در آن وقت به چشم خود دیدیم افرادی که به نام متخصص فنی در شرکت سابق نفت کار می‌کرده اند اسلحه به دست گرفته و لباس نظامی پوشیدند و از داخل ایران وسائل تضعیف ارتش ما را فراهم کردند که ما تا آن وقت تصور نمی‌کردیم تا این درجه می‌توان ناجوانمردی نمود و واقعاً نمی‌دانستیم که این کارشناسان جاسوسانی تعلیم یافته بیش نیستند. از آن وقت حقایق قضایا بیش از پیش بر ما روشن شد و بیهوده نیست که دولت اینجانب با تمام فشارهایی که از هر طرف وارد می‌شود حاضر نیست بهیچ قیمت و تحت هیچ عنوان بار دیگر این جاسوسان انگلیسی را به عنوان کارشناس فنی در کشور ایران راه دهد و بپذیرد. و این کار در حکم آن است که ما به دست خود وسائل فانی خود را آماده کنیم و هیچ عقل سلیم ما را در این کار مصاب نخواهد کرد.

پس از ملی شدن صنعت نفت بعضی از اسناد راجع به دخالت شرکت غاصب که سعی زیاد در استتار آن داشت به دست ما افتاد و دانستیم که آن شرکت به بهانه اقتصادی در کلیه شئون سیاسی و اجتماعی ما دخالت داشته و از آن بالاتر سفارت انگلیس در تهران مقاصد شرکت را اجرا می‌کرده است و چنانچه اختلافی هم بین این دستگاه ظاهراً اقتصادی با دستگاه سیاسی انگلستان بوجود می‌آمد، دولت انگلیس جنبه ظاهراً اقتصادی را که وسیله هرگونه دسیسه سیاسی بود ترجیح می‌داد و معلوم شد که در این کشور هیچ قدمی به سود ملت ایران نمی‌توان برداشت. عواید مختصری هم که به عنوان حق السکوت به دولت ایران داده می‌شد، به مصرف واقعی خود نمی‌رسید: قسمتی از آن صرف خرید اسلحه گردید که آنرا در سال ۱۹۴۱ موقع ورود به ایران بغارت بردند و آنقدر این مظالم را ادامه دادند تا کاسه صبر ملت ایران لبریز شد و طاقت تحمل و بردباری نماند و تدریجاً زمزمه هایی در بین ملت ایران برای چاره جوئی و رهائی از این بلایه عظیم شروع گردید ولی شرکت سابق نفت که متکی به قدرت دولت انگلیس بود همه را ندیده و نشنیده گرفت و راه خود را ادامه داد.

در مجاورت ایران شرکت های دیگر نفت حق الامتیاز مناسبی باقتضای زمان به صاحبان اصلی دادند ولی شرکت سابق نفت به این جریانات به دیده بی اعتنائی نگریست و عقیده داشت که ملت ایران را باید گرسنه نگاه داشت تا بیشتر مطیع و فرمانبردار باشد. و به این لحاظ آتش فروزانی که در نهاد مردم ایران زبانه می‌کشید، شعله‌ور گشت و

آتقدر بالا گرفت تا در سال گذشته چنین ایامی منجر به تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت گردید و این دولت مأمور اجرای قانون گشت. در این هنگام دولت انگلیس پرده را بالا زد و علناً قدم به میدان گذاشت و بدون حق، به حمایت قرارداد مخالفت نمود و کار را به دیوان داوری لاهه و از آنجا به شورای امنیت کشانید.

دولت ایران از همان آغاز کار با کمال صراحت اعلام داشت که حاضر است جریان نفت به کشورهایی که از آن استفاده می‌کردند قطع نشود ولی دولت انگلیس بوسیله هیئت‌هایی که فرستاد، می‌خواست تحت عناوین دیگری امتیازنامه باطل سابق را بار دیگر تجدید کند و چون از فشارهای سیاسی نتیجه نگرفت ایران را دچار محاصره اقتصادی نمود. مال‌التجاره بازرگانان و کالاهایی که دولت ایران از شرکت‌های انگلیس خریده بودند، توقیف نمود و از فروش نفت به هر وسیله که بود جلوگیری کرد که تا این تاریخ دولت ایران نتوانسته است با هیچ‌کس کوچکترین معامله‌ای انجام دهد.

پیش‌بینی همین عملیات بود که این‌جانب در واشنگتن از ریاست جمهور تقاضا نمودم چنانکه درباره کشور‌های دیگر می‌شود مبلغی بعنوان وام به ایران پرداخته شود و از اولین برداشت منافع نفت مسترد گردد، حضرت رئیس جمهوری نیز در پاسخ این‌جانب نوشتند که: «اطمینان داشته باشید که چون دولت کشورهای متحده آمریکا تمایل خود را علناً برای کمک و مساعدت به ملت ایران ابراز داشته‌اند لذا درخواست مزبور را مورد دقیقترین توجه قرار خواهد داد و به طرز صحیحی به جریان خواهد انداخت.»

چندی بعد از مراجعت به ایران مجدداً یادآوری شد و تنها اثری که از این کمک مشهود افتاده آن است که حضرت رئیس جمهوری نوشتند: «قسمت مجریه دولت کشور‌های متحده نخواهد توانست نوع قرضه‌ای را که جنابعالی تقاضا فرمودید نزد کنگره و ملت آمریکا موجه سازد.» و مجملاً شرط این کمک را موافقت با پیشنهاد‌های انگلستان قرار داده‌اند و حتی بانک صادرات و واردات هم که به کشورهای زیادی به عنوان وام مساعدت‌هایی کرده است با تمام وعده‌هایی که به دولت ایران داده بود به معاذیر غیر موجه حاضر نشد در این موقع کمکی به ایران بکند و از همان هنگام ما یقین داشتیم که ملل بزرگ جانب یک ملت ضعیف را در برابر یک کشور نیرومند نخواهند گرفت و می‌دانستیم که از این طریق طرفی نخواهیم بست ولی خواستیم دنیا بداند که اگر پای منافع ملتی زورمند در میان باشد تمام قول و قرارهای بین‌المللی مفهوم واقعی خود را از دست خواهند داد. ملل ضعیف باید برای خود فکری بکنند و راهی بیندیشند.

اکنون ای نمایندگان محترم جراید آمریکا، یکسال است که ملت ایران در زیر فشار سیاسی و اقتصادی که به او تحمیل می‌شود قرار دارد و با کمال صبر و شکیبایی استقامت می‌ورزد و پایداری می‌نماید و محال است مبارزات گذشته خود را ندیده گرفته و تن به پاره‌ای تحمیلات بدهد.

ما نمی‌توانیم ببینیم که بعضی از کشورهای ثروتمند منابع ملی ما را ببرند و مردم ایران روی این گنج‌های خداداد برهنه و گرسنه بسر برند. ما همیشه از ملل بزرگ زجر دیده ایم و در دوره جنگ اخیر با نهایت صمیمیت به ملل متفق کمک نموده ایم که قسمت مهمی از اوضاع آشفته اقتصادی فعلی به علت تحمیلات جنگ بوده است.

روزولت رئیس جمهور فقید مساعی صمیمانه ما را ضمن اعلامیه ای تصدیق نمود و وعده مساعدت و کمک به ما داد. این وعده و وعده‌های دیگر نظیر آن نه تنها عملی نشد بلکه پس از پایان جنگ بعضی از ملل بزرگ مطالبات حقه ما را هم نپرداختند.

اکنون لازم می‌دانم که خلاصه‌ای از مذاکرات دولت ایران را با نمایندگان بانک بین‌المللی راجعت به اصول مذاکرات اظهار کنم.

۱- راجع به کارشناسان خارجی: نظر دولت اینجانب این بوده است که عده مورد لزوم از ملیت های بی‌طرف انتخاب گردیده و بکار گمارده شوند. در صورتی که نمایندگان بانک یکی از شرایط اصلی مکان حل قضیه نفت را بازگشت کارشناسان انگلیسی تلقی می کند.

۲- در طرز اداره موقت منابع نفتی ایران از طرف بانک بین المللی: نظر دولت ایران بر این اساس استوار بوده است که بانک باید خود را در این عمل نماینده و نایب مناب دولت ایران دانسته و با توجه از نتیجه حاصله از عمل خلع ید بهره برداری مجدد دستگاه را شروع نماید. ولی نظر بانک این است که به هیچوجه خود را به انجام خلع ید آشنا نکند و بدون اینکه وضع حال از خلع ید را در نظر گیرد و دولت ایران را متصرف بشناسد، عمل بهره برداری را مستقلاً انجام داده و منافع حاصله را قسمتی به عنوان تخفیف به خرید از کل و قسمتی را نیز به دولت ایران تأدیه و بالاخره قسمتی را نزد خود به عنوان سپرده تا خاتمه تکلیف مسئله نفت نگاهدارد.

۳- راجع به قیمت: نظر بانک این است که از قیمت هر بشکه نفت خام در خلیج فارس که ۱،۷۵ دلار است:

اولاً - ۵۸ سنت یعنی یک ثلث تخفیف برای خریدار کل

ثانیاً- ۳۰ سنت برای تولید نفت خام

ثالثاً- ۳۷ سنت به عنوان سپرده که تا خاتمه اختلاف طرفین نزد بانک باقی بماند، کسر نموده و بقیه را که ۵۰ سنت می‌شود به دولت ایران بپردازد. راجع به قیمت نفت تصفیه شده هم بابت هر بشکه، به همین ترتیب عمل کند و ضمناً ۵۰ سنت بابت مخارج تصفیه و ۳ سنت به عنوان استفاده از دستگاه تصفیه خانه به دولت بپردازد. در صورتی که قیمت متوسط هر بشکه نفت تصفیه شده با توجه به نسبت محصولات مختلفی که از نفت ایران به دست می آید، بر اساس قیمت خلیج مکزیک معادل ۲،۷۵ دلار می باشد.

آقایان محترم!

اکنون از شما تمنی می‌کنم که از جانب ملت ایران به ملت آمریکا درود بفرستید و این پیام را به آن ملت نجیب برسانید که ملت ایران در این گوشه جهان به هر محرومیتی تن می‌دهد تا صلح جهان پایدار بماند. از حدود و وظائف خود قدمی فراتر نمی‌نهد و به

تعهدات بین‌المللی خود وفادار می‌ماند. ولی اگر ملل بزرگ روش فعلی خود را نسبت به ملل ضعیف ادامه دهند، هرگز نمی‌توان پایداری صلح را تضمین کرد.

گراور نامه‌های جناب مستر نرمان وزیر مختار انگلیس در تهران به جناب فتح الله اکبر رئیس الوزراء و ترجمه آنها

تهران، ۱۲ نوامبر ۱۹۲۰

ترجمه نامه‌های مستر نرمان وزیر مختار انگلیس در تهران به فتح الله اکبر رئیس الوزراء

رئیس الوزراء عزیزم

سردار معظم «تیمور تاش» منزل من بود و آنچه را که بین حضرت اشرف و او روی داده است برایم نقل کرد. من صلاحیت ندارم درباره جهاتی که باعث عدول حضرت اشرف از تصمیم متخذة امروز صبح شده است اظهار نظر نمایم ولی از عاقبت مخالفتی که ممکن است بر اثر برکنار شدن سردار معظم بر ضد حکومت بشود بیمناکم و جرأت پنهان ساختن این بیم و ترس را ندارم. حضرت اشرف باید از همکاری تام و صمیمی من مطمئن باشد و به این امر هم وقوف دارند معهدا واضح است که دولت باید پشتیبانی مجلس را که سردار معظم در آن نفوذ فوق‌العاده زیادی دارد بخود جلب کند. در نتیجه بخود اجازه می‌دهم که توجه حضرت اشرف را به یک نکته معطوف کنم و آن اینکه آیا مقتضی نیست شخصی را که خصومتش ممکن است از فعالیت‌های مفید حکومت جدید جداً جلوگیری کند به نفع خود جلب کنند. رئیس الوزراء عزیز تمنی دارم بوجود ارادت صمیمانه ام مطمئن باشد و دوستانه ترین احساساتم را بپذیرید.

امضاء- نورمان

سفارت انگلیس ۲ نوامبر ۱۹۲۰

رئیس الوزراء عزیزم

در باب تصدی پست وزارت امور خارجه بنظر می‌رسد که اگر اعتلاءالملک به این مقام منصوب شود، ما فهیم الدوله را که به عقیده من صاحب منصب وظیفه شناس و لایقی است از دست خواهیم داد و از دست رفتن او ضایعه خواهد بود. بنابراین آیا بهتر نیست این ست فعلاً بلاشاعل بماند و فهیم الدوله تا تعیین وزیر به کفالت آن ارتقاء یابد؟ اگر محتشم السلطه این پست را می پذیرفت این خود راه حلی بود ولی می‌ترسم ممکن نباشد او را وادار به قبول این مقام نمود و من دیشب با سردار معظم نظریاتی که حضرت اشرف به من اظهار فرموده بودند صحبت کردم ظاهراً او چندان میل ندارد شما را نه قبل از افتتاح مجلس کمک کند و نه بعد از آن. اگر حضرت اشرف صلاح بدانند که به او یکی از وزارتخانه ها را بسپارند من مخالفتی ندارم بلکه بعکس گمان می‌کنم نیرو و اراده و قدرت تصمیم او برای دولت بسیار مفید باشد. چون نمی خواستم امروز مزاحمت شما را با ملاقات خود فراهم کنم از این جهت بخود اجازه دادم که کتیباً مصدعتان شوم و امید عفو دارم. رئیس الوزراء عزیزم تمنی دارم دوستانه ترین احساساتم را بپذیرید

امضاء نورمان

تهران ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰

رئیس الوزراء عزیزم

رونوشت نامه‌ای را که صارم الدوله به سلف من راجع به ۴۰۰ هزار تومان نوشته بود، همانطور که وعده داده بودم فرستادم. نظر به مسائل مهمتری که فعلاً کشور را متشنج نموده است می‌توان انتظار داشت که این موضوع لااقل موقتاً در بوته فراموشی بماند. با وجود این احوال بخود اجازه می‌دهم که خاطر حضرت اشرف را به این نکته معطوف سازم که مقتضی نیست فعلاً در این باب هیچگونه اقدام علنی بعمل آید.

واضح است که نمی‌توان از طرح شدن احتمالی این موضوع در مجلس جلوگیری نمود. اگر فعلاً مسکوت بماند شاید ممکن باشد تا آن وقت بوسیله سه نفری که در تصفیه آن ذینفع هستند راه حلی یافت. اینهم بسته است به اینکه حضرت اشرف مشاوره با آن‌ها و تقاضای تشریک مساعی آن‌ها را که به نفع خود آن‌ها است مفید بداند. تلگرام من بی‌شک به سدت وثوق الدوله خواهد رسید نصرت الدوله هم بزودی به تهران خواهد آمد و دسترس یافتن به صارم الدوله نیز آسان است.

بخود اجازه می‌دهم که سعادت دیدار حضرت اشرف را فردا بیابم و در انتظار دیدار،
خواهشمندم ارادت صمیمانه و دوستانه ترین سلام های را بپذیرد.

امضاء نورمان

سفارت انگلیس ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰

دوست عزیزم

خواهشمندم حضور حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء بعرض رسانید که تغییری
در کمیسیون بانک شاهنشاهی لزوم پیدا کرده. مقتدرالملك (مجدالسلطنه) کمیسر حالیه
بانک به هیچوجه آنطور که شاید و باید به خدمت و مأموریت خود رسیدگی نمی نماید و
بواسطه معاونین بکارها رسیدگی می نماید. اگر عون الملك را دولت تعیین نماید، بانک
شاهنشاهی ایشان را برای کمیسری با کمال میل قبول خواهد کرد و آقای نورمان هم از
این موضوع خیلی خوشوقت خواهد شد زیرا که ایشان در امور بانک سابقه و اطلاعات
کافی دارند و البته اطلاعات او در این خدمت برای دولت ایران خیلی مفید خواهد بود.
دوست عزیز خواهشمندم احساسات صمیمانه ام را قبول فرمائید

امضاء هایک

از خاطرات جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر:

«چگونه کنسولگری های انگلیس در ایران را تعطیل نمودم»

چرا ملت ایران که کشورش ۴۸ برابر هلند است و تمام مواهب خداداد در دسترس او
است بر اثر تحریکات و کار شکنی های اجانب هنوز نتوانسته است از زندگی ساده و
مقرون به آسایش بهره مند گردد؟ ... بدبختی ملت ایران ناشی از این است که اجانب
بوسیله عمل خود در ایران قدرت خویش را شکست ناپذیر نشان داده اند. آن‌ها این فکر
را در دماغها رسوخ داده‌اند که هر کاری در ایران می‌شود به اراده خارجی است. هر
چیز انگلیسی‌ها بخواهند امکان ندارد صورت نگیرد. و بدبختانه روش دولت های وقت
هم این فکر غلط و خطرناک را تقویت کرده است. روزی بود که کسی نام دولت انگلیس

و سیاست او را نمی توانستند ایران ببرد. ولی وقتی که ملت ایران اراده کرد دیدند چگونه درخت کهنسال استعمار انگلیس از کشور ما ریشه‌کن شد.

روزی که ما برای اجرای اراده ملت ایران می‌خواستیم نفت خود را ملی کنیم ما را می‌ترسانیدند به ما می‌گفتند بی احتیاطی نکنید حریف نیرومند است توپ و پاراشوتیست و کشتی جنگی دارد نفوذ او هم ریشه‌دار است کاری نکنید که صلح دنیا به خطر افتد. این‌ها همه توپ خالی بود ما در سایه فداکاری نفت خود را ملی کردیم و هیچ حادثه‌ای رخ نداد. انگلیس‌ها با این سیاست اخافه قرن‌ها ملت محروم ایران را در زنجیر نگاه داشتند حقوق او را عصب کردند و او را در فقر و مسکنت کشنده این غوطه ور ساختند. این را بدانید وقتی ملت ایران اراده کرد و در تصمیم خود پابرجا و محکم ایستاد و از مشکلات نهراسید هیچ قدرتی تاب مقاومت در برابر او ندارد. انگلیس‌ها و بطور کلی اجانب و استعمار طلبان همیشه رویه شان این است که با اخافه و ترعیب ملت‌های کوچک را در بند اسارت خود نگاه دارند همیشه قدرت خود را به رخ آن‌ها می‌کشند و آن‌ها را می‌دوشند. در همین ملی شدن نفت وقتی که انگلیس‌ها دیدند از حرف شوخی و تفنن گذشته و اراده ملت ایران را نمی‌توان مقهور و منکوب کرد بناچار ملی شدن صنعت نفت ایران را پذیرفتند. اجانب هر ملتی را مصمم تر و با عزمی راسخ و پابرجا ببینند زودتر تسلیم دعاوی حقه او می‌شوند. راه نجات ایران فقط در این است که مردانه در برابر مطامع انگلیس‌ها و امثال آن‌ها بایستد و از تهدید و توپ تشر آن‌ها نهراسد تا به آن وضع و زندگی دنیاپسندی برسد که استحقاق آنرا دارد. این سیاست را هر دولتی که در یاران رویی کار می‌آید باید دنبال کند. تسلیم مطامع اجانب شد مرادف با مرگ است ملت ایران نشان داد که ملتی رشید و توانا است و می‌تواند در برابر انگلیس‌ها و یا هر خارجی دیگر برای حفظ حقوق خود محکم و مردانه بایستد و ابدأ بمی بخود راه نهد چنانکه دیدیم برای تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس‌ها کابینه و وثوق الدوله را روی کار آوردند احرار را گرفتند و تبعید کردند محیط رعب و هراس بوجود آوردند ولی مقاومت ملت کار خود را کرد و بیگانگان در اجرای نقشه‌های خود موفق نشدند. این موفقیت‌ها را در سایه وحدت و اتفاق کلمه بدست آورده‌ایم و اگر بخواهیم از مجاهدات خود نتیجه بگیریم باید وحدت خود را حفظ کنیم و با هما حرارتی که در بدو کار از خود نشان دادیم به مبارزه ادامه دهیم تا به مراد و مقصود خود برسیم...

این مقدمه بود و حال خوانندگان گرامی به این حقیقت نیز واقف شوند:

صبح روز پانزدهم دی ماه ۱۳۳۰ تصمیم به انحلال کنسولگری های انگلیس در ایران گرفتم. ساعت ۵/۳ بعد از ظهر به آقای کاظمی وزیر امور خارجه گفتم که ایشان طرحی برای این کار تهیه کنند. که در جلسه هیئت دولت که ساعت هفت بعد از ظهر همان روز تشکیل می‌شد تصویب شود. ساعت ۴ بعد از ظهر یکی از مشاورین وزارت امور خارجه نزد من آمد و گفت برای مطالعه جهت تهیه طرح تا فردا وقت لازم است گفتم آقا این کار که مطالعه لازم ندارد طرح را زودتر پیاده کرده بیاورید. بالاخره ساعت شش بعد از ظهر طرح تصویب نامه انحلال کنسولگری ها آماده شد و از تصویب هیئت وزیران گذشت و همان شب به سفارت انگلیس در تهران ابلاغ گردید و لحظه‌ای بعد در اختیار رادیو و مخبرین داخلی و خارجی قرار گرفت. ساعت ۹ بعد از ظهر تشریفات این

کار تمام بود. هنوز چند دقیقه به ساعت یازده شب مانده بود که زنگ تلفن نزدیک تختخواب من صدا کرد گوشی را برداشتم شخصی که خود را (پایمن) معرفی می‌کرد می‌گفت اینجا سفارت انگلیس است سر فرانسیس شپرد سفیر کبیر انگلیس با آقای دکتر مصدق نخست وزیر کار دارند گفتم من نخست وزیرم ایشان چه فرمایشی دارند؟ پایمن جواب داد سفیر کبیر می‌خواهند الساعة شما را ببینند. گفتم آقا من الآن کسالت دارم و در این موقع شب از پذیرائی معذورم. اصرار کرد و باز جواب شنید که پذیرائی در این موقع شب مقدور نیست پایمن گفت سفیر کبیر می‌گوید از اجرای تصویب نامه انحلال کنسولگری ها خودداری کنید و دستور دهید رادیو و روزنامه‌ها آنرا منتشر نکنند تا من شما را ملاقات کنم. گفتم به ایشان بفرمائید اینکار از عهده من ساخته نیست تصمیمی است که در هیئت دولت تصویب شده نمی‌توانم آنرا نسخ یا موقوف الاجرا نمایم. اگر هم آقا سفیر کبیر قصد ملاقات دارند ساعت ۹ بامداد فردا تشریف بیاورند. ساعت ۹ صبح فردا شانزدهم دی ماه سر فرانسیس شپرد با قیافه گرفته و عصبانی به دیدن من آمد وقتی که وارد اتاق من شد بر اثر شدت ضعف نمی‌توانستم از بستر بلند شوم وسط اتاق ایستاده با تشدد گفت از طرف دولت مبعوع خودم به شما می‌گویم تصویب نامه انحلال کنسولگری ها را لغو کنید این کار عاقبت خوبی ندارد به رادیو و جرائد هم خبر لغو آنرا بدهید آیا شما فکر عاقبت آنرا نکرده اید؟ من در جواب شپرد گفتم آقا این تصمیمی نیست که من بتوانم آنرا لغو و یا موقوف الاجرا کنم دولت اینطور تصمیم گرفته دستور اجرا هم داده شده و انجام تقاضای آقای سفیر کبیر و دولت متبوع ایشان هم برای من مقدور نیست. در این موقع شپرد از فرط عصبانیت برآشفست و گفت: «پس من برای چه اینجا آمده‌ام؟» گفتم از خودتان سؤال بفرمائید که وقت ملاقات گرفته اید. سر فرانسیس شپرد سفیر کبیر دولت انگلیس این را شنید و با تشدد از اطاقم خارج شد سفیر کبیر انگلیس به حال اعتراض رفت دولت هم تصویبنامه را اجراء نمود و یادگار شوم چندین قرن اسارت از ایران رخت بر بست بدون اینکه آب از آب تکان بخورد.

ترجمة اعلامية وزارت امور خارجه آمریکا

کشورهای متحده آمریکا چندین تقاضای کتبی و شفاهی از دولت ایران برای وام و کمک مستقیم مالی به منظور اصلاح وضعیت شدیدی که در اثر فقدان عواید نفت با آن مواجه شده است، دریافت داشته.

روش کشورهای متحده آمریکا در قبال این تقاضاها این بوده است که در حالیکه آمریکا مایل است در وضعیتی باشد که هر کمک لازم و مناسبی را به ایران بکند، معهذاً نمی‌توانست نوع کمکی را که تقاضا شده بود موجه بداند. در وقتی که ایران فرصت دارد از صنعت نفت خود بدون لطمه به آمل ملی خویش عواید کافی بدست آورد.

این نکته خاطر نشان شده است که کشورهای متحده آمریکا در مجاهدت خود برای فراهم ساختن زمینه یک صلح پایدار و ثابت بار مالی سنگینی را بدوش گرفته و برای او بسیار دشوار است که در مورد کشوری که وسائل فوری برای کمک بخود دارد تعهدات اضافی دیگری بعهده بگیرد.

کشورهای متحده آمریکا، بطوریکه از اخبار مطبوعاتی ناشیه از ایران بر می آید، تقبل پیشنهادها بخصوصی را از طرف ایران شرط اعطای کمک نساخته است

کشورهای متحده آمریکا پیوسته بر این عقیده بوده است که ممکن است راه حلی را پیدا کرد که هم صینات منافع مشروع ایران و انگلیس را در بر داشته باشد و هم تجدید عملیات نفت را از لحاظ اقتصادی عملی سازد.

عقیده ما این است که پیشنهاد بانک بین‌المللی دایر به کمک به این مسأله فرصت خوبی بدست داده که این مقصود ولو آنکه بر اساس موقت باشد حاصل گردد و کماکان امیدواریم فورمولی که برای طرفین قابل قبول باشد پیدا شود.

اعلامیه آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر در

جواب اعلامیه وزارت خارجه آمریکا

در اعلامیه مورخ ۴ فروردین ۱۳۳۱ وزارت خارجه آمریکا راجع به نفت ایران و تقاضای وام از آن دولت لازم می‌داند اعلام بدارد:

ملی کردن صنعت نفت به جهات سیاسی و اقتصادی صورت گرفته است زیرا شرکت سابق نفت انگلیس و ایران یک دستگاه استعماری بود و در پشت سر آن دولت انگلستان قرار داشت. برای استعماری بودن شرکت سابق چه دلیلی بهتر از اینکه پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت دولت انگلیس رسماً و علناً خود را قائم مقام آن شرکت شناخت و دولت و ملت ایران را به صورت‌های مختلف تحت فشار قرار داد. گاهی به دیوان بین‌المللی لاهه شکایت نمود، زمانی ما را به شورای امنیت کشانید، یک وقت با اعزام کشتی‌های جنگی و چترباز تهدید کرد و اینک نیز ما را دچار محاصره اقتصادی نموده است و حال آنکه دولت انگلستان با دولت ایران طرف قرارداد نیست و منافع مشروعی در موضوع نفت ایران ندارد بعلاوه دولت مزبور اصالتاً از طرف خود و کالتاً از طرف شرکت سابق، ملی شدن صنعت نفت را بر طبق قانون ایران برسمیت شناخته است.

در موضوع تقاضای وام هم لازم است توضیح داده شود: موقعی که این‌جانب برای دفاع از حق ملت ایران عازم آمریکا بودم قبل از حرکت از طرف حضرت پرزیدنت ترومن دعوت شدم که به واشنگتن بروم و از ملاقات ایشان کسب فیض نمایم. چون در ضمن ملاقات علاقه مفراطی به رفاه و آسایش ملت ایران اظهار نمودند و بر این‌جانب معلوم و مسلم بود که دولت انگلستان با وسائلی که همیشه ملل ضعیف را تحت استثمار

در آورده و با وجود احتیاج مبرمی که دنیا به نفت ایران دارد به این زودی نخواهد گذاشت که حتی دُول اروپای شرقی هم قطره‌ای از نفت ما خریداری کنند. بنابراین بوسیله دو نامه از حضرت ایشان تقاضای وامی نمودم و این تقاضا به دلایل ذیل موجه بود:

اول آنکه دولت آمریکا به موجب اعلامیه تهران که به امضاء مرحوم پرزیدنت روزولت رسیده، به دولت ایران وعده کمک‌های اقتصادی داده است.

دوم آنکه دولت انگلیس بواسطه نقصان عوایدی که از ملی شدن صنعت نفت ایران حاصل کرده بود و نمی‌توانست بودجه تسلیحاتی خود را تأمین کند از دولت آمریکا تقاضای وام نمود و دولت آمریکا هم آنرا اجابت کرد. جواب مساعد قبول دولت آمریکا به تقاضای دولت انگلیس سبب شد که دولت ایران هم که در وضعیت مشابهی قرار گرفته بود و یکی از اعضاء وفادار سازمان ملل متحد است و بواسطه عدم فروش نفت خود نمی‌توانست حقوق کارگران آبادان و کسر بودجه خود را تأمین کند، از دولت آمریکا همان تقاضا را بکند.

اینک که بر طبق اعلامیه وزارت خارجه آمریکا معلوم شده است که آن دولت نظر مساعدی در این باب ندارد، دولت ایران هم موضوع را تعقیب نخواهد کرد.

در موضوع پیشنهاد بانک بین‌المللی هم دولت ایران کراراً حسن نیت خود را برای پیدا شدن راه حل عادلانه که مطابق تمایلات ملت ایران یعنی در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت باشد، نشان داده است و هر گاه بانک بین‌المللی راه حلی پیشنهاد نماید که با تمایلات ملت ایران مغایرت نداشته باشد دولت ایران با کمال میل در پیشرفت آن همکاری خواهد کرد.

مصاحبه آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

با مخبر روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۳۱

سؤال اول خبرنگار ما این بود:

در دولت فعلی به ابتکار جنابعالی برای اولین بار در تاریخ ایران اسناد و مدارکی مبنی بر مداخلات سفارت انگلیس در امور داخلی کشور ما تا بحال چند بار انتشار یافته اکنون ممکن است بفرمائید دولت از نظر سیاست خارجی و داخلی از انتشار این اسناد چه منظوری دارد؟

آقای دکتر مصدق در جواب اظهار داشت:

اگر بخواهیم منشاء و اساس اختلافات خود را با شرکت سابق نفت و دولت انگلستان که موجب اینهمه سرو صدا و هیاهو در دنیای کنونی گردیده خلاصه کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که ما می‌گوئیم اینهمه آشفتگی و فقر و فلاکتی که دامنگیر این ملت گردیده اثر مداخلات بی جا و ناروای شرکت سابق نفت و دولت انگلستان در امور داخلی کشور ما بخاطر حفظ منافع نامشروع و ظالمانه خود می‌باشد.

در حالیکه دولت انگلیس در نهایت بی‌قیدی عقیده دارد اصولاً تا بحال مداخله ای در سیاست داخلی ایران نکرده و یا هر چه کرده لازمه دوستی و یگانگی و بخاطر حفظ استقلال ایران بوده. بدیهی است دولت حاضر برای اثبات دعاوی خود و رد عقیده طرف چاره‌ای جز انتشار اینگونه اسناد که بهترین دلیل و مدرک زنده و زباندار از مداخلات علنی و نامشروع دولت انگلیس طی چند قرن در امور داخلی ما است ندارد و از نظر سیاست داخلی نیز انتشار اینگونه اسناد و مدارک لازم و ضروری است زیرا برای یک ملتی هیچ عاملی جهت بیداری و هوشیاری او بهتر از خاطرات گذشته و چگونگی رفتاری که در طی یک قرن با او شده نمی‌باشد من از شما سؤال می‌کنم اگر دولت برای اولین بار اقدام به انتشار اینگونه اسناد نکرده بود آیا مردم چیزی از جریان گذشته مطلع می‌شدند؟ شخص من عقیده دارم هر قدر این مطلب از نظر ملت پوشیده و مکتوم بماند به ضرر مملکت است و هر قدر رفتار بیگانگان در ایام گذشته آشکار گردد برای بیداری و هوشیاری مردم مفیدتر می‌باشد.

دومین سؤال خبرنگار ما این بود:

آیا دولت تا بحال نتایجی را که از انتشار این اسناد در سیاست داخلی و خارجی انتظار داشته بدست آورده و نتیجه مطلوبی که از انتشار اسناد جدید عاید دولت گردید چه می‌باشد؟

آقای نخست وزیر در جواب اظهار داشت:

علت انتشار این نامه همان علتی است که انتشار نامه‌های دیگر را ایجاب می‌کرد همه می‌دانند که امروز دولت انگلیس به بهانه‌های بی‌اساس خود را داخل قضیه نفت ایران کرده و علیه دولت ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت نموده است و دولت ایران باید با تمام قوا از حقوق مسلم خود در مقابل آن‌ها دفاع کند و مهمترین مدافعات دولت ایران در شورای امنیت و دیوان لاهه مسئله دخالت دولت انگلیس در امور داخلی ماست که باید به اثبات برسد یعنی بر شورای امنیت و دیوان لاهه و از آنجا به مردم دنیا ثابت شود که شرکت سابق نفت انگلیس در ایران یک شرکت تجارتي که بر طبق اصول تجارت هم خود را صرف امور مربوطه بکار خود کند نبود بلکه دولت انگلیس به علت آن شرکت و بوسیله آن شرکت در تمام شئون داخلی ما مداخله می‌کرده است و این مداخلات که موجب بدبختی مملکت ما شده دیگر قابل تحمل نیست و ملت بیدار و هوشیار ایران دیگر نمی‌تواند به این مذلت تن در دهد.

سومین سؤال خبرنگار ما این بود:

آیات سندی که به امضای مستر نورمان وزیر مختار انگلیس در ایران در نوامبر ۱۹۲۱ به مرحوم سردار منصور نخست وزیر وقت نوشته شده و در آن راجع به ابقاء جنابعالی در ایالت فارس به دولت وقت تأکید شده است و این نامه هم چندین بار در بعضی از جراید تهران و اخیراً هم ضمن نامه آقای سردار فاخر حکمت رئیس هیئت مدیره مجلس به آن اشاره شده و ملاحظه فرموده اید، نظر شما نسبت به آن چیست.

نخست وزیر در حالیکه می‌خندید جواب داد:

بله نامه آقای سردار فاخر را دیدم و تعجب هم کردم زیرا آقای حکمت به تصور اینکه منظور من انتشار سندی به ضرر ایشان بوده و بنا بر این بایستی معامله متقابله کنند و از آن نامه نتیجه‌ای خواسته اند بگیرند که به هیچ وجه از آن مستفاد نمی‌شود. زیرا در آن نامه گفته شده است که دکتر مصدق والی فارس با انتصاب آقای حکمت به پیشکاری مالیه فارس مخالف نیست.

آنچه الان بخاطر دارم این است که در آن ایام هیچ‌کس راجع به پیشکاری آقای سردار فاخر با بنده مذاکره نکرده بود و این اظهارات سفارت انگلیس یا اختراع خود او بوده و یا اینکه شاید آقای سردار فاخر به او فرموده اند که من با پیشکاری ایشان مخالف هستم و در هر صورت نمی‌دانم به چه نحو این مطلب دلیل می‌شود که من با انگلیس‌ها روابط نامطلوبی به زیان کشور خود داشته‌ام گذشته از آن همانطوری که قبلاً اشاره کردم قصد دولت از انتشار اینگونه اسناد صرفاً برای اثبات همین مسئله مداخلات اجانب در امور داخلی کشور ماست و الا هیچ نظری به اشخاصی که در آن نامه‌ها اسم برده شده اند نبوده و نیست.

من از شما می‌پرسم اگر دولت این نامه‌ها را برای اثبات دخالت اجانب و محق بودن ملت ایران منتشر نکند آیا به این مملکت خیانت نکرده است؟

آیا انتشار این اسناد چون محتوی اسامی اشخاصی است که دولت انگلیس یا شرکت نفت آن‌ها را توصیه کرده‌اند باید موقوف شود؟

اگر عرض دولت حمله به اشخاص بود و می‌خواست شخص یا اشخاص معینی را هدف قرار دهد می‌بایست کلیه اسناد راجع به یک شخص معینی را یکمرتبه و با تاریخچه آن‌ها منتشر کند. اسنادی که محتوی نام آقای حکمت هست منحصر به این سند نیست اگر فرصت بدهید یک نامه دیگری به شما نشان خواهم داد که باز در آنجا آقای حکمت و مرحوم مشارالدوله در باب جلوگیری از مخالفت این جانب با کودتا تلگرافی به شیراز به مرحوم حشمت الممالک نموده اند و چون آن تلگراف به علت مخالفت بنده با کابینه سیاه سانسور شده و به مقصد نرسیده آقای ماژور مید قنسل انگلیس در شیراز در ضمن این نامه مطالبه آن تلگراف را می‌کند:

«فدایت شوم واقعاً از زحمت دادن به حضرت اشرف خجالت می‌کشم اما چاره ندارم. عرض شود که چند روز قبل خدمتتان عرض کردم که از قراری که جناب وزیر مختار فرموده بودند بنا بود که آقای سردار فاخر و مشارالدوله یک تلگراف کنند به جناب آقای حشمت الممالک آن وقت از ایشان پرسیدم که همچو تلگراف رسیده است یا خیر؟ فرمودند

که هنوز خیر. چند روز که گذشت از جایی شنیدم که واقعاً رسیده بود ولیکن به آقا مزبور ندادندش. حالا هم وزیر مختار سنوال می‌کند که تلگراف رسید یا خیر؟ خدمت ایشان چه جواب بدهم؟ اگر از جایی جلوگیری از دادن این به صاحبش شده باشد تا یک اندازه برای این‌جانب جواب دادن به وزیر مختار مشکل است چه کنم؟ دوستدار- مازور مید.»

و اما راجع به نامه‌ای که سفارت انگلیس بر طبق نظریات قنصل انگلیس در شیراز راجع به عدم قبول استعفای این‌جانب از ایالت فارس به مرحوم سردار منصور رئیس الوزراء وقت نوشته که در دوره ۱۴ تقنینیه هم جناب آقای سید ضیاءالدین طباطبائی در موقع مخالفت این‌جانب به اعتبارنامه ایشان آنرا ارائه نمودند، لازم است عرض کنم که اگر انگلیس‌ها بواسطه اینکه در اثر مساعی من فارس آرام شده بود و آن‌ها میل داشته‌اند آرامش بهم نخورد تا به نقشه‌های دیگر خود موفق شوند و به این جهت نمی‌خواستند استعفای من قبول شود و بنابراین بر خلاف میل من سعی در جلوگیری از قبول استعفای من کرده‌اند بر من حرجی نیست.

چهارمین سؤال خبرنگار ما این بود:

نظر شما نسبت به اسناد ماثبین شده‌ای که به زبان انگلیسی به نام اسناد اداره انتشارات شرکت سابق نفت یا امثال آن در پاره‌ای از جراند تا بحال منتشر شده چیست؟

آقای دکتر مصدق در جواب گفت:

کلیه اسناد و مدارکی که از اداره اطلاعات شرکت سابق نفت به دست آمده عکس برداری شده و اصل آن زیر مهر دادستان کل کشور می‌باشد و تمام آن‌ها صحیح است و به نظر من اصالت دارد.

ولی بعضی از اسنادی که در پاره‌ای از جراند منتشر کرده و بعداً هم بطور قطع انتشار خواهند داد فقط برای توهین نمودن به بعضی از اشخاص و هدف اصلی بی‌اعتبار نمودن آن اسناد اصلی و حقیقی است که در اداره اطلاعات شرکت سابق نفت بدست آمده زیر آن‌ها قصد دارند چنین وانمود کنند که آن اسناد صحیح در حکم اسناد مجعولی است که منتشر کرده و بعداً هم منتشر خواهند کرد.

آقای نخست وزیر ضمن توضیح خود راجع به اینکه غرض دولت از انتشار اسناد سیاسی حمله به اشخاص یا شخص معینی نیست، رشته سخن را به نام اخیر آقای سردار فاخر کشانیده و اظهار داشت: اگر من قصد مخالفت با آقای سردار فاخر را داشتم لازم نبود به تاریخ رجوع کنم و مطالب دیگر ممکن بود عنوان کرد. مثل اینکه در دوره چهاردهم تقنینیه که یک اقلیت چهل نفری صمیمانه همکاری می‌کردند و نظر داشتند که قانون انتخابات در صلاح مملکت تجدید نظر شود آن عده از نماینگانی که با تجدید نظر مخالف بودند چند روز پس از موعد صدور فرمان انتخابات طرحی بدین‌قرار:

«ماده واحده- انتخابات پانزدهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی یک ماه بعد از تخلیه خاک ایران از قوای بیگانه بعمل خواهد آمد.» تهیه و به مجلس تقدیم کردند که مورد

مخالفت اقلیت قرار گرفت. بطوریکه بواسطه عدم حضور اقلیت در مجلس طرح مزبور بواسطه نبودن حد نصاب مورد شور هم نمی‌توانست واقع شود و چنین قرار شد که نمایندگان اقلیت هم طرح دیگری بشرح ذیل:

«پیشنهاد می‌کنیم ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود:

برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان انتخابات سه ماه تأخیر شود- امضاء»

تهیه کنند و در جلسه حاضر شوند. اگر مجلس آنرا تصویب نمود به مقصود خود رسیده‌اند والا آنقدر جلسات را از اکثریت بیاندازند تا مجلس برای تجدید نظر در قانون انتخابات حاضر شود. و یک نسخه از این پیشنهاد را که در دو نسخه تهیه شده بود و خود آقای سردار فاخر هم که جزو اقلیت بودند امضاء کردند پس از حضور نمایندگان اقلیت در جلسه به مقام ریاست داده شد ولی بعد پیشنهاد دیگری از آقای سردار فاخر که بواسطه تبانی با بعضی مقامات بشرح ذیل:

«ماده واحده- پیشنهاد می‌نمایم به محض اینکه تمام خاک ایران بر طبق پیمان سه گانه از نیروی متفقین تخلیه شد بلافاصله فرمان انتخابات صادر و انتخابات دوره پانزدهم شروع گردد». تهیه و قبلاً به مقام ریاست داده شده بود قرانت گردید که پس از قرانت رئیس به ایشان تکلیف نمود مطابق معمول توضیحاتی در پیشنهاد خود بدهند ولی برای اینکه کسی را مجال نباشد که از مقام ریاست اجازه بگیرد و بعد از دادن توضیحات ایشان مخالفت کند از دادن توضیحات خودداری نمودند و بلا تأمل به پیشنهاد ایشان اخذ رأی شده و مورد توجه واقع گردید که می‌بایست به کمیسیون برود و مجلس در جلسه بعد روی گزارش کمیسیون آنرا تصویب نماید ولی بدون انجام این تشریفات پیشنهاد ایشان به دولت ابلاغ گردید و نمایندگان اقلیت که دیدند انتخابات دوره ۱۵ بی‌بعد از انقضای مجلس محول شده و دیگر نمی‌توانند از گرسی وکالت برای انتخابات دوره بعد استفاده کنند متفرق شدند و اقلیت نتوانست در این باب توفیق خدمت حاصل نماید.

اقدام‌ها آقای حکمت منحصر به این‌ها نیست یکی دیگر از اقدام‌ها ایشان این است که در دوره ۱۵ تقنینیه بعد از استعفای کابینه قوام که مجلس رأی تمایل داد عده آرای جناب آقای حکیمی و این‌جانب هر دو مساوی بود ولی ایشان در گزارش خود به پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاهی یکی از آراء این‌جانب را کم نموده و بعد از انتصاب جناب آقای حکیمی اشتباه خود را اصلاح کردند.

نطق دکتر محمد مصدق نخست وزیر در جلسه

نمایندگان دورة ۱۷ - شنبه ۲۳/۱/۱۳۳۱

بعد از تشکر و اظهار امتنان از آقایان نمایندگان محترم که بیشتر آن‌ها از راه دور تحمل زحمت نموده و این‌جانب را سرافراز فرموده اند اجازه می‌خواهم مطالبی را که بنظر این‌جانب واجد اهمیت بوده و لازم به عرض می‌دانم در اینجا بیان نمایم.

مطالب منظوره جزو اسرار نیست ولی علاج آن‌ها از مشکلاتی است که باید به همت و کمک قاطبه ملت که امروز شما آقایان نماینده آن‌ها هستید صورت بگیرد. البته آقایان انتظار دارید و در این انتظار نیز محقق هستید که تصور فرمائید که همانطور که دولت در خلع ید شرکت اقدام نمود بایستی به فوریت در فروش محصولات نفتی هم اقدام می‌کرد که این بحران کنونی پیش نیاید. این منظور شما عین مطلوب دولت نیز بوده و هست. ولی چه باید کرد که پیش آمدهائی رخ داد که کاملاً غیر منتظره بود و نمی‌شد قبلاً پیش‌بینی نمود.

روزی که تصمیم گرفته شد اتباع انگلیس از خوزستان خارج شوند و قسمتی از خاک کشور را که قبضه کرده بودند ترک کنند پاره‌ای مشکلات پیش‌بینی می‌شد.

تصور می‌شد بجای ۳۲ میلیون تُن مواد نفتی که در سال اخیر شرکت سابق نفت تهیه می‌کرده ما بتوانیم خودمان لاقلاً پنج میلیون تُن تهیه کنیم که قسمتی از حاصل فروش صرف مخارج بهره برداری شده و قسمت دیگر آن احتیاجات مالی ما را مرتفع کند و کارشناسان خارجی هم تصدیق می‌کنند که بدون کمک دیگران می‌توانیم این مقدار نفت را تهیه کنیم.

متأسفانه مشکلات به حدی بوده است که تا حال نتوانستیم از نظر اقتصادی کامیاب شویم و این مشکلات بعضی داخلی و برخی خارجی است که لازم می‌دانم هر یک از آن‌ها را توضیح و تشریح کنم.

ما می‌دانستیم آن هائی که بواسطه حمایت بیگانگان و فساد دستگاه ما که آن هم معلول دخالت اجنبی در امور داخلی است موفق شده‌اند ثروت هنگفتی بدست آورند کوچکترین کمکی در این موقع تنگدستی به دستگاه این دولت نخواهند کرد و غلبه ملت را بر اجنبی موجب اضمحلال خود می‌دانند و بنابراین در مبارزه ملت ایران با اجانب محل است که به کمک ملت خود برخیزند. کما اینکه اوراق قرضه را بجز معدودی از متمکنین اشخاصی خریدند که به هیچ‌وجه استطاعت مالی نداشتند.

ما می‌دانستیم که بین ارباب جراند و نمایندگان مجلسین کسان معینی هستند که در خدمت و حمایت بیگانگان آنقدر تعصب دارند که از هیچ‌گونه ناسزا و افترا نسبت به هموطنان خود، خودداری ندارند.

بعد از خاتمه تحصیلاتم، یک روز قبل از جنگ بین الملل اول وارد تهران شدم و با اینکه سال‌ها از سیاست دور بودم و انتخابات تهران هم چند ماه قبل از ورود من به تهران صورت گرفته بود، شبی در یکی از جراند خواندم که اعتبارنامه یکی از نمایندگان

تهران در یکی از شعب مجلس می‌خواهند بواسطه تطمیع در انتخابات رد کنند. و یکی از کارمندان مجلس که در شعبه برای تحقیقات دعوت شده بود، از او سؤال کرده بودند در لیست آن نماینده که موقع انتخابات می‌داده، اسم چه اشخاصی نوشته می‌شد؟ آن کارمند گفته بود اسم دکتر مصدق جزو یکی از دوازده نفری بوده که آن نماینده به مردم می‌داده است. این خبر در من بقدری تأثیر نمود که مرا مبتلا به تب کرد. مادرم بسراغم آمد و از چگونگی حالم سؤال نمود. پس از ذکر علت گفت تو که آنقدر فاقد قوه مقاومتی چه خوب بود که درس طبابت می‌خواندی و از ورود در سیاست مطلقاً احتراز می‌کردی تو باید بدانی که وزن اشخاص در جامعه بقدر شدائی است که در راه مردم تحمل می‌کنند هر قدر در این باره به تو بیشتر سخت بگذرد و هر قدر قوه مقاومت تو بیشتر باشد مردم قدر تو را بیشتر می‌دانند. این حرف به گوش من فرو رفت و از آن وقت کمر خدمت برای جامعه بستم و دانستم که از هر حرفی نباید متأثر شد خصوصاً اینکه گوینده مغرض و حرف او بی‌اساس باشد.

بدیهی است اشخاصی که از حرف و عمل من متضرر می‌شوند قبل از هر چیز می‌خواهند به حرف مرا از میدان بدر کنند و حتی تا پای جان من هم ایستاده‌اند و روز و شب توطئه‌هایی درباره خنثی نمودن مساعی این‌جانب راجع به حل مشکل نفت دارند و هر روز با ایجاد آشوب‌های رنگارنگ و خطرناک که با نیات خارجیان بیشتر بستگی دارد می‌خواهند زحمات یک ساله را به هدر داده راه جدیدی برای استفاده خود باز نمایند.

و اما راجع به مشکلات خارجی. ما تصور می‌کردیم اگر به عواید نفت احتیاج داریم دولت انگلیس هم به نفت ما نیازمند است چه نفت ما علاوه بر سوخت برای او در حکم کالائی بود که از انگلستان به ممالک دیگر صادر می‌کرد و بدین وسیله از فروش نفت ایران تحصیل ارز می‌نمود و احتیاجات دیگر خود را از سایر کشورها مرتفع می‌کرد.

ولی متأسفانه دولت انگلیس احتیاجات خود را بوسیله کمک آمریکا بر طرف نمود. یعنی از آمریکا دلار گرفت و نفت مورد احتیاج را خریداری کرد و نتیجه این شد که بتواند ما را تحت فشار قرار دهد یعنی هر کسی خواست از ما نفت بخرد او را از معامله با ما منصرف و دستگاه نفت ما را متوقف کرد بطوریکه هر کسی هم که تاکنون با ما قراردادی بسته آنرا اجرا نکرده است و اکنون ما در سر یک دوراهی واقع شده‌ایم که فی‌المثل یکی ما را به جهنم می‌برد و آن دیگری به بهشت.

اگر ما به حیثیات ملی خود پشت پا بزنیم و آزادی و استقلال خود را از دست بدهیم و از تمام مفاخر تاریخی خود صرف‌نظر نموده طوق بندگی و رقیبت را به گردن نهیم و با هر گونه شرائطی که با نک‌های بنی‌المللی به ما تحمیل کنند موافقت کنیم این همان راهی است که ما را به جهنم می‌برد و گمان ندارم چنین فرض شومی مورد رضای پادشاه محبوب ما و یا مجلس هفدهم و سنا باشد.

این نکته مسلم است در هر اقدامی که به ضرر یک طرف قوی صورت پذیرد حصول نتیجه از آن اقدام آنقدرها آسان نیست.

ملا رنج دیده که دچار پنجه‌های غدار و طماع دُول استعماری هستند باید فداکاری‌های بنمایند تا بتوانند آزادی و استقلال کامل خود را تأمین کرده و منابع خداداد کشور

خویش را از دست دیگران بدر آورده استفاده هائی را که دیگران از کشور آن‌ها می‌بردند خودشان ببرند. نیل به این مقصود مقدس در ابتدای شروع به عمل مستلزم محرومیت‌ها و از خودگذشتگی‌ها و ناکامی‌ها می‌باشد.

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود. تاریخ نشان نداده است که ملتی بدون تحمل شدائد در تأمین آزادی و استقلال خود توفیق حاصل کند.

اگر کسانی تصور کنند که ممکن بود نفت این منبع زرخیز کشور را به آسانی از زیر سلطه بیگانه بیرون آورد و با نهایت سهولت مورد استفاده قرار داد و مسیر سیل طلا را از لندن متوجه تهران نمود یقین است که فکری خطا و ناروا کرده‌اند یا ما بایستی به همان سهمیه ناچیز خود از نفت اکتفا کرده و اقدامی نمی‌نمودیم و یا وقتی که اقدام کرده‌ایم چاره‌ای جز این نداریم که انواع تشبثات و ضدیت‌ها و کارشکنی‌های حریف را تحمل نماییم.

آقایان محترم اگر درست دقت فرمایند ملاحظه خواهند کرد که تنها سبب بدبختی ما قطع درآمد نفت نیست بلکه سختی زندگانی و بحران‌های ما را دیر زمانی است که همان دست‌های مرموز نفتی در این کشور بوجود آورده بودند تا ملت را بقدری ناتوان نمایند که هیچ‌گاه یارای مخالفت با آن‌ها را نداشته باشد.

موارد دخالت‌های بی‌رویه شرکت سابق را مکرر شرح داده‌ام ولی من باب مثال در اینجا به ذکر یکی دیگر از مشکلاتی که برای ملت ایران ایجاد می‌نمودند قناعت می‌کنم: در سنوات اخیر همانطور که می‌دانند صادرات ایران بسیار کم و واردات بسیار زیاد بود و تفاوت واردات و صادرات از ۲۰ میلیون لیره تجاوز کرده است. یعنی ایران برای تأمین واردات خود هر سال احتیاج به ۲۰ میلیون لیره ارز داشته است.

این میزان ارز برابر است با ارزی که شرکت سابق نفت برای بهره برداری از دستگاه‌های نفت ناچار بود به ایران وارد نموده به فروش برساند. معلوم است که اگر صادرات ایران ترقی می‌کرد و با واردات معادله می‌نمود و ۲۰ میلیون لیره کسر تجارت خارجی ما از بین می‌رفت دیگر بازار ایران احتیاج به عرضه ۲۰ میلیون لیره در سال از طرف شرکت سابق نداشت و بنابراین غیر ممکن بود که نرخ لیره بطور مصنوعی در ۹۰ ریال ثابت بماند و طبق قانون عرضه و تقاضا نرخ لیره تنزل فاحش نکند و در نتیجه شرکت سابق نفت مجبور شود برای رفع حوائج ریالی خود دو برابر یا بیشتر از سابق لیره در بازار ایران بفروش برساند. یعنی ضرر شرکت سابق شاید به بیست یا سی میلیون در سال بالغ می‌گردید.

بنابراین نفع شرکت سابق مانع بود که اقتصادیات ایران ترقی کند و صادرات افزایش پیدا کرده توازن تجارت خارجی برقرار گردد.

این حربه ای بود که برای روز مبادا ذخیره کرده بود که هر روز ملت ایران بخواهد از قید اسارت خود را رها کند. واردات و صادراتش توازن را از دست بدهد و به مضیقه ارزی گرفتار شود و به عواقب زیادی که این دو مطلب به ضرر اقتصاد کشور دارند مبتلا و دچار گردد.

اما ملت ایران با علم تمام مشکلات چون رهایی خود را از چنگ استعمار در چشمپوشی از تمام دانه هائی که برای بدام انداختن دائمی او بود یافت وقعی به این ضررها نگذاشت. و

چنانکه در تاریخ دیده ایم هر وقت پیمانۀ صبرش لبریز شود و باصطلاح کار به استخوانش برسد با یک جنبش مردان قید اسارت را شکسته و حق خود را گرفته است. اکنون هم چنانکه مشاهده می نمائید در یکی از آن ادوار تاریخی هستیم که همت مردانه ملت ایران کار خود را کرده است.

اکنون که درآمد نفت از میان رفته مثل این است که یک پرده سیاه و ضخیمی از جلو صحنه واقعی زندگانی ملی ما به عقب زده شده و منظره خوفناکی از زندگانی حقیقی این ملت ستمدیده را به ما نشان می دهد که در تمام طول مدت استفاده از این درآمد چندان متوجه آن نبوده ایم. و حالا می بینیم که تنها علت این فقر عمومی و بحران اقتصادی کشور ما از میان رفتن درآمد نفت نبوده بلکه موضوعات ذیل نیز در تهیه مشکلات کنونی ما سهم بزرگی داشته اند:

۱- جنگ خانمانسوز جهانی اخیر و تحمیلات متفقین بر جامعه فقیر ما که با وجود وعده های صریح سران معظم آن ها که بعد از جنگ کلیه خسارات ما را جبران و کمک های شایانی هم به پیشرفت اقتصادیات ما خواهند نمود، تا کنون نکرده اند سهل است مبلغ هنگفتی هم از قیمت اجناس و اجرت خدمات ما را هم نداده اند.

۲- مالیات های متنوع و انحصارات که متناسب با درآمد ملی ما نمی باشد و در مقابل آن ها هزینه های بی موردی که پرداخت آن ها باعث جار و جنجال زیادی می شود و تقلیل آن ها میسر نیست.

۳- عدم توازن واردات و صادرات و مخصوصاً عدم توجه به توسعه و ازدیاد محصولات و مصنوعات صادراتی کشور.

نظر به مراتب فوق اکنون برای اصلاح امور خود باید به دو اقدام دست بزنیم: تعدیل بودجه و اصلاحات اقتصادی.

مطالعات و مشاورات اینجانب با متخصصین مالی و اقتصادی موجود کشور به اینجا رسیده است که فداکاری ها و استقامت هائی از قاطبه ملت خاصه طبقات کارمند به ظهور نرسد حل این مشکل غیر ممکن است.

ما به لطف خداوند به خارج کشور خود وامی نداریم و هر قدر هم خواسته اند از این راه قیدی در دست و پای فعالیت ما بگذارند قبول نکرده ایم و تنها وامی که داریم به ملت خودمان است و اگر بعد از این هم وامی پیدا کنیم باز به خود از خواهد بود.

برای کسر بودجه که بدان اشاره شد به سه طریق می توان عمل نمود:

یکی تقلیل مخارج دیگری تزئید عایدات و طریقه سوم آنکه حتی المقدور از مخارج کاسته و معادل کسری که باقی می ماند بر عوائد افزود و این طریقه اولی و انبسط است.

چه مادام که ممکن است از مخارج کسر نمود، بر عوائد نباید افزود. چه افزایش بر مالیات موجب گرانی و گرانی سبب می‌شود که ارقام مخارج بیش از آنچه بر عایدات افزوده شده بالا برود و در توازن بودجه توفیق حاصل نگردد.

لذا برای نیل به مقاصد خود دولت در نظر دارد که با کمک کارمندان دلسوز وطن پرست خود، اقدام‌ها زیر را بنماید:

یکی اینکه، در وصول درآمدهای دولتی بدون اینکه کمترین اجحاف و تبعیضی نسبت به مؤدیان مالیاتی بشود جدیت بیشتری مبذول گردد که تمام مالیات و عوارض قانونی وصول شود. یقین است که با صمیمیت و حسن نیت مأمورین وصول، اگر تمام مالیات‌ها و عوارض قانونی به صندوق دولت برسد، دولت از هر اقدام دیگری بی‌نیاز خواهد بود.

دوم اینکه، در سازمان‌ها و ادارات دولتی به کمک عموم کارمندان هر سازمان و اداره به قدر کافی در بودجه مربوطه صرفه جوئی نموده از کارمندان متمکن و یا آن‌ها که کارهای مستقلی در خارج دارند و زندگانی خود را از راه کسب و صنعت و کشاورزی تأمین کرده‌اند، تقاضا شود که به میل و رضای خود تا مدتی از گرفتن حقوق دولتی و یا قسمتی از آن موقتاً خودداری نمایند.

سوم، تهیه مقدمات الغاء محدودیت هائی که مانع اقدام‌ها اقتصادی مردم است برای اینکه مردم دارای کار و کسب و مشاغل مفیدی شده با ازدیاد درآمد خود به ازدیاد درآمد دولت کمک کنند و دولت هم از تحمل بار گران بودجه‌های اقتصادی و تکفل عده زیادی که روز بروز روی به تزاید دارند آسوده گشته بیشتر وقت پیدا کند که به کارهای اصلی و اساسی خود برسد.

چهارم، دولت در نظر دارد که در ازدیاد محصولات و مصنوعات کشور با کمک سرمایه داران و ملاکین و کارگران و زارعین کشور اقداماتی بنماید. مخصوصاً در ازدیاد کاشت چغندر و محصول قند و سیمان و منسوجات و سایر مصنوعات و همچنین به توسعه کشت و صادرات پنبه و برنج و گندم و خشکیار و تهیه مقدار زیادتری پشم برای صدور و بهبود وضعیت قالی و ازدیاد و صادرات آن و غیره و غیره بکوشد.

از مراتب وطن پرستی و استقلال دوستی هموطنان انتظار کامل داریم که دولت را در این مرحله تقویت نموده نگذارند منویات سود بران خارجی و طرفداران داخلی آن‌ها پیشرفت نماید و عملیات یکساله ملت و دولت را خنثی نماید.

مطالعات عموم علاقه‌مندان به اینجا رسیده است که مشکل نفت صرفاً با صبر و تحمل حل شدنی است. اولین دوا و آخرین علاج را در این دانستند زیرا هر امری به نسبت عظمت خود متضمن مشکلات عظیم است و فعلاً در برنامه دولت و ملت ایران موضوع نفت واجد عظمت خاصی است که در راه حل آن طبعاً به موانع عظیم برخورد کرده و می‌کنیم ولی ما آن‌ها را باید از میان برداریم. خُرد کننده صخره‌های موانع تنها استقامت و پایداری و از خود گذشتگی است. این جانب به نوبه خود تا حال عمل کرده‌ام و همین انتظار را از همه نیز دارم.

موضوع دیگری که تذکر آن در این وقع لازم می‌باشد این است که در بین هموطنان عزیز کسانی هستند که در مرکز و شهرستان‌ها سرمایه و قدرت مالی کافی برای اقدام جدی در راه تولید و بهره برداری از منابع بیکران ثروت دست نخورده کشور دارند ولی به جهاتی از جمله بیم از عدم امنیت قضائی در انتظار نشسته و دست به فعالیت مفید اقتصادی نمی‌زنند و یا آنکه غالباً سرمایه‌های خود را در راه سفته بازی و یا داد و ستدهای بی مورد مصرف می‌کنند و بجای ایجاد کار و فعالیت مفید اقتصادی که موجب استفاده برای خودشان و سایر هموطنان باشد باعث بالا رفتن هزینه زندگی و سختی معیشت آنان نیز می‌گردند.

در صورتی که در این موقع که مخصوصاً بواسطه قطع شدن قسمتی از فعالیت صنعت نفت بحران بیکاری در کشور شدت یافته بر عموم سرمایه داران فرض است که با بکار انداختن سرمایه خود در راه تولید ثروت و ایجاد کار و فعالیت اقتصادی با یکدیگر توحید مساعی نمایند.

البته دولت هم بیش از پیش در ایجاد امنیت قضائی و رفع محظورات و فراهم کردن تسهیلات قدم بر می‌داد و در نر است که با ایجاد مؤسسات اعتباری مخصوص به تولید کنندگان مساعدت لازم بنمایند.

یقین دارم که در این راه اگر از روی صمیمیت و علاقمندی قدم‌های جدی و مثبت از طرف عموم ملت مخصوصاً کارمندان و سرمایه داران برداشته شود دیری نخواهد گذشت که حتی بدون درآمد نفت همگان تأمین و نام ایران عزیز در جهان بیش از پیش به نیکی یاد خواهد شد.

بنا بر آنچه به عرض رسید بقدر ممکن درد تشخیص و دوا نیز معلوم گردید و می‌توان از مطالب بالا نتیجه گرفت که هر دولتی بعد از این دولت نخواهد به مصلحت کشور قدم بر دارد ناچار است به مطالب ذیل که خلاصه گفته‌های بالا است توجه داشته باشد.

۱- تجدید نظر در کلیه ارقام بودجه به منظور تعدیل و توازن بودجه

۲- تجدید نظر قوانین مالیاتی که لوایح آن تهیه شده است به منظور ازدیاد درآمد

۳- دادن اعتبار کافی برای کارهای تولیدی طبق نقشه ای که تنظیم شده است به منظور ازدیاد تولید و جلوگیری از بیکاری

۴- تجدید نظر در سازمان های اداری به منظور تقلیل بودجه و تسریع و تسهیل در کار مردم.

۵- لغو کلیه مقرراتی که مزاحم و مانع فعالیت اقتصادی افراد است.

۶- تنظیم برنامه برای استفاده از قسمتی از افراد و وسائل شرکت ملی نفت برای امور تولیدی به نحوی که به اساس کار شرکت لطمه وارد نیاید

به نظر این‌جانب مطالبی که گفته شد دوران مطالعه‌ای را که نمایندگان محترم در امور اقتصادی باید بفرمائید قدری کوتاه خواهد ساخت. زیرا نتیجه مطالعات یک ساله دولتی است که در دوره تصدی خود مواجه با مشکلاتی بوده است که دولت‌های سلف او در برابر یکی از آن‌ها تاب مقاومت نداشته‌اند. ولی دولت با پشتیبانی ملت غیور ایران در عین مواجهه با آن‌ها توانسته تا امروز دوام کرده و نتیجه تجربیات خود را به این شرح خلاصه نماید:

آقایان نمایندگان باید بدانند که تشنجات حاصله فعلی بر اثر کار شکنی‌های اقلیتی است که از منافع سرشار بیگانگان برخوردار بوده و ترک عادت برای او بسیار ناگوار است. ولی اقتضای عدالت این است که عده‌های کوچکتر فدای عده‌های بزرگتر شوند. خاصه که عده‌های کوچکتر اتصال به خارجی داشته و آلت مقاصد شوم آن‌ها بوده باشند.

امیدوارم افکار روشن نمایندگان محترم راهنمای دولت‌های بعدی بوده و آن‌ها را از هر انحراف و انعطافی باز دارد و با مصلحت حقیقی ملت و افکار عالی‌ه شاهنشاه خیرخواه در تمام مراحل منطبق باشد.

آقایان محترم:

نظقی که قبلاً تهیه شده بود به انتها رسید و اکنون می‌خواهم یادداشتی که قبل از تشکیل جلسه تهیه شده است بااستحضار برسانم: یکی از معلمین ما در سوئیس ملل عالم را از حیث تربیت و تعلیم به سه درجه تقسیم می‌کرد: ملت دانا و نادان و ملت متوسط. دانا به قومی می‌گفت که خود می‌داند مصالح خویش را تشخیص دهد و اراده اجرای آن را هم داشته باشد. و نادان به ملتی اطلاق می‌کرد که افراد و اقوامی به هر طرف که می‌خواهند او را هدایت می‌نمایند. و متوسط مللی را می‌دانست که صاحب تشخیص باشند ولی نه آنرا می‌توانند بکار برند و نه خود صاحب عزم و اراده باشند.

در بدو مشروطیت یک عده از مردم خیر خواه ملت را به هر طرفی که صلاح بود هدایت می‌نمودند. و نتیجه این شد که رژیم استبداد برطرف و مشروطیت و قانون اساسی برقرار و تنظیم شود.

دوره سوم تقنینیه که بعد از خاتمه تحصیلاتم به ایران آمدم درست مصداق آن حرف معلم را دریافتم: تشخیص مردم نه آنقدر کم بود که بتوانند آن‌ها را هدایت کنند و نه تصمیم آن‌ها آنقدر زیاد بود که خود آن‌ها به‌موقع عمل گذارند.

ولی قبل از انتخابات نمایندگان تهران برای دوره ۱۶ تقنینیه که این‌جانب دعوتی از هموطنان عزیز برای تقدیم عرض حال به دربار کردم معلوم و مسلم شد که مردم می‌توانند مصالح خود را خوب تشخیص دهند و عزم و اراده برای اجرای تشخیصات خود دارند.

از این مقدمه می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که شما منتخبین ملتی هستید که نیک را از بد تمیز و تشخیص می‌دهد و شما نمایندگان مردمی هستید که هیچ‌کس در صحت

تشخیص آن‌ها تردید ندارد. بنابراین خوب می‌توانید پی به مشکلات کنونی ببرید و خوب می‌توانید وسائل رفع مشکلات را فراهم نمایید.

روز قبل گزارشی رسیده است که بعد از رفتن آقای کاردار سفارت انگلیس به شیراز از اوضاع و احوال آن استان دارد فرق می‌کند. و من به دو دلیل نمی‌خواهم به این گزارش واقعی بگذارم و شما را از این بابت نگران نمایم. یکی این است که آقای میدلتون کاردار محترم تا کنون مأموریت‌های استعماری نداشته و شخص دانا و مجربی است و دیگر اعتماد و اطمینانی است که به فهم و وطن‌پرستی هموطنان عزیز آن استان دارم. امیدوارم که من در تشخیص خود دچار اشتباه نشده و مرور ایام هم آنرا تأیید نماید.

اکنون بر شما است که انتظار افتتاح مجلس را نکشید. ما آنقدر گرفتاریم و مطالب لاینحل داریم که شما باید خواب و خوراک بر خود حرام نموده و ساعتی فارغ و آسوده بسر نبرید. عدم افتتاح مجلس سبب نمی‌شود که شما با دولت تماس نگیرید و بودجه و لوايح تنظیم شده را یکی بعد از دیگری نخواهید و در آن‌ها مطالعات کافی ننمائید و زمینه را طوری حاضر نکنید که بلافاصله بعد از افتتاح مجلس تصمیماتی که لازم است عاجلاً اتخاذ نمائید.

شما باید بدانید که رویه ادوار تقنینیه سابق مطلوب نیست و چنانچه بخواهید همان مشی سابق را تعقیب کنید دیر یا زود مردم را از خود مأیوس می‌سازید. کارها باید خارج از جلسات بحث و فحص شود و در جلسات پس از یک نطق از طرف مخالفین و موافقین تصمیمی که در صلاح مملکت باشد اتخاذ نمائید. و غیر از این وقت مجلس ضایع می‌شود و در آخر دوره هم کاری نکرده‌اید که به ملت ارائه نمائید.

بیش از این لازم نیست چیزی عرض کنم و یقین دارم که نمایندگان ملت دانا می‌دانند چطور عمل کنند که کشتی توفان دیده وطن خود را به ساحل نجات برسانند.

پیام دکتر مصدق به ملت انگلیس

آقای میدلتون

اکنون که آخرین لحظات اقامت شما و همکارانتان در ایران به پایان می‌رسد و به جانب وطن خود رهسپار هستید لازم می‌دانم مختصری از حقایق نوزده ماه اخیر تحولات ایران را که قطعاً بر اثر اقدام‌ها شرکت سابق از نظر ملت انگلستان پنهان مانده است به صورت پیام بوسیله شما به هموطنان تان بفرستم تا ملت انگلیس واقف و آگاه شود که در طول مبارزه یکسال و نیم گذشته آنچه را مردم ایران در قدرت و اختیار داشتند به کار بردند که به روابط دوستانه دیرینه دو ملت خللی وارد نیاید و دولت این جانب نیز کمال سعی و کوشش را کرد که از طریق مذاکرات دوستانه و جستجوی راه حل منصفانه موضوع نفت را فیصله دهد و این غبار کدورت و ملالتی را که طی سالیان متمادی طمع ورزی و منفعت پرستی یک شرکت استفاده جو در آسمان روابط دو کشور پدید آورده

برطرف سازد تا محیط بدبینی و سوء ظن و عدم اعتماد جای خود را به صمیمیت متقابل بسپارد و مرحله تازه‌ای در روابط ایران و انگلستان پدید آید.

ادامه مذاکراتی که نوزده ماه بطول انجامید و فرصت حساس مملکت ما را که قهراً می‌بایستی صرف اصلاحات عمیق و اساسی بشود در راه بحث و گفت و گو با میسیونرها و به مبادله یادداشت‌ها تلف نمود این نتیجه را داد که امروز وقتی با کمال تأسف و روابط بین دو دولت به این مرحله می‌رسد دولت و ملت ایران بتواند ثابت و مدلل کند که از روز نخست با کمال حسن نیت خواهان حل مشکل نفت بوده و از هیچ سعی و مجاهدتی در این راه خودداری نکرده است و بعکس کمپانی طمع ورزی که می‌دانست تمام توقعات و تمناهای نامشروع او مورد حمایت حکومت انگلستان است جز راه تهدید و رجزخوانی و توسل بی مورد به محاکم بین‌المللی که صلاحیت رسیدگی به این قضیه را نداشتند فکری دیگر را دنبال نکرده و در انتظار مرور زمان و استفاده از گذشت وقت به منظور به زانو در آوردن ملت ایران موجبات شکست و عدم موفقیت میسیون‌های اعزامی را فراهم ساخت و در اقصی نقاط جهان با صرف پول‌های سرشاری که از ایران محروم و بینوا به یغما برده جنجال کرد که دولت و ملت ایران حاضر به فیصله نیست و این رویه نامطلوب را آنقدر ادامه داد و دولت انگلستان نیز بقدری در حمایت از شرکت افراط کرد که تمام قوای خود را در اختیار حفظ منافع موهوم و نامشروع کمپانی سابق نهاد و تمام اصول دوستی و مودت را که با ایران داشت بکلی از یاد برد و با توسل به تحریکات داخلی و فشار مالی و تضییقات بی‌منطق اقتصادی هیچگونه جای ابهام و تردیدی برای کسی باقی نگذاشت که آن اصول دوستی و ودادی که بین ملت‌های عضو سازمان ملل باید برقرار باشد پامال «مجازات های اقتصادی اختراعی» دولت بریتانیا شده و دولت ایران ماه‌ها تجاوز به حقوق خود را در برابر انظار جهانیان تماشاگر و عکس‌العملی نشان نداده است.

آن‌ها که شرح این ماجرا را از روز نخست می‌دانند کاملاً واقفند که دولت انگلیس برای تحکیم بنیان مطامع خود در ایران یک حکومت دیکتاتوری در کشور ما برقرار ساخت سپس بوسیله همان دولت دست نشانده خود و باستناد امتیازنامه داری که مورد تأیید و تصویب پارلمان ایران قرار نگرفته بود در سال ۱۹۳۳ قرارداد دیگری را بر ایران تحمیل کرد.

قرارداد تحمیلی گذشته از زیان‌های اقتصادی که برای ما داشت به علت اینکه سبب دخالت‌های ناروای شرکت سابق نفت در امور اجتماعی و سیاسی کشور ما شده بود همواره آزادی و استقلال ایران را متزلزل می‌داشت.

شرکت سابق نفت در طول پنجاه سال بهره‌برداری از ذخایر ایران که صدها میلیون لیره استفاده برده است حتی یک روز وظیفه یک شرکت تجاری دور از سیاست را انجام نداده و بعکس در هر فساد و خرابی که طی نیم قرن اخیر برای وطن ما پیش آمده انگشت او دیده شده است.

چون رفتار شرکت سابق نفت با تحولاتی که در اوضاع جهان و آزادی ملل پدید آمده دیگر برای ملت ایران قابل تحمل نبود و مصلحت ملت ایران تغییر این وضع را ایجاب

می‌کرد ناگزیر صنعت نفت را در سراسر کشور ملی نمود یعنی دست به کاری زد که حق هر ملت آزاد و مستقلى است چنانکه بسیاری از دولت‌های جهان و از جمله خود دولت انگلستان نیز بدان اقدام کرده‌اند.

با اینکه دولت ایران در این باره از حق مسلم خود استفاده کرده بود دولت انگلیس از آغاز کار به حمایت از مطامع شرکت در داخل و خارج ایران دست به اقداماتی زد که به هیچ‌وجه مناسب دوستی بین دو دولت نبود بالاخره پس از مبارزه شدید و نا مشروعی که چندین ماه با احساسات و خواسته‌های ملت ما نمود چاره‌ای ندید جز اینکه این حق مسلم ملت ایران را شناخته ملی شدن صنعت نفت را بپذیرد.

از آن پس ملت ایران انتظار داشت دولت انگلیس که ملی شدن نفت را شناخته بود به نتایج حاصل از این شناسائی نیز عمل کند دولت ایران هم کوشید که منافع انگلستان را تا آنجا که با رعایت قانون ملی شدن نفت مبیانت نداشت رعایت نماید و در این راه آنچه لازمه حسن نیت بود بکار برد تا آنجا که حاضر شد شرکت سابق هر قدر نفت بخواهد ببرد و در مقابل رسید بدهد که در موقع تصفیه غرامات حساب شود.

شرکت سابق برای این کار حاضر نشد پس از آن دولت ایران پیشنهاد کرد که کارشناسان شرکت سابق بر طبق قراردادی که با آن شرکت داشته‌اند بکار خود ادامه دهند باز شرکت موافقت نکرد.

چون کارشناسان انگلیس حاضر نشدند برای شرکت ملی نفت کار کنند و دولت ایران نیز نمی‌توانست حقوقی به آن‌ها بپردازد بناچار عذر آن‌ها را خواست.

دولت انگلستان دعوائی را که شرکت سابق با ایران داشت به صورت اختلاف بین دو دولت در آورد و موضوعی را که می‌بایستی در محاکم ایران فیصل پذیرد به شورای امنیت کشانید و چون از آنجا مأیوس شد به دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه مراجعه کرد باز نتیجه نگرفت چنانکه حتى قاضی انگلیسی «آقای مکرن» نیز به حقانیت ایران رأی داد که در اینجا لازم می‌دانم از انصاف و بیطرفی ایشان تشکر کنم.

شرکت سابق نفت هم نخواست به جواب دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه متقاعد شود و باز برای تعیین حکم به رئیس آن دیوان مراجعه کرده و جواب منفی شنید.

پس از اینهمه مزاحمت‌های ناروا انتظار می‌رفت دولت انگلیس از رفتار غیر دوستانه خود با دولت ایران دست بکشد ولی متأسفانه باز همچنان به رفتار خود ادامه داد.

دولت ایران برای رفع اختلاف حاضر شد که پرداخت غرامات را بر طبق قانون ملی شدن صنایع در خود انگلستان یا قوانین هر کشور دیگر که شرکت سابق آنرا بسود خود بداند قبول کند و حتی دولت ایران برای نشان دادن نهایت حسن نیت حاضر شد که در این باره از قضاوت محاکم ایران که یگانه مراجع صالح برای رسیدگی به این امر هستند صرفنظر کند و قضاوت را به دیوان دادگستری لاهه محول نماید این پیشنهاد هم قبول نشد. بالاخره دولت ایران تقاضا کرد که ۴۹ میلیون لیره که بر طبق بیلان شرکت سابق حق مسلم ایران است مبلغ بیست میلیون لیره قابل تبدیل به دلار را پیش از شروع

مذاکرات بپردازند تا اندک گشایشی در امور اقتصادی کشور حاصل شود این نیز پذیرفته نشد.

توضیح آنکه مبلغ بیست میلیون لیره که تقاضای پرداخت فوری آن شده مربوط به سهم دولت ایران از ذخائر عمومی شرکت سابق طبق ترازنامه ۱۹۵۱ و امتیاز نامه ۱۹۳۳ می‌باشد و ارتباطی به طرح الحاقی گس- گلشائیان ندارد.

ذخیره عمومی شرکت سابق طبق ترازنامه ۱۹۵۱ بالغ بر یکصد و ده میلیون و پانصد هزار لیره می‌باشد که هشتاد و یک میلیون لیره آن تحت عنوان ذخیره عمومی و بقیه که بیست و نه میلیون و پانصد هزار لیره است جزء رقم چهل و نه میلیون نهصد هزار لیره به حساب آمده است.

بنابراین بیست درصد سهم ایران بر اساس قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ از مبلغ یکصد و ده میلیون و پانصد هزار لیره ذخیره عمومی بالغ بر بیست و دو میلیون و یکصد هزار لیره می‌گردد که چون صنعت نفت ملی شده بایستی فوری پرداخته شود و از این بابت بطور علی الحساب بیست میلیون لیره مطالبه شده است.

در خلال این مدت همانطور که گفته شد دولت انگلستان علاوه بر مزاحمت‌های دیگر به حمایت مطامع نامشروع شرکت سابق نفت از هیچگونه فشار مالی و اقتصادی بر ملت ایران خودداری ننمود چنانکه از فروش نفت ایران در بازارهای دنیا جلوگیری کرد و حتی از پرداخت موجودی‌های ایران در بانک‌های انگلستان خودداری نمود.

سرانجام در یادداشت اخیر جناب آقای ایدن وزیر امور خارجه انگلستان که در تاریخ ۲۱ مهر ماه ۱۳۳۱ در پاسخ پیشنهاد دولت ایران به این‌جانب رسید، پرده از روی کار برداشته شد و نیت آن دولت آشکار گشت.

بدین معنی که وزیر خارجه بریتانیا بابت منافعی که اگر شرکت سابق بکار خود در ایران ادامه می‌داد و غارت گذشته همچنان دوام داشت از این مملکت ممکن بود استفاده نماید از ما غرامت مطالبه می‌کند.

و حال آنکه صنایع از اینجهت ملی می‌شوند که استفاده‌های خصوصی را از میان ببرند و عایدات حاصل از ملی شدن منحصراً به خزانه عمومی تحویل شود. دولت انگلستان در ضمن آخرین یادداشت خود بطور وضوح می‌خواهد قرارداد ۱۹۳۳ را به صورتی دیگر زنده کند چه بجای آنکه به دریافت غرامت مؤسسات شرکت سابق در داخل ایران اکتفا نماید کلیه منافع نامشروعی را که بوسیله آن قرارداد برای خود تصور می‌کرد اکنون می‌خواهد به عنوان غرامت دریافت کند.

وصول این یادداشت برای هیچ فرد بی‌غرض تردیدی باقی نگذاشت که دولت بریتانیا گذشته از اقدام‌ها خلاف دوستی که تا امروز کرده نمی‌خواهد ذره‌ای در روش خود تجدید نظر نماید و راه خصمانه‌ای را که بر خلاف تمایلات دو ملت پیش گرفته می‌خواهد ادامه دهد.

این مقدمات سبب شد که دولت ایران بناچار روابط سیاسی خود را با دولت انگلیس منقطع ساخته برقراری مجدد روابط خود را با آن دولت موقوف به وقتی کند که دولت انگلیس با توجه به تحولات جهانی و بیداری ملت ایران و با ملاحظه اصول عدالت و انصاف، در رفتار خود تجدید نظر نماید.

دولت ایران صریحاً اعلام می‌کند که بین ملت ایران و ملت انگلیس نهایت صمیمیت باقی و برقرار و روابط دوستانه بین دو ملت همچنان استوار است.

به همین جهت اکنون که آخرین مأمورین سیاسی امپراطوری، پایتخت ایران را ترک می‌گویند برای افراد انگلیسی اعم از بازرگان یا مسافر کمترین مشکلی ایجاد نشده است.

اینجانب یقین دارم که اگر روزی دفاتر شرکت سابق نفت در برابر چشم حق پرست انگلیس گذارده شود و مداخلات و حق کثی ها و سیاست بازی‌ها و تحریکات و یغمای او را یکایک تظاهر کنند، بدون شک به صبر و بردباری و طاقت ملت ایران آفرین خواهد گفت. ولی پرده سیاه تبلیغات ناروای شرکت در خارج و داخل انگلستان جلو نشر حقایق را گرفتن و یکبار دیگر این جریان ثابت کرد که هنوز «قدرت پول» حق و عدالت قرن بیستم را مسخره می‌کند ولی مثل ما آنقدر مبارزه شرافتمندانه خود را ادامه خواهد داد که اکثریت افراد ملت انگلیس به قضاوت بیطرفانه آقای مکنر برسند و سطوری چند از آنچه را که ایشان خوانده‌اند و شنیده‌اند، بخوانند و بشنوند.

پیام مصدق به ملت ایران به مناسبت توطئه ای که به صورت

پیشنهاد طرحی به امضای منافقان و مخالفان علیه

حکومت ملی چیده شده بود. دوشنبه ۱۵ دی ۳۱

هموطنان عزیز

یک اصل ثابت و تغییر ناپذیر برای حکومتی که به افکار عمومی تکیه دارد این است که هر وقت با مشکلی روبرو می‌شود، به منبع قدرت و سرچشمه لایزال نیروی ملت توجه می‌گردد و موجد نهضت بزرگ و عظیم ملی را در جریان حوادث و تحولات اوضاع می‌گذارد.

محتاج به گفتن من نیست، بلکه دنیا نیز آگاه است که رستاخیز بی سابقه و جنبش پر افتخار اخیر ایران را هیچکس جز ملت شالوده گذاری نکرده و این دست توانای ملت است که با تمام بی‌اسبایی و اقدامات تخریبی یکصد و پنجاه ساله اجنبی و شبیخونی که

حریف کهنه کار بر خزان مادى و معنوى کشور ما زده است، قواى اهریمنى استعمار را در هم شکست و طومار غارتگرى هاى نیم قرنى او را بر ای ابد بر هم پیچیده است.

این ملتى را که با همه سوابق درخشان و مفاخر تاریخی انکار ناپذیر تا دیروز اجانب نمى خواستند به حساب بگذارند، اکنون در دنیا زبانزد شهامت و مردانگی و افتخارات عظیم شده و در سراسر گیتی از او به عنوان مشعلدار مبارزات ملی و پیشاهنگ جهاد ضد مداخلات خارجی یاد می کنند.

این ملتى که اقتصاد و سیاست و اجتماع او ملعبه اغراض و امیال نوکران اجنبى بوده و هر روز جیره خواران کمپانى سابق او را به درد و رنج تازه‌ای می انداختند، آن قدرت و نفوذ را تحصیل کرده که سرنوشت و اختیار خود را به قیمت جان هم از گفت نمى دهد و هنوز چند ماه بیشتر از آن تاریخ نگذشته است که یک قیام مردانه و شرافتمندانه، به کاخانه حکومت تراشى سفارت انگلیس داغ باطله زده و مزار ابدى شهدای سى ام تیر یک نمونه جاوید و بارز از احساسات مقدس و میزان فداکاری رادردان این سرزمین برای همیشه محسوب خواهد شد.

اگر امروز با ملت قهرمان ایران حرف می‌زنم و حقائق تلخ و تأسف آوری از جریان روز را در معرض قضاوت او می گذارم، برای این است که غیر از او کسی مالک و صاحب این خانه نیست و آن روزگاری که بیگانگان مردم را از حق اظهار نظر در تعیین مقدراتش ممنوع می داشتند، خدا را شکر، سپری شد و پس از ده سال حقوق مغضوبه خود را تحصیل و مقدرات مملکت را در اختیار گرفته است.

از گذشته تلخ و دردناک بیش از دو سه سالی هنوز سپری نشده و آحاد و افراد این مملکت هنوز خیلی زود است که دسائس و تحریکات و شعبده های حریف حیلہ باز را فراموش کنند و ندانند که هر موفقیتی تا امروز تحصیل شده فقط در پناه اتحاد و اتفاق و وحدت ملی ما بوده است.

مگر ممکن است افراد یک ملت هوشمند و توانا به این زودی‌ها از یاد ببرند که چه جنایاتی را کمپانی سابق در خانه‌شان انجام می داد، چه بلواها و آدم گشى ها و تحریکات از آستین او بیرون می‌آمد و چگونه دولت و مجلس را مطیع اراده خود را می‌ساخت و می پرداخت؟

اگر افراد کوتاه نظری نتوانند یا نخواهند اثرات این توفیق الهی را در نظر بیاورند، محال و ممتنع است که زجر کشیدگان و مصیبت دیدگان این جنایات که میلیون‌ها هموطن محروم و بلا دیده ما هستند، جزئیات آن اوضاع را از یاد ببرند و متوجه نباشند که این ممالک ویران و خراب شرق را انگلیس همه جا بزور و سرنیزه و قشون تسخیر نکرد بلکه با افشاندن تخم نفاق و اختلاف و استفاده از خودخوی‌ها و بهانه جوئی‌ها و غرور بی جای افراد تحت سیطره و نفوذ خود در آورد.

امروز اگر از بعضی از مناطق شرق عمال مستقیم اجنبی بیرون رانده شده‌اند تا زمانی که اصول رفتار و اخلاقی را که باعث تسلط بیگانه شده است از دل‌های خود

نرانیم، به این خلع ید نخواهیم توانست جنبه قطعیت بدهیم و مغرورانه حوادث نزدیک دیروز را نادیده انگاریم.

هموطنان عزیز

در تمام این مدت بیست ماه، این‌جانب بهتر از هر کس می‌دانستم که اوضاع اداری کشور نیازمند به تغییرات کلی و اساسی است و دستگاه‌های موجود توانایی انجام تمثیلات و توقعات یک ملت زنده و رشید را ندارند و نمی‌توانند مطابق آمال و افکار عمومی کار کنند، ولی همیشه فکر می‌کردم و تجربه طولانی گذشته نیز مؤید این فکر بود که عوامل اجنبی را از کوچکترین جدائی و نفاق به منظور تشنج و تحریک حد اعلائی استفاده تبلیغاتی را می‌برند چون قهرأ هر اصلاحی با منافع خصوصی عده ای که سالیان دراز به هرج و مرج و عنان گسیختگی و سوء استفاده از خزانه مملکت خو گرفته و احیاناً با رشوه خواری و ناپاکی سرو کار داشته اند، تماس پیدا می‌کند و دشمن نیز مترصد است که از عدم رضایت ها حد اکثر بهره برداری را بنماید و حربه نفاق را برای ایجاد شکاف در وحدت جامعه ما برای حصول مقاصد مخرب و زیان بخش خویش بکار اندازد و آنچه را با خون و جگر و تحمل مصائب بی شمار ملت ما تحصیل کرده است به بدترین و زشت ترین تشبیهات استعماری از چنگ ما برباید. ولی دو امر مرا وادار کرد که در این تصمیم خود تجدید نظر کنم: یکی اینکه توطئه های انگلستان و اسباب چینی و تشبیهات بی حد و حصر آن دولت مانع بود از اینکه بزودی کار نفت یکسره شود و به این ترتیب شروع به اصلاحات مدت مدیدی بتأخیر می افتاد. دیگر اینکه مکرر به دولت اظهار می‌شد که مردم چشم براه و تشنه اصلاحات اند و اقدام‌ها اساسی برای بهبود اوضاع مملکت را نباید بیش از این به عهده تعویق گذاشت و هر چه زودتر باید به تصفیه دستگاه دولت و تنظیم بودجه مملکت و اصلاح حال مردم زحمتکش از کارگر و دهقان و سایر افراد طبقه سوم که در وضع ناگواری زندگی می‌کنند پرداخت و در تمام شئون مملکت دست به اصلاحات زد بخصوص که همین اصلاحات ممکن است موجب شود که حریف سرسخت خارجی از پیشرفت نقشه های خود مأیوس شده و بیش از این در امر نفت کارشکنی ننماید.

بالاخره به این منطق تسلیم شدم و چون اقدام به اصلاحات مستلزم سرعت عمل و داشتن قدرت و اختیار بود، از مجلس کسب اختیار کردم.

از ابتدای دوره ششماهه اختیارات، دولت این‌جانب تا آنجا که مقتضیات و استعداد محیط اجازه می‌داد، برای اینکه بتواند به موازی مبارزه با خارجی اصلاحات داخلی را نیز شروع کند، قوانین و مقرراتی به‌موقع اجرا گذاشت که هرگز در ایران سابقه نداشت و به اقداماتی در رشته‌های تولید دست زده که در آینده نزدیک از اثرات آن مملکت متمتع و برخوردار خواهد شد یک دقیقه از این پنج ماه اختیارات در راه عبث و بیهوده صرف نگردیده و طرح‌ها و لوایح و قوانینی که به مرحله آزمایش گذاشته شده هر یک محصول رنج و زحمت شبانه روزی عده‌ای است که جز خیر و صلاح و نجات مملکت آرزویی نمی‌توانند داشته باشند. چون اقدام‌ها دولت در گزارش مفصل به عرض مجلس و ملت ایران رسیده از توضیح بیشتر در این باب خودداری می‌کنم.

جز شوق خدمتگذاری و عشق به عظمت و آزادی و سربلندی کشور و اطاعت محض در برابر خواسته‌های ملتی که منبع این مجاهدات و افتخارات و فداکاری هاست، چه چیز می‌تواند در این حالت نفاخت و ناخوشی و خستگی و تأثر مرا به ادامه این راه بر مسئولیت و پر مشقت ترغیب و تحریص کند؟

در برابر اینهمه کارشکنی و بهانه جوئی، در برابر سیل مشکلات و معضلاتی که بیشتر از یک قرن و نیم است به وطن ما هجوم آورده و در ایامی که حتی ملت‌های قوی و بزرگ نیز بر سر استقلال و موجودیت خود می‌لرزند، غیر از اجرای فرمان ملت چه هدف دیگر ممکن است مشوق این دولت در طی طریق نجات مملکت باشد؟

آیا سزاوار است در روزهایی که چرچیل رهسپار آمریکا است و دولت ایران نیز به مذاکرات مهمی مشغول است، جماعتی از پشت به حکومت خود خنجر بزنند و دانسته یا ندانسته مجاهدات ملتی را قربانی غرض رانی و یا کوتاه نظری یا بی اطلاعی خود سازند؟

تعبیر این طرحی که چند تن از نمایندگان به مجلس داده‌اند ممکن است این باشد: به دولتی که با اجنبی سرگرم زد و خورد است و بیست ماه است یک لحظه از تحریکات و شر تبلیغات مسموم کننده آن‌ها ایمن نبوده است، بد گمان شده‌اند و بیم آن را دارند که مجلس بسته شود.

در میان ملت ایران کیست که نداند که پیش از عزیمت به لاهه، این‌جانب با عجله و شتاب موجبات افتتاح همین مجلس را فراهم آورده و در روزهایی که اجنبی نمی‌خواست مرکز ثقل مشروطیت کار خود را از سر گیرد، دولت نهایت اهمیت را بکار برد که وکلا را از دور و نزدیک جمع کند تا آنجا که برخی از پرونده های انتخاباتی را که مورد ایراد هم بود، برای قضاوت و تعیین تکلیف نهائی به مجلس فرستاد و چنانکه می‌دانید به تصویب رسید.

دو سه تن از امضا کنندگان طرح دیروز کسانی هستند که دستشان آلوده به خون بی گناهان سیم تیر است. حال باید دانست چه علل و جهاتی باعث شده تا آن هائی که مجازات مسببین فجایع سیم تیر را به عجله از دولت مطالبه می‌کنند، با آن عده امضای خود را در ذیل یک ورقه گذاشته اند.

هموطنان عزیز

غروب همان روزی که طرح جدید لایحه انتخابات در معرض افکار عمومی گذاشته شد، یکی از آقایان نواب رئیس با تلفن تذکر داد روزی که این لایحه به امضا برسد حد نصاب تشکیل جلسه تغییر خواهد کرد. جواب دادم که هیچ قانونی عطف بماسبق نمی‌شود ولی برای اینکه سوء تفاهمی باقی نماند، در موقع امضا و اجرای لایحه، تبصره ای اضافه خواهد شد که حد نصاب تشکیل مجلس و جلسات علنی مندرج در لایحه از دوره هیجدهم هم معتبر خواهد بود.

علاوه بر این در جلسه دیروز آقای شایگان رئیس کمیسیون انتخابات و آقای دکتر صدیقی وزیر کشور بتفصیل در ردّ این سوء تعبیر و اینکه دولت چنین منظوری ندارد، توضیح کافی داده اند. بنابراین اگر حقیقتاً این عمل ناشی از توهم بود با این توضیحات می بایستی زائل شده باشد. ولی تهیه کنندگان طرح همچنان برای به تصویب رساندن طرحی که موجب تضعیف دولت است پافشاری کرده اند. با این وصف اگر تصور نرود که طرح دیروز صرفاً به منظور تحریک و ایجاد تشنج تقدیم شده، تردید نیست که بعضی از افراد عدم توجه دیگران را وسیله پیشرفت مقاصد خویش قرار داده و خواسته اند در این روزهای حساس و حیاتی به دنیا بگویند که ایرانی لیاقت همضم موفقیت‌آمیزها بزرگ سیاسی و اجتماعی را ندارد. دولت از دو سه هفته به این طرف شاهد فعالیت بی حساب و عناصر خطرناک عامل بیگانه بوده و از نو می‌بیند که دشمنان شناخته شده و امتحان داده مردم، سربلند کرده و به آن‌ها سنگ در راه موفقیت نهائی جامعه می اندازند، کمک می کنند تا در پناه هرج و مرج و آشوب تازه‌ای بتوانند بار دیگر جامع ای را به خاک و خون بکشند و مو به مو حساب مجاهدات و مبارزات چند سال اخیر ملت ایران را رسیدگی و انتقام از مردم بی‌گناه بگیرند و به یکبار آن‌ها را در تحت استیلا و اسارت بیگانه در آورند. این‌ها اگر ملت ما را می شناختند و اگر می دانستند که او هر کس را در راه پیروزی اش سد ایجاد کند از میان بر می‌دارد و موانع جدید را نیز به مواقع قدیم ملحق می کند، هرگز به اینطور بازی‌های خطرناک که استقلال و آبروی میلیون‌ها هموطنان شان را به خطر می اندازد، نمی پرداختند.

من بطور صریح و آشکار اعلام می‌کنم که تبلیغات لندن بلافاصله اینطور به دنیا وانمود کرده که طرح دیروز، جبهه متحد داخلی ما را در هم شکسته است و اکنون قسمتی از مجلس با این دولت همکاری و همراهی ندارد و طالب محدودیت اختیارات است. شما مردم رشید ایران خوب می‌دانید که این صدای ملت ایران نیست و مردم مملکت هرگز اجازه نخواهند داد که بهانه جوئی‌های بی‌اساس صف متحد ما را در هم بشکنند و دشمنان ما شیرین کام گردند و آن پرچم آزادی و آزادگی را که ملت ایران بر دوش گرفته و از روی استحقاق علمدار نهضت ملل آسیا و شرق شده است، در راه هوس بازی بی‌موقع معدودی از دست بدهد.

یک مرتبه دیگر فرصت آن رسیده است که ایرانی در این موقع خطیر حساس اتحاد و استعداد و نبوغ خود را که در مبارزات اخیر مکرر به جهانیان نشان داده است، تجدید کند و کاملاً هشیار و بیدار باشد.

برای جبران حادثه دیروز و تعیین تکلیف نهائی، دولت ناگزیر است که فردا از مجلس شورای ملی رأی اعتماد بخواهد تا مسئولین حوادث آینده را ملت بشناسد.

ملت ایران، فرزندان عزیز من

امروز یکبار دیگر دنیا چشم به درایت و کاردانی و موقع شناسی و انضباط شما دوخته است. فرد فرد شما نباید مسئولیتی را که در پیشگاه خدای بزرگ و وجدان پاک

خود و دینی را که به پرچم و تاریخ پر افتخار خویش دارید لحظه‌ای از یاد ببرید. حساسیت زمان و عظمت مبارزه و آشفتگی جهان و خرابی اوضاع، هوشیاری شما را در همه حال ایجاب می‌کند.

فرزندان عزیز وطن

با چشمان باز و بیدار مراقب سرنوشت خانه‌کهن سال خود باشید تا مبادا تاریخ فردا از نسل امروز به زشتی یاد کند و ما را مستحق نفرین و لعنت بشناسد.

پیام دکتر مصدق نخست وزیر خطاب به ملت ایران درباره علت

تقاضای اختیارات و در رد القاء شعبه ها ۲ بهمن ۳۱

هموطنان عزیز

اگر عظمت مبارزه ملی ما تنها در این بود که پس از پنجاه سال فشار و ظلم مستقیم بیگانگان و یک قرن و نیم مداخلات ناروای آنان سرنوشت خانه‌خویش را به دست بگیریم و در میان ملل زنده جهان ثابت کنیم که نسل امروز ایران لیاقت حفظ استقلال و نگهداری موارث و تاریخ نیاگان خود را دارد، شاید نظائر آن را در شمار حوادث ملت‌های کوچک و بزرگ دیگر نی بتوانند نشان دهند زیرا هیچ جامعه و ملتی بدون سعی و تلاش موق نشده است زنجیر اسارت اجانب را از دست و پای خود بردارد و تاریخ دور و نزدیک اقوام گیتی کم و بیش شاهد این جنبش‌ها و انقلابات و تحولاتی است که در زمینه استقلال طلبی و آزادی خواهی ملل بوجود آمده است. ولی فکر نهضت ملی ایران که تا چند سال پیش در سینه پاک و ضمیر بی آلایش هموطنان ما محبوس بود، بتدریج از تهران به ولایات سرایت کرد و سپس انعکاس رستاخیز میلی ما از مرزهای کشور گذشت و جهانیان را متوجه خود ساخت و الهام دهنده قیام‌های ملی در ملل دیگر نیز شد و اکنون حتی مردم جنوب و شمال آفریقا نیز چشم امیدشان به پیروزی ملت ما دوخته شده و همه آن مردمی که طعم تلخ استعمار را چشیده و سالیان دراز با ما هم زنجیر بوده اند، آرزوی قلبی‌شان در توفیق نهائی ماست.

نهضت ملی ایران یک نسیم ملایم و زودگذر نیست که در حیات ملت‌ی وزیدن کند و لحظه‌ای بعد فقط بقدر یک موج بی‌اهمیت اثر از خود باقی بگذارد این جنبش تاریخی زائیده تصادفات کوچک و مولود اغراض سیاسی نبوده و نیست بلکه ریشه عمیق و نفوذی غیر قابل تصور در جامعه ایرانی دارد که یک سلسله علل و وقایع مهم دو قرن اخیر ایران آنرا پی ریزی و شالوده گذاری کرده است.

اصالت و عمق نهضت ملی ایران را آزمایش های مکرر به ثبوت رسانیده است. چنانچه هر وقت مردم احساس کرده‌اند که رختی در کارها پیدا شده بانظم و انضباطی در خور تعظیم و ستایش، خود آن‌ها مستقیماً مقام فرماندهی و فرمان برداری هر دو را به عهده گرفته‌اند و همین نویدها و امیدواری‌ها است که برای همیشه تجدید قدرت بیگانه را در خاک و وطن مقدس ما غیر ممکن می‌سازد.

یک دسته هر قدر فداکار و مبارز باشد، اگر از همراهی و پشتیبانی قاطبه ملت برخوردار نشود از مبارزات خویش چه حاصلی می‌تواند ببرد؟

تا ملتی فداکار و بیدار وجود نداشته باشد، نه از عوامل سیاسی روز نه از مقتضیات و جریانات بین‌المللی و نه از رقابت‌ها و تضادهای سیاسی ممالک بزرگ می‌توان استفاده کرد. اینطور فرصت‌ها برای هر یک از کشورهای کوچک و بزرگ در طول تاریخ زندگانی آن‌ها کم و بیش پیدا شده است.

ملل خفته و ناتوان و گرفتار کشمکش های داخلی و اغراض خصوصی هرگز نتوانسته‌اند از این فرصت‌ها استفاده نمایند. این عوامل در آنجا که مردم بیدار و مواظب کار خود بوده و به مسئولیت و وظیفه تاریخی خود آشنائی داشته‌اند، ثمربخش شده و مسیر زندگی و سرنوشت میلیون‌ها بشر محروم و فلک‌زده و گرسنه را به صورتی معجزآسا عوض کرده است.

ملت ایران که در نتیجه تسلط بیگانگان یک قرن و نیم در آتش نفاق و فقر و جهل می‌سوخت، یا باید چندی دیگر این ذلت و ادبار را تحمل کند و بتدریج تمام خصوصیات ملی و اجتماعی و نژادی و مفاخر سی‌چهل قرن تاریخ سربلند خود را از دست بدهد و بنده وار تسلیم آخرین ضربات اجنبی و عوامل او بشود یا اینکه از افتخارات دینی و ملی خود استعانت جسته صفحه تقدیر شوم را عوض کند و راه جهاد و مبارزه افتخارآمیزی را انتخاب نماید.

ملت شرافتمند و قهرمان ایران طریق دوم را برگزید و اکنون قسمت مهمی از آن راه را پیموده و با هوشمندی بی‌نظیر مراقب کلیه جریان‌هایی است که ممکن است مفید یا مضر به مقصد نهائی واقع شود. مراقبت و بیداری گران‌بیمتری را که مردم و نمایندگان آن‌ها طی دو هفته بحرانی بکار بردند، از نظر آن‌هایی که از دور و نزدیک اوضاع سیاسی وطن ما را مطالعه می‌کنند، ارزش بسیار داشت یک مرتبه دیگر ایرانی ثابت کرد که نهضت او عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از آن است که بسادگی بتوان آنرا دستخوش توفان اختلاف و تشنّت قرار داد. این مبارزه با روح و جان ملت پیوند دارد و مردم ایران بخوبی درک کرده‌اند که این جهاد عظیم ملی بر سر هست و نیست و مرگ و بقای یک مملکت شروع شده و با وحدت و اتفاق و فداکاری به این مرحله از پیروزی رسیده است.

آن‌ها که غیر از این فکر می‌کنند و به عظمت مبارزه نمی‌اندیشند، چقدر شایسته و بجاست که مجالی باقی بگذارند تا از این ورطه هولناک بگذریم و کار حریف حیل‌گر و کهنه کار را به پایان برسانیم، آن وقت ممکن است برای جدال‌ها و مبارزه های کوچک فرصت پیدا شود.

امروز مجادله با حکومتی که در تمام جبهه ها با اجنبی سرگرم زد و خورد است اگر دور از انصاف نباشند شایسته وطن پرستان و علاقمندان به استقلال و آزادی مملکت نیست. در هر صورت بیگانگان باید بدانند که اگر در مسائل فرعی اختلافاتی پیش آمد نماید مربوط به حساب مبارزه خارجی نیست چنانکه هر وقت پای اجنبی در میان آمده و منافع و مصالح و حیثیت ملی ما به خطر افتاده است، شرافت و عرق ملی ایرانی اینطور حکم کرده که چون فرد واحد در برابر زور و تحمیل اجنبی ایستادگی و مقاومت نشان دهند. اینک نیز یقین داریم که در این مرحله هم جز این نخواهد بود.

من از انتقادات بجا و اصولی یاران موافق و دوستان مخالف نه تنها هرگز نمی رنجم و در حساب مملکت احساسات شخصی را مداخله نمی دهم، بلکه نصایح و انتقادات ایشان را به منزله چراغ راهنمای خود می شمارم.

زیرا برخلاف آنچه که گفته اند، کسی که پنجاه سال در راه آزادی مبارزه کرده و زندان و تبعید سالیان دراز را در این راه متحمل شده، هیچ لذتی را نمی‌تواند با حفظ آزادی عقیده و بیان برابر کند.

تا آنجا که مبارزه ملی ما را این گفت و گوها مختل نسازد و مجال خرابکاری و سوء استفاده برای حریف ایجاد نکند، نه تنها مردم وظیفه دار هستند که به آزادی‌های فردی و اجتماعی احترام بگذارند، بلکه دستگاه حکومت باید مروج این اساسی‌ترین شعائر دموکراسی و مشروطیت باشد. ولی ایرانی در هر حال که بسر می‌برد نباید فراموش کند که قبل از هر چیز فرزند این آب و خاک است و مصلحت وقت و حساسیت زمان و جهاد تاریخی ملت ایران به او حکم می‌کند که چون سربازی فرمانبردار، آنجا که پای احترام و آبروی وطن در میان است بر اغراض و اهوای خویش تسلط پیدا کند.

این‌جانب از قبول مسئولیت اختیارات تجربه‌ای تلخ و خاطره ای ملال انگیز داشتم و به همین مناسبت هرگز فکر نمی‌کردم یک روز دیگر با چنین مشکلی روبرو شوم. بعد از اینکه قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ با مخالفت ملت ایران مواجه گردید و مستشار مالی انگلیسی هم که طبق آن قرارداد در امور مالی ایران نظارت و دخالت می‌کرد از کار برکنار شد، مجلس چهارم بر حسب تمایلات عمومی، اختیاراتی برای موازنه بودجه و تشکیلات وزارت مالیه و تصفیه اساسی آن وزارتخانه برای مدت سه ماه به این‌جانب داد.

با وسائلی که آن روز در اختیار داشتم شروع به کار کردم. دو ماه و پنج روز از تاریخ آن اختیارات که گذشت، بر اثر تحریکات سیاست خارجی، مجلس با دولت بنای مخالفت را گذاشت و آن کابینه ناگزیر از استعفا شد و اصلاحاتی که با خون جگر صورت گرفته بود، بکلی از میان رفت. همین آزمایش گذشته کافی بود که این‌جانب دیگر هرگز در صدد انجام اصلاحات و کسب اختیارات نیاشم و پس از تشکیل این دولت فقط در این نیت بودم که مبارزه نفت را به مرحله نهائی برسانم و کارهای آینده را به دیگران واگذارم. سرسختی حریف که نمی‌خواست حقوق حقه ملت ایران را بشناسد و برای همه تلاش و فداکاری میلیون‌ها مردم ارزش و اعتباری قائل بشود، قهرأ کار را به عهده تأخیر انداخت بخصوص اختلافات و تشنج‌های داخلی هر روز روزنه امید تازه‌ای برای او باز می‌کرد و در عین حال نمی‌توان انکار کرد که تشکیلات موجود برای تأمین حوائج حیاتی

یک ملت فداکار و رشید بوجود نیامده و اساس ایجاد آن برای منظور دیگری بوده است و مردم از این حکومت توقع داشتند که قدم هائی در راه اصلاحات اداری و رفع ظلم و تعدی بر دارد و هر جا نظامات و مقررات موجود مانع از پیشرفت این منظور است، قوانین را اصلاح کند.

اینجانب نیز که پیروی از افکار عمومی و خواسته‌های مردم را برنامه کار خویش می‌داند، ناگزیر شد در برابر اراده ملت سر تسلیم و تعظیم فرود آورد.

اینک بی مورد نیست چند کلمه‌ای راجع به کیفیت اختیارات به عرض هموطنان عزیز برسانم:

همانطور که در موقع طرح اختیارات ششماهه و یکساله گفته اند، من در دوره ۵ و ۱۴ و ۱۶ که افتخار نمایندگی مردم تهران را داشته‌ام با دادن اختیار قانونگذاری به یک نفر مخالفت نموده و آنرا به ترتیبی که مرسوم بوده است دور از روح قانون اساسی دانسته‌ام. زیرا مثلاً در دوره سیزدهم که اختیار امور و اقتصادی مملکت را در دست در اختیار دکتر میلسپو گذاشته بودند، هر چه او امضا می‌کرد صورت قانون داشت و هرگز نه به مجلس داده می‌شد و نه تأیید آنرا از پارلمان می‌خواست. و همچنین اختیاراتی که به کمیسیون‌های پارلمانی در ادوار گذشته می‌دادند از همان قبیل بود. یعنی مجلس از خود سلب اختیار می‌کرد و حق قانون گذاری را به یک یا چند کمیسیون بدون اینکه آن قوانین دیگر به تصویب مجلس برسد، واگذار می‌شد و حال آنکه اختیاراتی که مجلس شورای ملی در موارد معینه به اینجانب تفویض کرده است، فقط برای این است که لوایحی تهیه و به عنوان آزمایش به‌موقع اجرا گذاشته شود ولی تعیین تکلیف قطعی و تصویب نهائی آن‌ها با خود مجلس شورای ملی است.

به عبارت دیگر به دولت که قانوناً حق تهیه و پیشنهاد لوایح را به مجلس دارد، مجلس اینک اجازه داده است در فاصله‌های که لایحه به امضای اینجانب می‌رسد تا تصویب نهائی برای اینکه در عمل معایب آن رفع شود، قوت اجرائی داشته باشد. آیا این طرز عمل با اختیارات میلسپو و قانونگذاری کمیسیون‌ها که هرگز به مجلس بر نمی‌گشت و اختیار مطلق به یک شخص معین یا یک کمیسیون مشخص داده می‌شد، یکی است؟

نه تنها جداً آنچه را در گذشته گفته‌ام امروز بدان معتقدم بلکه سلب اختیار قانون گذاری از مجلس را بطور مطلق هرگز سودمند بحال کشور نمی‌دانم. مخصوصاً در آن وقت که این مخالفت‌ها می‌شد، همه می‌دانند که دولت و مجلس به چه صورت بود و چقدر خطر داشت که اختیار قانون گذاری را از پارلمان بگیرند و به دست کسانی بدهند که یا خود اجنبی بودند یا آلت بی اراده دست اجنبی بشمار می‌آمدند.

برای حفظ قانون اساسی من آنقدر که تاب و توانائی تحمل رنج و مشقت و تبعید و زندان را داشته‌ام تا سر حد مرگ به ملت حق شناس ایران آزمایش وفاداری داده‌ام اینک چگونه ممکن است به حقوق ملتی که همیشه شرمنده احسان او بده ام تخطی نمایم. من از سنین جوانی تا امروز که سنین کهولت و نقاهت و رنج پیری را طی می‌کنم خدمت گذار

مردم بوده و به سهم ناچیز خویش برای حفظ اصول قانون اساسی رنج سخت ترین حوادث را بر خود خریده ام.

امروز هم نه داعیه تجاوز به حقوق خلق را دارم و نه شایسته است که از طرف دوستان همقدم آماج یک چنین تیر تهمتی واقع شوم.

در ممالک دیگر احزاب بزرگی هستند که نمایندگان آنان ناگزیرند مقررات حزبی را رعایت کنند و آن احزاب برنامه و روش معین دارند و نمایندگان خود را در روش پارلمانی حمایت می‌کنند و یک نفر کافی است که از طرف تمام نمایندگان حزب نظر موافق یا مخالف ابراز نماید در مملکت ما که احزاب بزرگ واجد اکثریت پارلمانی نیستند هر وکیلی عقیده خاصی دارد و در نتیجه ساده‌ترین قوانین ممکن نیست به آسانی بسرعت بگذرد.

امیدوارم که نه تنها استفاده از این اختیارات به ضرر ملت ایران نباشد بلکه در تحکیم بنیان مشروطیت و ترویج و تعمیم آزادی مؤثر افتد تا همه طبقات بتوانند از مزایای آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی استفاده نمایند.

شک نیست که شرط اساسی توفیق ملت این است که تمام مجاهدین راه آزادی متحداً همکاری نمایند تا بنیان نهضت ملی مستحکم شود و مساعی مردم به نتیجه مطلوبی منتهی گردد.

فداکاری‌ها و ابراز احساساتی که از تمام مردم مملکت در موارد ضروری و حساس بروز می‌کند از این جهت است که هنوز نگرانند مبدا سیاست‌های بیگانه با ایجاد اختلاف به اساس کار ما خللی وارد آورند با توجه به همین نکته است که این‌جانب ناگزیرم از فرصت استفاده کرده یکبار دیگر از همه مردم فداکار کشور بخصوص آن‌ها که در این مبارزه عظیم پیشقدم بوده‌اند درخواست و تمنا کنم که همکاری و وحدت نظرشان را ادامه دهند و بگذارند به خواست خدا این بار سنگین را که ملت بردبار و توانای ایران به ما سپرده است بسر منزل مقصود برسانیم.

در خاتمه لازم می‌دانم یکبار دیگر با سپاسگزاری از احساسات عالیه هموطنان عزیز عرض کنم فراموش نفرمایند که پایداری و انضباط نظم و موقع شناسی شما عامل همه پیروزی‌ها بوده و خواهد بود.

ترجمه غیر رسمی نامه‌ی مصدق به آیزنهاور به مناسبت

ریاست جمهوری وی ۷ ژانویه ۵۳ برابر با ۱۷ دی ۱۳۳۱

حضرت ژنرال آیزنهاور رئیس جمهوری منتخب کشورهای متحد آمریکا دانشگاه کلمبیا- شهر نیویورک

با اغتنام از این فرصت تیریکات صمیمانه ملت ایران را به مناسبت انتخاب آن حضرت به ریاست عالیه جمهوری کشور های متحد آمریکا اظهار و توفیق آن حضرت را از هر جهت در ایفاء وظائف مهمی که لازمه این مقام بلند است خواهانم. نمی خواستم مشکلات ایران را قبل از اینکه رسماً شروع بکار کنید به میان آورم لکن چون تا حدی فوریت امر ایجاب می کند و از طرف دیگر به دلایلی معتقدم کسانی که در نگرانی های اینجانب برای آینده ایران و مردم ایران سهمیم و شریک نیستند این مسائل را در مذاکرات خود با شما به میان آورده اند لذا به تذکرات ذیل مبادرت می ورزم:

امیدوارم حکومت جدیدی که به ریاست آن حضرت تشکیل می شود در آغاز کار با همت مبارزه حیاتی ملت ایران کاملاً پی ببرد و برای رفع موانعی که ملت ایران را از نیل به آمال خود باز داشته و نگذاشته اند در پرتو استقلال سیاسی و اقتصادی از زندگانی بهتری بهره مند شود یاری و همراهی کنند. تقریباً دو سال است ملت ایران پریشانی ها و مضایق و شدائد فراوانی را صرفاً از آن روز تحمل کرده است که شرکتی طماع و نفع پرست به پشتیبانی دولت انگلیس هم خود را مصروف آن داشته است که ملت ایران را از تحصیل حقوق طبیعی و ابتدائی خود محروم سازد.

مایه خرسندی است که در طی این مبارزه و تحمل اینهمه خسارات و لطمات از طرف مردم ایران، ملت آمریکا در موارد بسیار با ملت ایران اظهار همدردی کرده و نشان داده است که مشکلات ایران را تا حدی متوجه است. ضمن مسافرت خود به آمریکا شخصاً ناظر مظاهر بسیاری از این حس همدردی مردم آمریکا به حقایق امور بودم.

متأسفانه دولت آمریکا با اینکه در مواردی نسبت به ایران ابراز دوستی نموده، در عین حال روش وی بنظر مردم ایران حمایت از دولت انگلیس و شرکت سابق در این مبارزه بوده است و در مجامع بین المللی علیه ایران از دولت انگلیس طرفداری کرده است. دولت آمریکا نسبت به دولت انگلیس کمک های مالی روا داشته و در حق ایران مضایقه کرده است و بنظر ما این روش دولت آمریکا لاف تا حدی تقویت از مساعی انگلیس بوده است. که کوشیده است موجبات اختناق ایران را بوسیله محاصره مالی و اقتصادی فراهم سازد.

اینجانب میل ندارم روابط کشورهای متحد آمریکا با انگلستان به علت اختلافات وی با ایران تیره گردد ولی تردید دارم ملت بزرگ آمریکا که در این عصر حائز چنین مقام ارجمند اخلاقی در دنیا است بتواند از روشی که در عرصه بین المللی بر خلاف موازین اخلاقی است و دوست و متحدی در پیش گرفته است صرفاً بدان سبب حمایت کند که نمی خواهد اختلافی در روابط وی با چنین دوست و متحدی روی دهد.

میل مردم ایران فقط این است که در اتخاذ راه و روش زندگانی خویش بر وفق دلخواه خویش قدم بردارند و با تمام ملل دیگر مناسبات دوستانه خود را حفظ کنند .

شرکت سابق که سال‌ها به استثمار منابع نفت ایران اشتغال داشت متأسفانه در مداخله در امور داخلی این کشور پافشاری می‌کرد، سرانجام بر مردم ایران ثابت شد تا روزی که این شرکت در ایران بکار خود ادامه دهد مداخلات وی نیز در امور داخلی ایران مرتباً ادامه خواهد داشت.

بنابراین مردم ایران چاره‌ای جز این نداشتند که از حق حاکمیت خود استفاده کنند و با ملی کردن نفت خود به اعمال شرکت سابق در ایران خاتمه دهند.

موقعی که دولت ایران نفت را ملی کرد این نکته را بطور وضوح اعلام داشت که حاضر است غرامت شرکت سابق را با توجه به دعای متقابل ایران علیه شرکت سابق به نحو منصفانه بپردازد.

شرکت سابق بجای اینکه برای تعیین میزان غرامت با ایران وارد مذاکره شود به اتکاء و حمایت دولت انگلستان و به منظور اینکه بار دیگر مردم ایران مجبور شوند به اراده شرکت نفت سابق سر تسلیم فرود آورند و از حق بهره برداری و استفاده از منافع طبیعی خود صرف‌نظر کنند برای ایجاد محاصره اقتصادی و مالی اقداماتی بعمل آورد.

علی‌هذا صمیمانه امیدوارم هنگامی که حکومت جدید به ریاست آن حضرت زمام امور کشورهای متحد آمریکا را به دست می‌گیرد موضوع ایران را مورد کمال دقت قرار دهد تا ایران به آمال و آرزوهای عادلانه خود برسد و مبانی صلح جهان تحکیم شود و بار دیگر اطمینان حاصل گردد که کشورهای متحد آمریکا با تمام قوا و با استفاده از شوون و حیثیت خود در حمایت و پشتیبانی از اصول منشور ملل متحد راسخ و جازم است.

خواهشمند است احترامات فائقه دوستدار را بپذیرید

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

جواب آیزنهاور به نامه مصدق، ۱۷ دی ۱۳۳۱

جناب آقای دکتر محمد مصدق، نخست وزیر ایران- تهران

خواهشمندم تشکرات مرا برای تعارفات و تبریکات دوستانه قبول بفرمائید. از اینکه شمه ای از نظریات خود را درباره وضع ایران مرقوم داشته‌اید نهایت مسرت حاصل است و به سهم خود آن‌ها را بادقت و حسن نظر مورد مطالعه قرار خواهم داد.

رجاء واثق دارم، این مطلب را قبول خواهید فرمود که در موقعیت بی‌طرفی ما در این قضیه هیچگونه سازشی نشده و خللی وارد نیامده است و هیچ فردی کوشش ننموده که نظر مرا در این مورد تحت تأثیر قرار بدهد.

ذکر این مطلب مرا وادار نمود که امیدواری خود را اظهار بدارم که روابط آتیه ما از هر گونه بدگمانی کاملاً مبرا خواهد بود و برعکس حس اعتماد و اطمینانی بر آن حکمفرما خواهد بود که از سرچشمه صداقت و دوستی الهام گرفته باشد.

خیلی مسرور خواهم شد که در همه اوقات چه شخصاً و مستقیماً و یا از مجرای دیپلماتیک درباره نظریات جنابعالی در هر موضوع که مورد علاقه مشترک ما بوده باشد پیامی دریافت بدارم.

با اظهار تشکر از پیام ملاحظت آمیز و با ابراز احترامات فائقه ارادمند

دوایت. د. آیزنهاور

پیام مصدق به ملت ایران که به عنوان اعتراض به توطنه ۹ اسفند

اعتصاب عمومی کرده بودند. دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۳۱

هموطنان عزیزم

با اظهار تشکر و سپاسگزاری از احساسات پاک و بی آلایش قاطبه ملت ایران که موجد نهضت عظیم ملی ایران بوده و رهبری پر افتخار ادامه این نهضت مقدس را که حیات ملت و استقلال مملکت وابسته به آن است، به این خدمتگذار خود سپرده اند چون رفاه عموم هموطنان را طالبم و امیدوار به خدا هستم که به تفضل الهی و ثبات قدم و استقامت فرزندان مبارز وطن بزودی رفع مشکلات بشود از همگی هموطنان عزیز اعم از اهالی محترم پایتخت و شهرستانها درخواست می‌کنم با کمال متانت و آرامش که روش پسندیده همیشگی شما است به تعطیل عمومی خاتمه داده به مشاغل روزانه خود اشتغال ورزند مطمئن باشند چنانچه لازم شد مشکلات را به عرض ملت ایران خواهم رساند و از پایدردی و همت شما مدد خواهم گرفت. سعادت و سلامت و بقاء همگی را از خداوند خواهانم.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

پیام مصدق به مناسبت آغاز سال ۱۳۳۲

هموطنان عزیزم

با امیدواری به پیروزی نهائی ملت رشید ایران افتخار دارم جشن بزرگ ملی و آغاز سال نو را به حضور هموطنان عزیز تبریک عرض کنم و با ستایش از همت و مردانگی و استقامت و پایداری فرزندان رشید وطن و حق شناسی از مجاهدات دلیرانه و مبارزات خستگی ناپذیر هموطنان گرامی شادکامی و کامروائی آنان را در نیل به آمال ملی از ایزد متعال مسئلت نمایم.

جشن نوروز علاوه بر مژده فرا رسیدن سال نو که تجدید حیات خانوادگی و اجتماعی را نوید می‌دهد ملت ایران را به یاد تاریخ درخشان و گذشته پر افتخار خود می‌اندازد و مجد و عظمت کشور کهن سال ما را در خاطره ها تجدید می‌کند.

امیدوارم با تجدید هر سال و رسیدن هر نوروز صفحه تازه‌ای بر صفحات تاریخ پر افتخار ملت ایران افزوده شود. سعادت و سلامت و کامیابی عموم هموطنان عزیز را از خداوند متعال خواستارم.

دکتر محمد مصدق

پیام مصدق به ملت ایران درباره توطئه ۹ اسفند و دیگر

توطئه های دربار، ۲ شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۳۲

هموطنان عزیز

روز نهم اسفند گذشته به این عنوان که دکتر مصدق می‌خواهد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را به خارج روانه کند عده‌ای جلوی کاخ اختصاصی آمده بودند و قصدشان این بود که در موقع خروج از کاخ کار مرا یکسره سازند ولی به هدف نرسیدند. پس از آن جلوی خانه این‌جانب آمدند و باز کامیاب نشدند.

گرچه توضیحات راجع به تصمیم این مسافرت را همان شب در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی داده‌ام ولی نظر به اینکه رسماً و کاملاً منتشر نشد و حتی به مردم چنین وانمود کردند که ابتکار این مسافرت با این‌جانب بوده و اختلاف شخصی بین اعلیحضرت همایونی و این‌جانب وجود دارد این است که لازم می‌دانم چگونگی را برای روشن ساختن اذهان عمومی باستحضار هموطنان عزیز برسانم.

هموطنان عزیز بخوبی واقفند اگر این‌جانب تصدی نخست وزیری را با کِبَر سن و ضعف مزاج به عهده گرفتم برای این بود که قانون ملی شدن صنعت نفت را سرانجام دهم و همانطور که بارها متذکر شده‌ام صلاح ندیدم که با وجود جنگ در دو جبهه را بر ملت ایران تحمیل نمایم از اینرو تا سر حد امکان کوشیدم که در امور داخلی وضع

موجود را حفظ کنم ولی در همان اوائل در نتیجه احساس عدم امنیت برای شخص خود در مجلس متوقف شدم و رئیس شهربانی وقت را از کار بر کنار کردم.

پس از آن جناب آقای علاء وزیر دربار مرا در مجلس ملاقات نموده در ضمن مذاکراتی که بعمل آمد اظهار نمودند اوضاع خوب نیست مبادا ترتیبی پی آید که کشور ما جمهوری شود بدین جهت برای اینکه خاطر شاهانه نگران نباشد در چهارم خرداد ۱۳۳۰ شرحی بدین مضمون:

«پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی. چون مدت خدمت چاکر به محض خاتمه کار نفت بسر خواهد رسید برای ریاست شهربانی کل کشور به هیچ وجه نظری نمی‌تواند به عرض برساند و تعیین آن فقط منوط به اراده ملوکانه است.» عرض نمودم.

دو سه روز به قضیه ۲۳ تیر بیشتر نماینده بود که اعلیحضرت خود شان رئیس شهربانی را تعیین فرمودند و بعد قضیه ۲۳ تیر در تهران پیش آمد و این حادثه بهانه‌ای شد که در مجلس علیه دولت مخالفت های شدید آغاز کنند.

این‌جانب از پیشگاه شاهانه مجازات رئیس شهربانی را خواستم مشارالیه به دادگاه نظامی فرستاده شد ولی دادگاه او را تبرئه کرد.

در موضوع اداره امور ارتش نیز مدت‌ها رویه گذشته را پیروی کردم ولی رفت‌ورفته تحریکات بر ضد دولت توسعه پیدا کرد، بطوریکه پس از مراجعت از آمریکا مذاکراتی که در یک جلسه شش ساعته با حضور اعلیحضرت همایونی بعمل آمد به این نتیجه رسید که انتخابات مملکت در همه جا بطور آزاد و بدون اینکه توصیه‌ای برای انتخاب اشخاص به فرمانداران و فرماندهان ارتش بشود، صورت گیرد.

ولی در خلال انتخابات مشهود گردید که بعضی از افسران در پاره‌ای از نقاط به اوامر دولت وقعی نمی‌گذارند و به وسائل مختلف در حق مشروع مردم دخالت می‌نمایند بطوریکه موقع عزیمت به لاهه انتخابات ۵۵ کرسی مجلس صورت نگرفت.

در این ایام توقف در لاهه تحریکات بر ضد دولت به شدت جریان داشت که حتی نبی الله ضارب را تلقین کرده بودند که در دادگاه اعتراف کند که در جرم منتسب به او این جانب شرکت داشته‌ام و منظور این بود که این خبر را مطبوعات خارجی در همه جا منتشر کنند تا دیوان بین‌المللی دادگستری وقعی به مدافعات نماینده ایران نگذارد و به جهانیان نشان دهند که مدافع دولت ایران آن کسی است که در این توطنه ها شرکت داشته است.

پس از مراجعت از لاهه این تحریکات به منتهای شدت خود رسید و سلم شد که بدون وسائل رئیس دولت نمی‌تواند مسئول حفظ امنیت و انتظامات باشد از این رو ناچار شدم که درخواست تصدی وزارت جنگ را شخصاً بنمایم و در روز ۲۶ تیر که نظر خود را به عرض ملوکانه رسانیدم فرمودند خوب است اول من چمدان خود را ببندم بروم بعد شما این کار را تقبل کنید. به عرض رسید وقتی اعلیحضرت اعتماد دارند که من در

رأس دولت باشم چگونه اعتماد ندارند که وزارت جنگ را که جزئی از دولت است تصدی نمایم بنابراین خوب است مرا از تصدی ریاست دولت معذور بدانند و به هر نحو که مقتضی می‌دانند عمل فرمایند.

پس از مذاکرات زیاد چنین قرار شد اگر تا ساعت هشت آنروز خبری از طرف اعلیحضرت نرسید من استعفای خود را بفرستم والا بکار ادامه دهم موقع مرخصی از من خواستند اگر وقایعی رخ داد آنچه را که در خیر شاه لازم است خودداری نکنم. عرض شد که من به پدر شما در دوره ششم قسم نخوردم ولی به شما که مرا از زندان پدر خود نجات داده‌اید در دوره چهاردهم قسم خورده‌ام و بدون قسم نیز همیشه به اعلیحضرت وفادار بوده‌ام.

ساعت هشت رسید و چون خبری از اعلیحضرت نرسید استعفای خود را با ذکر علت فرستادم و بر طبق اطلاعات بعدی همان روز با قوام داخل مذاکره شدند که نتیجه آن مذاکرات منجر به وقایع سی ام تیر گردید.

پس از اینکه به اراده ملت مجدداً این جانب مأمور تشکیل دولت شدم روز اول مرداد ۱۳۳۱ که احساسات مردم به اوج عظمت خود رسیده بود و همه از جریان آن واقعه استحضار کامل دارند برای اینکه بکلی رفع نگرانی از اعلیحضرت بشود و دشمنان مملکت در این موقع که ما گرم مبارزه با اجنبی هستیم هر روز نتوانند به نوعی ذهن ایشان را مشوب نموده اختلافی میان دربار و دولت بیندازند و از این راه به اساس نهضت ملی ضربتی برسانند این شرح را:

«دشمن قرآن باشم اگر بخواهم بر خلاف قانون اساسی عمل کنم و همچنین اگر قانون اساسی را نقض کنند و رژیم مملکت را تغییر دهند من ریاست جمهوری را قبل نمایم».

در پشت کلام الله مجید نوشته و آن را به حضورشان فرستادم ولی با این حال تا آثار جریان سی ام تیر و احساسات بی شائبه مردم اثر خود را در افکار باقی نگه داشته بود از هیچ کجا کار شکنی و بهانه جوئی نمی‌شد ولی بعد از مدتی مجدداً در مجلس سنا بعضی از نمایندگان انتصابی بنای مخالفت را گذاشته و موجبات تضعیف دولت را فراهم می‌آوردند.

در خلال این احوال یک روز صبح آقای علاء وزیر دربار در ضمن ملاقات خود اظهار نمودند که اعلیحضرت می‌خواهند مسافرتی به خارج بفرمایند عرض کردم علت این مسافرت چیست، گفتند که اعلیحضرت از بیکاری خسته شده اند. عرض کردم چه کاری در این مملکت ممکن است اعلیحضرت را مشغول کند دولت همیشه به وظیفه خود عمل نموده و کارهایی که باید از مجاری دربار بگذرد به عرض رسانیده است و اگر مسائلی قبلاً به عرض نرسیده از نظر رفع محضورات بوده است فی المثل موضوع بسته شدن کنسولگری های انگلیس در تهران در موقع به عرض نرسید و علت این بود که اگر خارجی ها به دربار مراجع می‌کردند از دو حال خارج نبود چنانچه تقاضای آن‌ها پذیرفته می‌شد مورد پسند ملت نبود و اگر نمی‌شد مستقیماً اعلیحضرت خود را با سیاست خارجی طرف کرده بودند و مصلحت این بود که بار این مسئولیت را دولت طبق وظیفه قانونی

که داشت عهده دار شود مخصوصاً اینکه وضعیت چنین ایجاب می‌کرد که تا تصمیم دولت به سفارت انگلیس ابلاغ نشود موضوع مستور و محرمانه بماند.

ضمناً آقای وزیر دربار یکی دیگر از دلایل مسافرت را کسالت اعلیحضرت و همچنین اعلیحضرت ملکه و لزوم پاره‌ای معاینات طبی ذکر نمودند و من اینطور اظهار نمودم که خوب است اول اعلیحضرت مسافرت فرمایند چنانچه لزوم پیدا کرد اعلیحضرت هم بعد مسافرت بفرمایند.

چیزی نگذشت که مشاهده شد تحریکاتی بر علیه شخص این جانب و تضعیف دولت، از قبیل مذاکرات بعضی نمایندگان قبل از دستور در مجلس، و تجمع عده زیادی از افسران مسلح بازنشسته در اغلب روزها جلو خانه این جانب و غائله ابوالقاسم بختیار در خوزستان و تحریک عناصر مفسده جو به وسائلی که مخالفین دولت در دست داشتند، جریان دارد.

در اینجا لازم می‌دانم چگونگی بازنشسته شدن این افسران را توضیح دهم.

هنگام تصدی وزارت جنگ به اعلیحضرت همایونی عرض شد که چون این این جانب سابقه ای در وزارت جنگ ندارم و نظریات اعلیحضرت را نیز می‌خواهم در امور آنجا کاملاً رعایت نمایم خوب است سه نفر از امرای طرف اعتماد خود را معرفی فرمایند که این جانب در کارهای آن وزارتخانه با آنها مشورت نمایم لذا آقایان سپهبد نقدی، سپهبد اق اولی و سرلشکر بهارمست برای این کار تعیین شدند و بعد موضوع اصلاحات و تقلیل بودجه پیش آمد چون هر دسته از واحدهای نظامی پنج نفر را از بین خود انتخاب نمودند که به سوابق افسران آن واحد رسیدگی شود و نظر بدهند پس از آنکه نظریات مزبور رسید این جانب دیدم عده بالنسبه زیادی را پیشنهاد کرده‌اند که بازنشسته شدن از سه نفر مشاورین فوق الذکر و دو معاون وزارت دافع ملی که هیئت مشاوره را تشکیل می‌دادند تمنا نمودم به موضوع دقیقاً رسیدگی و بررسی نمایم چنانچه عده زیادی هم بازنشسته نشوند برای دولت های بعد مجال خواهد بود که به سوابق آنها رسیدگی کنند ولی توجه فرمایند که بر خلاف قانون کسی بازنشسته نشود و آنها پس از چندین روز مطالعه و رسیدگی پیشنهاد نمودند که از بین آن عده فقط ۱۳۶ نفر بازنشسته شوند که بعد از تصویب اعلیحضرت به موقع اجراء گذاشته شد و زائد است عرض کنم که این جانب شخصاً حتی یک نفر از این عده را نمی‌شناختم و هنوز هم نمی‌شناسم.

دولت چون می‌دید هر روز دامنه تحریک توسعه پیدا می‌کند و می‌خواهند موجبات تضعیف او را فراهم سازند ناگزیر شد که از این تحریکات جلوگیری کند. لذا از دربار نماینده ای خواستم که وضعیت را به عرض اعلیحضرت برسانم چنانچه چاره جوئی نشد ضمن یک پیام مراتب را به عرض ملت برسانم و از ملت کسب تکلیف نمایم.

روز جمعه اول اسفند با حضور ۳ تن از نمایندگان مجلس شورای ملی مراتب به فرستاده اعلیحضرت همایونی گفته شد و چند روز گذشت تا اینکه روز سه شنبه پنجم اسفند مقارن غروب هفت نفر از نمایندگان فراکسیون نهضت ملی به منزل این جانب آمده اظهار نمودند که به دربار رفته‌اند و اعلیحضرت مراتب پشتیبانی خود را تأیید و وعده هرگونه مساعدت را داده‌اند. در خلال این احوال یکی از آقایان نمایندگان را از دربار

پای تلفن خواستند و ایشان پس از مراجعت اظهار نمودند خبری دارم که قول شرف از نمایندگان می گیرم، محرمانه بماند. و آن این است که اعلیحضرت تصمیم گرفته‌اند مسافرتی به خارج بفرمایند و آقایان وزیر دربار و والاتبای هم می‌آیند که در این مورد با نخست وزیر داخل مذاکره شوند طولی نکشید که آقایان مزبور به منزل این‌جانب آمدند و مذاکراتی به عمل آمد که نتیجه این شد.

صبح روز بعد این جانب شرفیاب شدم که این شرفیابی چهار ساعت بطول انجامید. نظریات اعلیحضرت این بود که توقفشان در ایران موجب خواهد شد که عده‌ای به دربار رفت و آمد کنند و این رفت و آمد ها سبب شود که در جامعه سوء تفاهماتی حاصل گردد. بنابراین صلاح شخص خودشان و مملکت در این است مسافرتی که از دو ماه تجاوز نکند برای استراحت و معاینه طبی به خارج بفرمایند ضمناً احتمال می‌دادند که در ایام مسافرت مسئله نفت هم حل می‌شود و پس از مراجعت دیگر محظورات و مشکلاتی باقی نمی‌ماند. مخصوصاً فرمودند که این مذاکرات باید بقدری محرمانه باشد که احدی مطلع نشود و برای اینکه در استتار بماند با طیاره مسافرت نخواهد کرد زیرا تهیه جا در طیاره سبب خواهد شد که مردم نه فقط از مسافرت بلکه از روز و ساعت حرکت هم مطلع گردند و به این لحاظ مسافرت با اتومبیل را در نظر گرفتند که به عنوان مسافرت به رشت از تهران خارج شوند و به سمت بغداد حرکت فرمایند.

پس از آن فرمودند که برای مسافرت دو ماه چهل هزار دلار و ده هزار دلار هم برای مخارج مقدماتی که مجموعاً پنجاه هزار دلار باشد لازم است که قرار شد روز حرکت ده هزار دلار از بانک ملی گرفته تقدیم شود و چهل هزار دلار دیگر را بعد که تصویب نامه هیئت وزیران صادر شد ارسال نمایم.

و باز چنین قرار شد که یکی از دُول رسماً از اعلیحضرت دعوت کند و مذاکراتی نیز در این زمینه بوسیله وزارت امور خارجه انجام گرفت و هنگام مرخصی فرمودند روز حرکت یا شنبه نهم اسفند و یا یکشنبه دهم خواهد بود.

روز پنجشنبه با آقای وزیر دربار ملاقاتی دست داد و درباره شورای سلطنتی که در غیاب اعلیحضرت باید وظائف مربوط به سلطنت را انجام دهد مذاکراتی بعمل آمد و پیشنهاد نمودند که عضویت این شورا را که مرکب از سه نفر یکی از والاحضرتان شاهپور و وزیر دربار و این‌جانب خواهد بود و بپذیرم و چون بعد در تعداد اعضاء و اشخاص آن نظرات دیگری اظهار نمودند این جانب از قبول عضویت معذرت خواستم و حق همین بود زیرا شورای سلطنتی از دولت مجزا و نخست وزیر نمی‌بایست در آن دخالت نماید.

و باز صبح شنبه نهم اسفند اول وقت ملاقاتی دست داد و اظهار نمودند که امروز اعلیحضرت قصد عزیمت دارند و صورت گذرنامه هائی را که باید تهیه شود دادند و گفتند همچنین قرار شده است که یک ساعت و نیم بعد از ظهر این‌جانب برای صرف ناهار شرفیاب شوم و دو ساعت و نیم بعد از ظهر وزراء برای تشریفات موقع حرکت حاضر باشند و ساعت سه بعد از ظهر هم موکب همایونی حرکت فرمایند.

پس از آن حضرت آیت الله بهبهانی بوسیله تلفن سؤال کردند آیا اعلیحضرت می‌خواهند به خارج مسافرتی بفرمایند؟ چاره‌ای نداشتم مگر اینکه بگویم شنیده‌ام. گفتند چرا مانع نمی‌شوید جواب دادم دولت نمی‌تواند از تصمیم اعلیحضرت جلوگیری کند خودتان با دربار مذاکره بفرمائید.

سپس روسای ستاد ارتش - شهربانی- فرماندار نظامی حتی رئیس کلانتری ناحیه کاخ را خواسته و به هر یک از آن‌ها جداگانه دستورات کافی برای حفظ انتظامات اطراف کاخ و خانه خود دادم که مبدا هنگام حرکت اتفاق ناگواری روی دهد.

مجدداً دو ساعت قبل از ظهر آقای وزیر دربار چند کلمه به زبان فرانسه با تلفن صحبت کردند و گفتند گوشی را به اعلیحضرت می‌دهم که فرمایشاتی دارند بفرمایند. اعلیحضرت فرمودند چون می‌خواهم ظهر حرکت کنم شما بجای یکساعت و نیم بعد از ظهر ظهر شرفیاب شوید. عرض کردم وزرا هم شرفیاب بشوند، فرمودند ضرری ندارد. در این گیر و دار خبر تشکیل جلسه خصوصی مجلس رسید که وکلا از جریان عزیمت مستحضر گردیدند.

بطوریکه مقرر فرموده بودند ظهر این‌جانب رفتم اعلیحضرت و علیاحضرت وارد تالار شدند پس از چند دقیقه مذاکره فرمودند هیئت رئیسه نامه‌ای از مجلس آورده می‌خواهند مانع مسافرت من بشوند و من می‌خواهم آن را ندیده حرکت کنم. عرض کردم بهتر آنستکه آن‌ها را بپذیرید اگر دلایلی برای انصراف از مسافرت اظهار نمودند قبول بفرمائید اعلیحضرت برای پذیرفتن آن‌ها تشریف بردند و یک ربع ساعت بعد مراجعت و فرمودند که برادرانم از مسافرت من اطلاع نداشتند و حالا برای وداع آمده اند. خوب است هیئت وزیران بیایند که من بتوانم بعد بروم با آن‌ها وداع نمایم. هیئت وزیران وارد تالار شدند و پس از اصغاء بیانات ملوکانه و عرایض این‌جانب اعلیحضرت برای وداع تشریف بردند و هیئت وزیران هم از تالار خارج شدند چون روز پنج‌شنبه با آقای وزیر دربار قرار شده بود هیئت وزیران موقع حرکت حضور داشته باشند بوسیله رئیس تشریفات دربار استفسار شد، فرمودند که دیگر با هیئت وزیران کاری نیست.

این بود که ساعت یک بعد از ظهر قبل از آقایان وزراء این‌جانب از کاخ خارج شدم و هنوز به در نرسیده بودم که صدای جمعیتی بگوשמ رسید و موجب تعجب گردید زیرا با دستوراتی که به مأمورین انتظامی داده بودم چنین وضعیتی را انتظار نداشتم.

در ضمن اینکه فکر می‌کردم بروم یا بر گردم یکی از کارمندان دربار که از خارج وارد شده بود از پهلوی من گذشت سؤال کردم آیا ممکن است مرا راهنمایی کنید که از در دیگری خارج شوم با کمال خوشروئی و محبت قبول کرده و مرا به در دیگر سمت شمال که به چهار راه حشمت الدوله باز می‌شود هدایت نمود پس از آن کسی را فرستادم اتومبیل را مقابل این در آوردند.

افرادی که مقابل در معمولی که سمت جنوب کاخ است جمع شده بودند به محض اینکه اتومبیل به سمت در شمالی حرکت نمود دنبال آن آمدند ولی قبل از اینکه به آنجا برسند این‌جانب سوار شده به خانه مراجعت کردم و آن‌ها در جلوی همان در توقف نمودند که بعد شنیدم گفته بودند مرغ از قفس پرید.

عده‌ای پاسبان در سمت چهار راه حشمت الدوله که به طرف خانه این‌جانب می‌آمدند و مانع از عبور جمعیت می‌شدند که در این اثنا والاحضرت شاهپور حمید رضا از آن در خارج شده دلیل توقف قوای انتظامی را در آنجا سؤال کرد و گفت و مردم آزادند به هر کجا که می‌خواهند بروند این بود که پس از مرتفع شدن مانع جمعیت به در خانه این جانب هجوم آوردند.

در اینجا لازم است گفته شود که پیشاپیش این عده چند نفر افسر حاضر به خدمت و بازنشسته و چند تن چاقوکش معروف حرکت و قریب یک ساعت سعی می‌کردند که در را شکسته وارد خانه شوند.

در آهنی بود و موفق نشدند. عده‌ای هم مشغول شکستن در خانه پسریم که چوبی و مجاور در آهنی است بودند و قسمتی از آن را شکستند ولی نمی‌دانستند که از این در هم می‌شود به حیاط من آمد به محض اینکه در را شکستند ساکنین خانه به حیاط من آمدند و پسریم گفت چون هدف این اشخاص شما هستند اگر شما از این خانه بروید تنها نه فقط کسان شما بلکه جان عده‌ای از کارمندان نخست وزیری هم که در اینجا هستند محفوظ خواهد ماند این بود که از خانه خود به خانه مجاور و از آنجا به ستاد ارتش رفتم.

پس از عزیمت من چون هنوز اشرار از حرکت من اطلاع پیدا نکرده بودند بوسیله ضربات جیب قسمت بخش خون بهداری وزارت دفاع ملی که راننده دولتی و یک چاقوکش معروف در آن بود در آهنی خانه را شکسته و چند نفر نظامی که در خانه بودند ناگزیر به تیراندازی شدند و آن افراد که بوسیله تطمیع از خارج و داخل جمع آوری شده بودند چون هدف معینی نداشتند فرار کردند.

در اینجا لازم است عرض کنم که در تمام این مدت رئیس ستاد ارتش که باید حاضر به خدمت باشد در کاخ اختصاصی متوقف بود و بر طبق گزارش رسمی فرماندار نظامی وسایلی را که برای حفظ نظم و جلوگیری از اشرار خواسته بود در اختیار او گذاشته بودند و موقعی از اشرار خواستند جلوگیری کنند که مدتی قبل این‌جانب از خانه رفته بودم.

بدین ترتیب هموطنان عزیز متوجه می‌شوند که شایعه اختلاف شخصی این جانب و اعلیحضرت همایونی مفهومی نداشته و در تصمیم اعلیحضرت به مسافرت این‌جانب مداخله ای نداشتیم.

حال چرا این اکاذیب را انتشار می‌دهند و چرا کوشش در استقرار مشروطیت ایران را به صورت اختلاف بین شاه و نخست وزیر جلوه گر می‌سازند علت دیگری دارد که اکنون به اطلاع هموطنان عزیز می‌رسانم.

حوادث اخیر معلول سلسله تحریکات و دنباله یک رشته دسانسی است که از بدو تشکیل دولت حاضر هر روز به نوعی جلوه گر شده و منظور محرکین اصلی همواره هدف واحدی بوده و آن عقیم ساختن نهضت ملی ما می‌باشد.

دولت استعمار طلب هر کجا که بخواهند مقاصد خود را پیش ببرند نقشه هائی دارند که هر یک از آنها با اوضاع و احوال روز تطبیق کند آنها انتخاب نموده و به موقع اجرا می‌گذارند و از هر گونه اختلاف و اختلال داخلی کشورها سوء استفاده می‌نمایند.

در طول یک صد و پنجاه سال اخیر در این مملکت با کسانی که به حمایت منافع وطن خویش برخاسته اند با حربه های گوناگون مبارزه کرده‌اند و هر یک از آنها را به نوعی از میان برده اند.

یک نظر اجمالی به حوادثی که در قرن اخیر در ایران روی داده است بخوبی نحوه عمل سیاست شوم خارجی را در ایران معلوم می‌کند و با مقایسه اوضاع و احوال و مقتضیات عهد یک حقیقت مسلم را که تکرار وقایع تاریخ یاست روشن و آشکار می‌سازد.

کسانی که از جریان زندگی سیاسی این‌جانب مستحضرند بخوبی می‌دانند که انگلیس ها در اجرای مواد برنامه استعماری یک قسمت از مساعی خود را از ساله پیش یعنی چند سال قبل از کودتا تا امروز برای مایوس و مغلوب کردن این جانب همواره مصروف داشته اند از قبیل دسائسی که علی‌رغم اختیاراتی که در دوره چهارم تقنینیه برا تصویب قانون موقت تشکیلات وزارت دارایی و موازنه بودجه و تصفیه کارمندان آن وزارتخانه از مجلس به این‌جانب داده شده بود، بکاربرده و پس از آن موجبات سقوط کابینه را که این‌جانب عضویت آنرا داشتم فراهم آوردند و تمامی آن اصلاحات بی نتیجه ماند.

و نیز مشکلات و محظوراتی که در دوره پنجم و ششم تقنینیه برای انجام وظیفه داشته‌ام که منجر بهن چهارده سال تحت نظر و مراقبت شهربانی و ده نشینی بالاخره حبس در زندان بیرجند گردید که چون شرح تمام آنها در اینجا طولانی خواهد شد و از حوصله این پیام خارج است فقط حوادث دو سال اخیر را بطور اجمال یادآوری می‌نمایم.

یکی از روزهای اول نخست وزیری خود که صبح به کاخ ابیض رفتم وقتی که از آنجا خارج می‌شدم ناگهان دو نفر زن کی یکی از آنها بچه‌ای در بغل داشت جلوی اتومبیل من که در حال حرکت بود آمدند و آن را متوقف ساختند و معلوم شد دو نفر مرد نیز از دو متوجه من هستند.

ولی بلافاصله مأمورین نخست وزیری رسیدند و آن دو نفر ناپدید شدند و زن‌ها نیز در موقع بازجوئی نتوانستند دلیل موجهی برای متوقف ساختن اتومبیل بیان کنند و این سبب شد که این جانب برای چندی مجلس شورای ملی را محل توقف خود قرار دهم و از عبور و مرور در خارج اجتناب نمایم و همان روز قبل از رفتن به مجلس حضور علیحضرت شرفیاب شده واقعه را عرض کردم فرمودند گزارشی هم به من رسیده بود.

بار دیگر که عمال بیگانه قصد جان این جانب را کرده بودند واقعه‌ای بود که روز یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۳۰ هنگام تشکیل جلسه علنی مجلس اتفاق افتاد و شرح قضیه بطور خلاصه این است که عده‌ای چاقوکش مست را به عنوان تماشاچی به سالن جلسه آوردند تا موقعی که این جانب به معیت هیئت دولت وارد جلسه شوم فریاد مرده باد دکتر

مصدق را بلند کنند و چون بر خلاف آن‌ها صدائی بلند می‌شد آن وقت زد و خورد را به داخل جلسه بگشانند و کار خود را صورت دهند یکی از نمایندگان که قبلاً این مطلب را استنباط نموده بود چنین صلاح اندیشی کرد که در اتاق انتظار بمانم و از رفتن در جلسه خودداری نمایم که به همین ترتیب عمل شد تا اینکه یکی از نمایندگان مخالف دولت به جلسه وارد شد و کسانی که قرار بود برای من مرده باد بگویند برای او زنده باد گفتند. دسته دیگر به حمایت از دولت عمل نمود و کار جار و جنجال به تالار جلسه کشید، جلسه را تعطیل و چاقوکشان را خارج نمودند و مجدداً جلسه تشکیل و تماشاچیان جلسه به کارمندان مجلس منحصر گردید که بیم هر اتفاقی از بین برود.

باز هم به انجام دادن مقصود توفیقی نیافتند و فقط نمایندگان مخالف توانستند در نطق های خود بیانات توهین آمیزی بکنند که این‌جانب همه را تحمل و بردباری نموده پس از یک نطق مفصلی که تا مدت زیادی بعد از ظهر طول کشید بدون اینکه جوابگوئی کنم و تشنجی حاصل شود جلسه خاتمه یافت ولی در جلسه بعد که این‌جانب حضور نداشتم مخالفین در نطق های خود هتاکی و ناسزاگوهایی را بجائی رسانند که مرا بکلی از خدمت مأیوس نموده و ناگزیر از کناره گیری شوم ولی چون این‌جانب هدفی بالاتر داشتم و از نقشه حریف که به انواع وسائل می‌کوشید مرا از کار دلسرد کند آگاه بودم به هیچوجه توجهی به گفته‌ها ننموده و با کمال رضا و رغبت بکار ادامه دادم.

همه می‌دانند که در دوره شانزدهم اقلیت مخالف دولت در مجلس با علیاحضرت ملکه مادر و والاحضرت شاهدخت اشرف دائماً در مراد بوده و ارتباط کامل داشتند و بجای اینکه اوقات دولت صرف اصلاحات امور اساسی بشود صرف مبارزه با اقلیت می‌کردید.

البته عملیات نمایندگان مخالف دولت و تحریکاتی که می‌شد به عرض اعلیحضرت همایونی می‌رسید و چون اطرافیان مؤثر دربار شنوائی نداشتند منتج به نتیجه نمی‌گردید.

وقایع نهم اسفند نمونه جدیدی از همین دسائس می‌باشد ولی ملت بیدار ایران کاملاً به حقیقت امر واقف بوده و همانطوریکه تا کنون اقدامات عمال بیگانه را نقش بر آب کرده است این بار هم نخواهد گذاشت که دشمنان ایران به هدف رسیده و نهضت ملی ایران را با شکست مواجه سازند.

در خاتمه لازم است تأیید کنم به قسمتی که نسبت به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی یاد کرده‌ام همیشه وفادارم و اطاعت از اصول قانون اساسی را نه فقط در صلاح مملکت بلکه در صلاح مقام سلطنت نیز می‌دانم ولی چون قبل از نهضت اخیر که سیاست خارجی در امور مملکت دخالت می‌کرد هیچگونه اختلاف اساسی بین دربار و دولت های وقت وجود نداشت و این اختلافات پس از ملی شدن صنعت نفت بوجود آمد. امیدوارم که مجلس شورای ملی هر قدر زودتر تکلیف گزارش هیئت ۸ نفری حل اختلاف را معلوم کنند و به روح قانون اساسی مفهوم حقیقی خود را باز گردانند تا هیچوقت بین دربار و دولت ها جای اختلاف نباشد.

در مملکت مشروطه برای اینکه مقام سلطنت محفوظ و مصون از تعرض باشد پادشاه مسئول نیست و به همین جهت است که گفته‌اند پادشاه سلطنت می‌کند نه حکومت.

نامه تسلیت مصدق به خانواده سرلشگر افشارطوس

با نهایت تأثر شهادت اسف انگیز افسر ارشد و فداکار مرحوم تیمسار سرتیپ افشارطوس رئیس شهربانی کل کشور را که در راه ایفاء وظیفه و خدمت به وطن و مبارزه با توطئه های ضد ملی به وضع ناجوانمردانه ای توسط ایادی ناپاک و خائن به کشور، شربت شهادت نوشیده است، به خاندان داغدیده آن مرحوم تسلیت عرض می کنم. شهادت این افسر رشید برای ملت ما ضایعه ای فراموش نشدنی است. من خود را در این مصیبت بزرگ با خاندان جلیل افشارطوس سهیم می دانم و با استظهار به عدل الهی و اطمینان به اجرای قانون از خداوند متعال صبر و شکیبایی خاندان شهید فقید را مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

اظهارات مصدق به نمایندگان عضو دو فراکسیون اتحاد و کشور

درباره اسباب چینی ها در مجلس علیه دولت ۴ تیر ۱۳۳۲

آقایان محترم

پس از اظهار تشکر از اینکه سرافرازم فرموده اید چون نمی خواهم با مذاکرات مفصل اوقات شریف آقایان را تلف کنم مطالب خود را در چند جمله مختصر معروض می دارم.

چنانکه خاطر آقایان مستحضر است این جانب مکرر علاقمندی خود را به حفظ احترام و تقویت مجلس شورای ملی اظهار داشته و آرزومند بوده و هستم که مجلس مرکز ثقل مملکت و مرجع و منشاء تمام آمال و ترقیات ملت ایران می باشد.

دلایل این کار یکی دو تا نیست ولی چون در مقام تفصیل نیستم فقط دو موضوع که دلیل علاقه این جانب به مجلس شورای ملی است به عرض می رسانم.

دلیل اول اینکه مجلس نماینده مردم و پشتیبان دولت و حافظ هر دولتی در مقابل تقاضاها و احیاناً فشارهای خارجی است و به همین جهت هیچ دولتی مستغنی از وجود مجلس نیست.

دلیل دوم اینکه ملت ایران و به همین جهت هر دولت ملی میل دارد اساس مشروطیت در مملکت مستقر شود و مشروطیت بدون مجلس تحقق پذیر نیست ممکن است گفته شود مجالس ما پاره‌ای از اوقات بوظیفه خود عمل نمی‌کنند و منظور مردم را تأمین نمی‌نمایند.

با تصدیق این موضوع باید عرض کنم که رژیم مشروطیت همه جا در ابتدا به همین ترتیب شروع شده و بتدریج مجلس کامل تام‌العیار بوجود آمده است بنابراین ما هم باید همین طریق را طی کنیم تا مجلس که کمال مطلوب ماست بوجود آید و اگر غیر از این رفتار کنیم مثلاً به خیال داشتن مجلس خوب در آینده از آنچه فعلاً داریم صرف نظر نمائیم بر فرض که ۵۰ سال هم مقدمات مجلس خوب را فراهم کنیم بدون وجود خود مجلس به نتیجه نخواهیم رسید. زیرا هر وقت شروع کنیم همین مشکل را که فعلاً دچار آن هستیم و لازمه شروع کار با دوره تمرین مشروطیت است باید طی کنیم.

پس به عقیده بنده تعطیل مجلس به هیچ‌وجه جائز نیست و هر دولت ملی باید تمام مساعی خود را بکار برد که مجلس وجود داشته به وظایف خود عمل نماید.

اما مجلسی که بتواند منشاء آثار باشد و مفید به حال مملکت واقع شود مجلسی است که در آن مطابق اصول معموله پارلمانی دنیا اکثریت و اقلیتی وجود داشته باشد و نمایندگان مجلس در فراکسیون‌های مختلف به یکی از دو صف اکثریت و اقلیت بپیوندند اکثریت حکومت کند و اقلیت هم به وظیفه وجدانی و ملی خود عمل نموده نواقص یا عیوب کار دولت را به دولت گوشزد کند و رفع آنرا جداً بخواهد

محتاج به ذکر نیست که وظایف قانونی مجلس اعم از قانونگذاری و انتخاب دولت و تعیین خط مشی سیاسی مملکت به عهده اکثریت و اقلیت مجلس است و منفردین که عقیده خود را صریحاً اظهار نکنند نمی‌توانند به وظیفه خود عمل کنند زیرا افراد نمایندگان وقتی در مجلس منشاء اثر خواهند بود که مردم آن‌ها را به عقیده صریحی بشناسند و بتوانند با اکثریت یا اقلیت همکاری کنند و اگر غیر از این باشد احتمال می‌رود که مردم اینطور تصور کنند که منفردین در سیاست عقیده ثابتی ندارند و هر روز به سمتی متمایل می‌شوند.

بنابراین هر مجلس که بتواند منشاء آثار مفیده برای مملکت باشد مجلسی است که دارای اکثریت و اقلیت ثابتی باشد که یکی پشتیبان و دیگری راهنمای دولت باشد و به کمک آن‌ها دولت بتواند موفق به اصلاحات شود.

پس از ذکر این کلیات باید بعرض آقایان برسانم که دشمنان ملت ایران اختلافاتی را که ملاحظه می‌فرمائید ایجاد کرده و انتظار دارند که با تقویت مخالفین اسباب تزلزل و سقوط دولت را فراهم نموده به آمال دیرین خود برسند.

شواهد و دلایل این اسباب چینی فراوان است و در صورت لزوم به سمع ملت ایران خواهد رسید البته وظیفه دولت این است که در مقابل دسائس خارجی مقاومت کند و اصلاحاتی را که شروع کرده است ادامه دهد.

ولی این کار وقتی صورت پذیر است که فوراً اکثریت ثابتی در مجلس تشکیل شود تا دولت باتکاء آن بتواند تا آخر دوره ۱۷ لویجی را که برای مملکت مفید و لازم می‌داند از خود مجلس بگذراند و الا با وضع فعلی مجلس دولت که مسئول اداره مملکت است به هیچ‌وجه نمی‌تواند از اختیارات خود صرف‌نظر کند زیرا صرف‌نظر کردن از اختیارات با وضعت فعلی مجلس که کوچکترین قدمی در راه اصلاحات بر نمی‌دارد بنظر دولت کاملاً برخلاف مصلحت و مضر به حال مملکت است و قابل دوام نیست و دولت که در مقابل مردم اخلاقاً و قانوناً مسئولیت دارد نمی‌تواند ناظر این اوضاع باشد و ناچار برای رفع این مشکلات باید چاره‌ای بیاندیشد. مکرر عرض شده و باز تکرار می‌کنم مجلسی که بر طبق اصول معموله پارلمانی دنیا رفتار کند و در گذراندن قوانین مفیده به حال مردم به وظیفه خود عمل نماید چنین مجلسی کعبه آمال ملت است و همه‌کس باید از دل و جان در تقویت احترام آن بکوشد.

آقایان محترم اصلاح اوضاع کنونی مملکت مخصوصاً اصلاحات اقتصادی و مالی مستلزم این است که اوقات دولت پیوسته مصروف حل این مشکلات باشد حال اگر مجلس که باید با دولت همکاری کند، و محتاج به ذکر نیست که مجلس با هر دولتی که منتخب اوست باید همکاری کند و الا اداره کردن مملکت غیر ممکن خواهد بود، وقت خود را صرف کشمکش‌های شخصی نماید و حتی عده‌ای از نمایندگان پیوسته بجای کمک یا راهنمایی در صدد فلج کردن کار دولت باشند و دولت مجبور شود که تمام اوقات خود را در جلوگیری از خرابکاری‌های مخالفین صرف کند به‌هیچ‌وجه قادر به اصلاحاتی نخواهد بود.

و با کمال تأسف باید عرض کنم این دولت که در مقابل مردم مسئول امور مملکت است ناچار باید از خود مردم در رفع این مشکل استمداد کند و بنحوی از انحاء به این وضع ناهنجار خاتمه دهد.

پس از تشکر از آقایان محترم و قبل از ختم کلام باید این نکته را به عرض برسانم که تعطیل مجلس به نفع هیچیک از نمایندگان محترم نیست و امیدوارم قبل از آنکه اوضاع و احوال به چنین امر اضطراری منجر شود نمایندگان وطن پرست ملت مجلس را به طریق طبیعی و منطقی خود سوق داده دولت و ملت را از این بن‌بست نجات دهند.

ترجمه غیر رسمی نامه دکتر مصدق به آیزنهاور ۷/۳/۱۳۳۲

حضرت رئیس جمهوری عزیز

در جواب نامه ملاطفت آمیز مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۳ به پیام اینجانب که پیشنهاد فرموده اند نظریاتی را که مورد علاقه مشترک ما بوده است مستقیماً و یا از مجرای دیپلماتیک باستحضار خاطر عالی برسانم. در آن پیام مختصری از پریشانی‌ها و

مضایقی که ملت ایران در راه تحقق بخشیدن به آمل خود در دو سال اخیر تحمل نموده و همچنین مشکلاتی را که دولت انگلستان برای پشتیبانی از ادعاهای غیر منطقی یک شرکت مستعمراتی برای ایران ایجاد کرده است بعرض [رساندم].

در این چند ماهی هم که از تاریخ این پیام می‌گذرد ملت ایران گرفتار مضایق مالی و دسائس سیاسی شرکت سابق نفت و دولت انگلستان بود از آن جمله خریداران نفت ایران را از دادگاهی به دادگاه دیگر کشانده و با تمام وسائل تبلیغاتی و دیپلماسی موانع غیر قانونی در سر راه فروش نفت ایران ایجاد کرده و با اینکه دادگاه های ایتالیا و ژاپون فروش نفت ایران را بلامانع اعلام نموده اند از اقدامها برخلاف حق و اصول تا کنون دست بر نداشته اند.

گر چه امید می‌رفت که در زمان تصدی آن حضرت توجه بیشتری به وضعیت ایران بشود ولی متأسفانه هنوز در روش دولت آمریکا تغییری حاصل نشده است.

در پیامی که آقای وزیر خارجه آمریکا از کراچی برای اینجانب ارسال داشته‌اند اظهار تأسف کرده‌اند از اینکه تاکنون آمریکا در مجاهدات خود برای کمک به حل مسئله غرامت توفیق حاصل نکرده است. باید بخاطر داشت که دولت ایران حاضر شد دیوان بین‌المللی دادگستری قیمت اموال شرکت سابق در ایران را هر قدر تعیین کند بپردازد و نیز حاضر شد که صلاحیت دیوان مزبور را درباره غرامت به این شرط قبول کند که اقلأ دولت انگلیس مدعا به خود را در حدود منطق و انصاف تعیین نماید. بدیهی است که دولت ایران هم از شرکت سابق نفت و دولت انگلیس مطالباتی دارد که در موقع طرح دعوا اظهار می‌کرد.

چون دولت انگلیس به این امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند به هیچیک از این پیشنهادها ترتیب اثر نداد.

اکنون در اثر اقدامات شرکت سابق و دولت انگلستان، ملت ایران در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه این وضع از نقطه نظر بین‌المللی نیز ممکن است عواقب خطیری داشته باشد و اگر در این موقع کمک مؤثر و فوری به این مملکت نشود شاید اقداماتی که فردا به منظور جبران غفلت امروز به عمل آید خیلی دیر باشد البته در این مدت کمک هائی از طرف دولت آمریکا به ایران شده که موجب تشکر است ولی آنقدر نبود که مشکلات ایران را مرتفع کند و صلح جهانی را که هدف و آمل دولت و ملت شرافتمند آمریکا است تأمین نماید.

سطح زندگی مردم ایران در نتیجه یک قرن سیاست استعماری خیلی پایین بوده و بالا بردن آن بدون برنامه های عمرانی دامنه دار امکان‌پذیر نخواهد بود متأسفانه کمک هائی که تاکنون شده اصولأ در حدود کمک‌های فنی بوده و حتی در این قسمت نیز گاهی اوقات مساعدتی که لازم بوده نشده است.

من باب مثال یادآور می‌شود که بانک صادرات که می‌بایست بیست و پنج میلیون دلار برای امور کشاورزی به ایران کمک کند بواسطه دخالت های ناروای دیگران منصرف گردید.

ملت ایران امیدوار است که با مساعدت و همراهی دولت آمریکا موانعی که در راه فروش نفت ایران ایجاد شده برطرف شود و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمک‌های اقتصادی مؤثری بفرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده نماید. کشور ایران غیر از نفت دارای ثروت‌های طبیعی دیگری نیز هست که بهره برداری از آن‌ها مشکلات فعلی کشور را حل خواهد نمود ولی این امر بدون کمک‌های اقتصادی میسر نمی باشد.

در خاتمه توجه موافق و اثربخش آن حضرت را به وضع خطرناک فعلی ایران جلب نموده و یقین دارم تمام نکات این پیام را با اهمیتی که شایسته است تلقی خواهند فرمود.

خواهشمند است احترامات فائقه دوستدار را قبول فرمائید.

دکتر محمد مصدق

ترجمه غیر رسمی پاسخ آیزنهاور به نامه مصدق ۱۲ تیر ۱۳۳۲

آقای نخست وزیر عزیز

نامه آن جناب به تاریخ هفتم خرداد ۱۳۳۲ (۲۸ مه ۱۹۵۳) واصل گردید. در نامه مزبور اوضاع سخت کنونی ایران را شرح داده و اظهار امیدواری فرموده بودید که دولت متحده آمریکا شاید بتواند به ایران کمک کند تا ایران بر پاره‌ای از مشکلات خود فایز آید.

تأخیری که در عرض جواب آمد بدان سبب بوده است که می‌خواستم با مستر دالس و مستر هندرسن سفیر کبیر فرصت مشورت داشته باشم و اکنون که به نوشتن این پاسخ مبادرت می‌کنم محرک دوستدار همان روح صداقت دوستانه ای است که در نامه خود جنابعالی منعکس می بینم.

تاریخ نشان می‌دهد که حکومت آمریکا و مردم آمریکا همیشه احساسات عمیق دوستی نسبت به ایران و مردم ایران داشته و هنوز هم دارند حکومت آمریکا و مردم آمریکا صمیمانه امیدوارند که ایران بتواند استقلال خود را حفظ کند و مردم ایران نیز به حصول آمال ملی خود کامیاب و نیز موفق شوند ملتی خشنود و آزاد بوجود آورند که به ترقی و پیشرفت صلح دنیا کمک کند.

اولاً به علت همان امیدواری بود که حکومت دولت متحده آمریکا در طی دو سال از صمیم قلب جد و جهد نمود برای رفع اختلافاتی که بین ایران و کشور متحد انگلستان روی داده و از ملی شدن نفت ایران ناشی گردیده است مساعدت کند.

عقیده دُول متحده آمریکا این بوده است که چنانچه قراری دربارهٔ غرامت داده شود در سراسر دنیا حسن اعتماد و اطمینان به این معنی تقویت خواهد شد که ایران مصمم است کاملاً متمسک به اصولی باشد که به موجب آن جامعه با شکوهی از ملل آزاد امکان‌پذیر گردد و این امر مؤید اعتبار بین‌المللی ایران خواهد بود و سبب خواهد شد پاره‌ای معضلات مالی و اقتصادی که اکنون متوجه ایران است حل شود.

چون ایران و کشور متحد انگلستان نتوانسته‌اند نسبت به غرامت توافق حاصل نمایند این مسئلهٔ حکومت دُول متحده آمریکا را از مجاهداتی که برای کمک به ایران به عمل آورده باز داشته است.

در ممالک متحده آمریکا و حتی در میان آمریکاییانی که نسبت به ایران و مردم ایران منتهای همدردی و دوستی دارند این فکر قوت دارد که تا زمانی که ایران نتواند از فروش نفت و محصولات نفتی وجوهی بدست آورد با انعقاد قرارداد معقول عادلانه‌ای دربارهٔ غرامت بار دیگر نفت ایران به مقادیر زیادی فروخته شود، هرگاه حکومت دُول متحده بخواهد به میزان معتناهی از طریق اقتصادی به ایران کمک کند در حق مؤدیان مالیاتی آمریکا شرط انصاف را رعایت نکرده است.

همینطور بسیاری از مردم آمریکا تا وقتی که اختلاف نفت قطع و فصل نگردیده است با خرید نفت ایران از طرف حکومت دُول متحده عمقاً مخالفت خواهند کرد.

این احساسات نیز در ممالک متحده به میزان معتناهی وجود دارد که هرگاه بنا شود صرفاً بر مبنای از دست رفتن دارائی مادی یعنی تأسیسات شرکتی که ملی شده است مسئلهٔ پرداخت غرامت حل گردد این ترتیب راه حلی نخواهد بود که بتوان آنرا عادلانه خواند و توافق دربارهٔ چنین راه حلی ممکن است اعتماد متقابل ملل آزاد را که با هم ارتباط دوستانه اقتصادی دارند به ضعف متمایل سازد.

بعلاوه بسیاری از هموطنان دوستدار که از جریانات مربوط به این اختلاف اسف آور آگاهی دارند و اطلاعات لازمه را پیوسته بدست آورده‌اند معتقدند که نظر به احساسات پر هیجانی که هم در ایران و هم در کشور متحد انگلستان برانگیخته شده است کوشش‌هایی که بوسیله مذاکره مستقیم به منظور تعیین مبلغ غرامت بعمل آید بیشتر ممکن است بجای ایجاد حسن تفاهم مایه افزایش اصطکاک و اختلاف گردد.

عقیده آن‌ها پیوسته چنین بوده است که عملی‌ترین و منصفانه‌ترین وسیله قطع و فصل مسئلهٔ غرامت آنست که این امر به یک هیئت بین‌المللی بی‌طرفی ارجاع گردد و آن هیئت کلیه دعاوی طرفین را بر اساس ماهیت دعوی مورد مطالعه قرار دهد.

کاملاً توجه دارم به اینکه حکومت ایران بایستی خود تشخیص دهد کدام سیاست و روش خارجی و داخلی برای ایران و مردم ایران نافع‌ترین سیاست‌ها است.

با بیان این مطالب سعی ندارم برای حکومت ایران مصلحت‌اندیشی کنم و بگویم چه چیز بیشتر به نفع حکومت ایران است. صرفاً سعی من توضیح این نکته است که با این

اوضاع و احوال چرا حکومت دُول متحده اکنون در مقام و موقعی نیست که بتواند بیشتر از پیش به ایران کمک کند یا نفت ایران را خریداری نماید.

در صورتی که ایران مایل باشد حکومت دُول متحده امیدوار است کمک‌های فنی و نظامی خود را بر اساسی که نظیر کمک‌های سال گذشته باشد ادامه دهد.

از نگرانی که در نامه آن جناب نسبت به اوضاع خطرناک کنونی ایران منعکس است استحضار یافته و صمیمانه امیدوارم تا فرصت باقی و دیر نشده است از طرف حکومت ایران اقداماتی در حدود قدرت خود بر ای جلوگیری از بدتر شدن وضع کنونی بعمل آید.

از آقای نخست وزیر خواهشمندم تجدید احترامات فائقه دوستدار را بپذیرند.

دوایت د. آیزنهاور

تصمیم قانونی دائر به تعطیل رسمی قرار دادن روز سی ام تیر

ماده واحده- به پاس قیام مقدس سی ام تیر ۱۳۳۱ و یادبود شهدای آنروز که قانون مصوب شانزدهم مرداد ماه ۱۳۳۱ آنان را شهدای ملی شناخته است همه ساله روز سی ام تیر تعطیل رسمی خواهد بود.

بر طبق قانون تمدید مدت اختیارات مصوب سی ام دی ماه ۱۳۳۱، لایحه قانونی تعطیل رسمی به یادبود روز قیام مقدس ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مشتمل بر ماده واحده تصویب می شود. به تاریخ ۲۸/۴/۳۲

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

پیام مصدق به مناسبت سالروز سی ام تیر، دوشنبه شب ۲۹ تیر

۳۲

هموطنان عزیزم

به مناسبت تصادف با روز سی ام تیر به یادبود شهیدانی که جان خود را در راه استقلال و عظمت کشور فدا کرده‌اند مراسمی برپا خواهید کرد که هم مراتب تکریم و احترام قبلی خود را به روح پاک این سربازان مجاهد راه حریت و آزادی تقدیم کنید و هم بدین وسیله ایمان و علاقه باطنی خویش را به ادامه مبارزه ای که این راد مردان فداکار در راه آن شربت شهادت نوشیده اند ابراز و اظهار نمایند.

روز سی ام تیر در تاریخ مبارزات ممتد ملت ایران فراموش نشدنی است زیرا در این روز تمام افراد ملت از هر طبقه و مقام در مقابل تحریکات اجانب یکدل و یک زبان قیام و اقدام کرده‌اند و تا به مقصود نرسیدند از پای ننشستند.

در این روز تاریخی عده یا از گرمی ترین فرزندان ما به افتخار شهادت نائل شدند و با خون پاک خود نهال آمل ملت را آبیاری کرده‌اند تا به همت آیندگان روزی بارور و سایه گستر شود و ملت ایران از نعمت امن و آسایش و استقلال واقعی و آزادی حقیقی برخوردار گردد.

اگر در آن روز آن مردم بیدار و هشیار نبودند و این حادثه را با ایمان و علاقه بی شائبه خود نسبت به ادامه نهضت ملی تلقی نمی‌کردند و زمام سرنوشت خویش را به دست حوادث نامعلوم می سپردند نه تنها آینده خود را دچار خطرات عظیم کرده بودند بلکه به افتخارات گذشته خویش نیز خط محو و بطلان می کشیدند.

اما خوشبختانه به عکس آنچه اجانب تصور می‌کردند ملت ایران با روشن بینی و بصیرت کامل به آینده خود می نگریست و خویشتن را برای مقابله با هر حادثه‌ای که او را از ادامه مبارزه باز دارد آماده و مهیا می‌داشت و از هیچ مشکلی حتی مرگ بیم و هراس به دل راه نمی داد حادثه سی ام تیر بوته امتحانی شد که ملت ایران را در خود گذاخت و زر خالص او را از عیار فساد و تباهی جدا کرد و محک تجربه‌ای بود که افراد بی اراده و سست عنصر و همچنین خیانتکاران به مصالح ملی و دست نشانگان سیاست اجنبی از آن آلوده و رسوا بیرون آمدند.

پس اگر در این حادثه عده‌ای از عزیزترین فرزندان ما به درجه شهادت رسیدند برای وصول به هدف مقدسی بود که این قیام ملی در پیش داشت و فنای ظاهری آنان ضامن بقای استقلال کشور و دوام حیات ملت شد و چون به طیب خاطر برای جهاد در راه حق و حقیقت و تقویت فضیلت تن به مرگ دادند در این سودا سرمایه حیات و زندگانی جاوید حاصل کردند و در مقابل این فداکاری البته تا ایران باقی است نام این آزاد مردان در سرلوحه و دیباجه تاریخ افتخارات کشور به عظمت و بزرگی ثبت و ضبط خواهد شد و اثری که با خون پاک خود در تحکیم مبانی ملت و اساس استقلال مملکت بر جای گذارده اند یاد آنان را پیوسته در دل های ما و نسل های آینده باقی و برقرار خواهد گذاشت.

هموطنان عزیز- نهضت مقدس سی ام تیر نشان داد که ملت ایران در مبارزه با اجانب به پایداری و استقامت مصمم است و ثابت کرد که این ملت آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد مرگ را بر زندگی آلوده به ننگ و رسوائی ترجیح می‌دهد

و به هیچ قیمت از ادامه نهضتی که آن را به بهای خون فرزندان خود خریده است باز نخواهد ایستاد.

لاابد به خاطر دارید که سال گذشته در چنین روزهایی دولت از ادامه خدمتگذاری مأیوس شد زیرا از هر جانب خود را با موانع و مشکلاتی مواجه می‌دید که دست سیاست اجنبی فراهم کرده بود در آن ایام نیز مانند این روزها دست تحریکات و دسائس اجانب از هر جانب در کار بود و دولت که می‌بایست تمام کوشش و نیروی خود را در آن دقائق حساس در راه پیشرفت آمال ملت صرف کند بیشتر اوقات خود را برای مقابله و مراجعه به اینگونه تحریکات مصروف می‌داشت و در نتیجه از هدف اصلی خود که پیشرفت نهضت ملی بود باز می‌ماند و این تنها آرزوی بیگانگان بود که دولت را خسته و ناتوان کنند و از میدان مبارزه بدر برند عاقبت این گرفتاری‌ها و کارشکنی‌ها دول را چنان در تنگنا و فشار گذاشت که راهی جز کناره‌گیری در پیش نداشت و ناچار شد بار مسئولیتی را که ملت بر دوش او گذاشته در نیمه راه مبارزه بر زمین گذارد.

اما بلافاصله معلوم گشت که ملت ایران با کناره‌گیری این دولت از کار موافق نیست و به هر قیمت که ممکن باشد نخواهد گذاشت این جهاد مقدس بی نتیجه و ناتمام بماند.

قیام سی ام تیر و فداکاری بی‌مانندی که عموم افراد ملت در این روز از خود نشان داده‌اند نمودار واضحی از عزم راسخ ملت ایران به دوام و بقای نهضت ملی بود که به صورت ابراز عقیده عمومی دایر به بقاء و ادامه خدمت‌گذاری این دولت در آمد.

این رستاخیز ملی ثابت کرد که مردم ایران با واقعت بینی و توجه کامل به مصالح خویش راه خود را انتخاب کرده و دیگر به هیچ قیمتی از آن باز نخواهند گشت. بیگانگان که در کمین بودند پس از این واقعه دانستند که این بار بر خلاف انتظار با ملتی بیدار و علاقمند به استقلال خویش سر و کار پیدا کرده‌اند و دیگر ممکن نیست با حيله و نیرنگ این ملت را از ادامه‌طریقی که به دشواری پیموده است باز دارند و او را به همان سر منزل اول برگردانند و مردمی را که برای تأمین مقاصد حقه ملی خود با کمال شهامت و شجاعت حتی تن به مرگ داده‌اند بفریبند.

امروز هم اگر چه نفع‌طلبی عده‌ای معدود روزنه امید در پیش چشم آنان گشوده است و در تاریکی یأس و حرمان راهی در پیش پای مطامع خود می‌بینند وی چون هنوز اکثریت قریب باتفاق ملت در عزم خود راسخ و در تصمیم خویش پایدار است هرگز به مقصود نخواهند رسید و از این غبار کدورت کمترین گردی بر دامان ملت ایران نخواهد نشست.

هموطنان عزیزم- قیام سی ام تیر و جانفشانی و استقامت بیدریغ ملت و قطع امید اجانب از اینکه بتوانند در مبانی اتحاد و اتفاق ما رخنه‌ای ایجاد کنند در پیشرفت ملت ایران بسوی مقصد و هدف نهائی خود بیش از آنچه بتوان گفت پر ارزش بود و مفید و مؤثر افتاد. اکنون بر ما فرض و واجب است این سرمایه‌معنوی را که در بهای خون پاک عزیزان خود بدست آورده‌ایم و بزرگترین ضامن پیروزی ملت در این مبارزه و جهاد مقدس خواهد بود مفت و رایگان از دست ندهیم اتحاد و اتفاق خود را با کمال دور اندیشی و خالی از هر گونه شانیه غرض‌ورزی و کینه‌توزی حفظ کنیم و نگذاریم

حریف مکار این حربه قاطع را از دست ما بگیرد و با ایجاد نفاق و پراکندگی ما را چنان بخود سرگرم و مشغول کند که آمال ملی خویش را بکلی فراموش کنیم و از پیشرفت بسوی مقصد نهائی باز مانیم.

ملت ایران اگر خواسته باشد در ردیف سایر ملل بزرگ جهان مقام و موقعیتی را که شایسته او و گذشته پر افتخار اوست بار دیگر احراز کند باید از محرومیت و مشکلات نگریزد و از فداکاری و جانبازی نترسد ما نباید زندگانی را به هر صورت و کیفیت که به ما عرض می‌شود دوست بداریم و بدان قانع و خرسند باشیم اگر زندگانی توأم با آزادی و استقلال نباشد بقدر پیشیزی ارزش نخواهد داشت برای رسیدن به این هدف عالی تاریخ زندگی ملل بزرگ عالم شاهد مبارزات و مجاهدات و گذشت ها و فداکاری ها است.

سرنوشت ملت ایران نیز در طول تاریخ خود همواره با اینگونه محرومیت‌ها و مصائب توأم و همراه بوده است و در همه این موارد ملت ما موانع و مشکلات را با بردباری و شکیبائی تحمل و تلقی کرده و سرانجام از آن پیروز و سربلند بیرون آمده است.

جای تأسف نیست که جمعی از برادران و فرزندان گرامی ما در واقعه سی ام تیر جان خود را در راه حفظ سعادت و عظمت ملت ایران فدا کرده‌اند و با این فداکاری سرمایه افتخار جاوید برای خود و خاندان خویش اندوخته‌اند.

جای تأسف موقعی خواهد بود که خدای ناخواسته ملت نتواند از این فداکاری های بیدریغ فرزندان خود نتیجه‌ای که لازم است بدست آورد و از این خون های مقدسی که ریخته شده بهره ای که شایسته است نتواند تحصیل کند، آنهم یقین دارم که با حس تشخیص و موقع شناسی ملت ایران هرگز پیش نیاید و آرزوی ما در حفظ استقلال و تجدید دوران مجد و عظمت دیرین این کشور باستانی هر چه زودتر تحقیق پیدا کند.

پیام مصدق درباره مراجعه به آراء عمومی ملت در زمینه ابقاء

یا انحلال مجلس هفدهم دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۳۲

هموطنان عزیز،

یک سال پیش هنگامی که این جانب از مسافرت لاهه به خاک وطن عزیز مراجعت کردم و همه در انتظار صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری بودیم مشکلاتی در راه دولت بوجود آمد که خدمتگزار ناگزیر از کار کناره گرفت. اما شما ملت رشید ایران که

همواره با واقع‌بینی خاصی متوجه حقائق امور بودید نگذاشتید دشمنان نهضت ملی ایران به آرزوی خود برسند و نهالی را که پس از مرارت‌ها و تلاش‌ها و زحمت‌های زیاد با خون دل مردم ایران آبیاری شده بود ریشه‌کن کنند.

از این رو با یک قیام مردانه و با ایثار خون خود در روز تاریخی سی ام تیر دست‌عُمال اجنبی از کار کوتاه‌گردید و ملل دنیا را از این قوت نفس و قدرت اراده دچار اعجاب و شگفتی ساختید در نتیجه این دولت بار دیگر با استظهار به حمایت و پشتیبانی بیدریغ شما زمام امور را بدست گرفت و با تائیدات خداوند متعال و باتکاء شما مردم فداکار توانست با وجود مشکلات فراوان مبارزات خود را با اجانب در راه تأمین استقلال کشور ادامه دهد و بقدر امکان در انجام اصلاحات داخلی با وضع و اجرای لوایح قانونی سودمند قدم‌هایی بردارد.

در طی این مبارزه و اصلاحات که بنا بر اراده ملت، دولت بدان دست برد البته منافع عده‌ای در خطر افتاد و مسلم بود که آن‌ها حاضر نمی‌شدند به آسانی از مطامع خویش صرف نظر کنند و طبعاً هر چه دامنه اصلاحات توسعه می‌یافت بر عده ناراضی که این بار بر خلاف گذشته نمی‌توانستند با خدعه و تزویر خود را با وضع موجود تطبیق دهند افزوده می‌شد و بیگانگان نیز که از هر فرصتی استفاده می‌کنند با تحریک و تقویت این عده و هم‌آهنگ ساختن فعالیت‌های آنان منی کوشیدند تا هر روز مشکلات تازه‌ای ایجاد کرده و سرانجام دولت را به زانو در آورند.

حوادث غم‌انگیز نهم اسفند و توطئه قتل فجیع سرلشکر افشار توس و تحریک برای ایجاد بلوا و آشوب در بین عشایر و حملات زننده به خدمتگزاران مملکت و استفاده از تریبون مجلس شورای ملی برای حملات غرض‌آلود به دولت و تعطیل مشروطیت با منحرف ساختن مجلس از ایفاء وظیفه اصلی خود توسط اقلیت و بالاخره طرح نقشه سقوط دولت با بکار بردن دسائیس، اوضاعی بوجود آورد که سد بزرگی در راه دولت ایجاد نمود. بطوریکه قسمت اعظم وقت دولت مصروف این می‌شد که از این اخلال گری‌ها و کارشکنی‌ها جلوگیری کند و نگذارد عناصر ضد ملی در کار خویش توفیق حاصل کنند و نهضت ملی ایران را سرنگون سازند.

آنچه در این ماجرا شایان توجه می‌باشد این است که حملات و اعتراضات مخالفین به تحریک اجانب همواره هنگامی رو به شدت می‌نهاد که ایران از لحاظ سیاست خارجی در موقعیت حساسی قرار گرفته بود چنانکه کار شکنی مخالفین که منجر به انقلاب تاریخی سی ام تیر شد نیز هنگامی صورت گرفت که رأی دیوان لاهه در شرف صدور بود.

بدیهی است تنها وقوع همین حوادث در چنین مواقع خاص کفایت می‌نمود که مردم بیدار و هشیار ایران از منشاء تحریک و منبع الهام مخالفین ادامه نهضت ملی ما بخوبی آگاه شوند.

در میان این مشکلات، دولت باتکاء ملت راه خود را با کمال استقامت ادامه می‌داد و چون از نعمت اعتماد مردم برخوردار بود از هیچ مشکلی هراس نداشت و در طی متجاوز از دو سال خدمتگزاری مراحل بسیاری از مبارزات ملت ایران را با حسن ختام

به انجام رسانید اما این موقعیت ها آسان بدست نیامد و در نام مراحل ملت ایران در خارج و داخل با کارشکنی ها و اخلاص گری های اجانب مواجه بوده است و اکنون هم که مراحل چندی از این مبارزه با موفقیت طی شده و امید می رود بزودی با قطع نفوذ اجانب و تأمین استقلال واقعی مملکت آمال ملت ایران جامع عمل ببوشد هنوز آن تحریکات و دسائس باقی است و بیگانگان که بر اثر اتحاد کلمه و اتفاق مردم مملکت خود را با این گونه شکست موجه می بینند می کوشند تا این اتحاد و یگانگی را به اختلاف و نفاق مبدل سازند و مخالفین داخلی را که هر یک به علتی علم مخالفت برداشته اند به یکدیگر نزدیک نموده و به این طریق دولت را از میدان مبارزه به دور و راه را بری تأمین منافع دیرین خود بار دیگر هموار کنند.

هموطنان عزیز، چنانکه عرض شد هر قدمی که تا کنون برداشته شده بعد از مشیت الهی بواسطه اتحاد کلمه و پشتیبانی و حمایت عموم ملت ایران بوده است و هر کس ادعا کند که در این کار سهمی و حقی بیش از دیگران داشته ادعایش باطل و بی اساس است. ما همه در این مبارزه با هم همکاری کرده ایم و نتایجی هم بدست آمده بر اثر همین همکاری متقابل و صمیمانه بوده است.

امروز هم اگر بر اثر اغراض خصوصی عده ای منحرف شده باشند در صورتیکه ملت ایران با منحرف شدن همکاران همکاری نکند و آنان را از خود براند اقدام های اجانب بجائی نخواهد رسید و دولت به هدایت ملت بی دغدغه خاطر راه خود را با کمال ثبات و استقامت ادامه خواهد داد.

در میان مخالفین امروزی عده قلیلی هستند که در شروع این نهضت از هم قدامان و همراهان بوده اند ولی به علتی که ترک ذکر آن اولاست اکنون ملت را در آخرین مراحل پیروزی رها ساخته و در تضعیف دولت و جلوگیری از پیشرفت آمال ملی حتی از مخالفین قدیم هم پیش افتاده اند.

اگر نهال نهضت ملی ایران که با خون پاک فرزندان برومند این کشور آبیاری شده کاملاً به ثمر رسیده بود و یا در مبارزه دولت با اجانب و تأمین سعادت و استقلال ملت اندک انحرافی حاصل شده بود اینگونه نفاق ها و خصومت های فردی و غرض ورزی های شخصی محملی داشت و ممکن بود، مخالفت آنان را به طریقی موجه قلمداد نمود.

ولی با وضع فعلی هیچ نمی توان گفت این عده به کدام دلیل قابل قبول در این دقایق حساس خود را از سرنوشت ملت خویش جدا ساخته و علم مخالفت بر افراشته اند.

آیا مخالفین فعلی تصور نمی کنند در صورت ادامه این وضع ثمره فداکاری ها و جانبازی های چندین ساله ملت ایران که اکنون به آخرین مراحل خود نزدیک می شود به هدر رود و لعن و نفرین ابدی برای آنان در تاریخ باقی بماند.

در مبارزه های که اکنون در پیش گرفته ایم دو راه بیشتر وجود ندارد یا مقاومت و پایداری که پایان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است یا انقیاد و تسلیم که نتیجه اش ننگ و رسوایی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مفاسد و مظالم حکومت های فردی و دیکتاتوری است.

هموطنان عزیز اکنون بیگانگان با تمام قوا می‌کوشند که در صفوف متحد ملت ایران رخنه کنند متأسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقاً می‌بایست بزرگترین مرکز مبارزه با اینگونه افکار باشد کانونی برای پیشرفت مقاصد شوم آنها تشکیل شده است در این مجلس گروهی از مخالفین و ایادی سیاست بیگانه با بعضی از منحرف شدگان می‌کوشند که زمام امور را به دست دولتی بدهند که بتواند مطامع بیگانگان و منافع آنان را تأمین کند و برای انجام این منظور تریبون مجلس را وسیله برای تبلیغات مضره خود قرار داده اند.

با مشکلات فراوانی که در پیش است دولت نمی‌تواند این کار شکنی‌ها و دسائس را تحمل کند و به این عده مجال دهد که با سرنوشت ملت ایران بازی کرده و مجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده و عرصه را بر اکثریت نمایندگان دلسوز و علاقمند به مصالح کشور تنگ کنند. شاید در هیچ یک از ادوار قانونگذاری سابقه نداشته باشد که عده‌ای از نمایندگان مجلس تا این حد احترام این مرجع بزرگ را که کانون آرزوها و آمال ملت است از بین ببرند کسانی که برای حمله به دولت بیشتر اوقات از حربه عدم نظم و امنیت استفاده می‌کردند و به دولت اعتراض می‌نمودند خود آن‌ها مرکز قانونگذاری را به صورت بی‌نظم‌ترین و ناامن‌ترین مراکز در آوردند و بجای اینکه دولت را در اجرای لوایح قانونی عام‌المنفعه و سودمند یاری کنند هر روز به نحوی در کار دولت و مجلس شورای ملی کارشکنی می‌کنند.

عده‌ای از نمایندگان مخالف بجای اینکه وقت خود را صرف ارشاد و راهنمایی و انتقاد منطقی از دولت بکنند از مصونیت پارلمانی سوء استفاده کرده و تریبون مجلس را برای ارضاء اغراض خصوصی و نقشه‌های ضد ملی مورد استفاده قرار می‌دهند.

این آقایان برای آنکه مقاصد خود را جامه عمل پوشانده و به شدت به دولت بتازند موضوع مشکلات مملکت و فقر و بیچارگی مردم را بهانه و دستاویز می‌کنند و حال آنکه این مشکلات و فقر و بدبختی چیزی نبوده و نیست که در دو سال اخیر بوجود آمده باشد بلکه این‌ها ثمره صد و پنجاه سال تسلط اجنبی بر ایران بوده است از این‌ها گذشته اگر در خلال یکی دو سال اخیر مشکلاتی از لحاظ مالی و بازرگانی بوجود آمده این موضوعی است که یک ملت وارد در مبارزه و پیکار باید آنرا تحمل کند زیرا هیچ‌کس نیست نداند که ما متجاوز از دو سال است با یکی از مقتدرترین دُول استعماری روزی زمین وارد یک مبارزه سیاسی و اقتصادی شده‌ایم و بدون شک در این پیکار حیاتی وضع حریف با همه کمک‌هایی که متحدینش به او می‌کنند از ما بدتر است و هنوز پس از هشت سال که از جنگ دوم جهانی می‌گذرد بسیاری از مواد خواربار در آن کشور جیره بندی است و از لحاظ مالی و اقتصادی نیز به تصدیق مسئولین آن کشور در آستانه ورشکستگی قرار دارد.

بنابراین در روزهای جنگ سربازانی که به خاطر مقاصد عالی و هدف‌های ملی قدم در میدان مبارزه می‌گذارند باید انتظار ناملایمات و محرومیت‌هایی را هم داشته باشند و کسانی که تنها راحت و آسایش خود را می‌خواهند هیچ‌گاه نباید قدم به میدان کارزار بگذارند.

ملت‌هایی که برای احقاق حقوق از دست رفته و در راه آزادی و استقلال خود وارد پیکار شده‌اند سال‌ها فداکاری و جانبازی و از خود گذشتگی کرده‌اند تا به مقصود خود نائل شده‌اند ملت ایران نیز در طول تاریخ درخشان خود قرن‌ها با دشمنان خود پیکار کرد و فداکاری‌ها نمود و قربانی‌ها داد تا دست اجانب را از خاک وطن کوتاه کرد. مبارزه‌ای را هم که ملت ایران دو سال است آغاز نموده برای ریشه‌کن ساختن یک تسلط شوم صد و پنجاه ساله بیگانگان است که با همه سرسختی دشمن کینه توز در عرض همین مدت کوتاه موفقیت‌های بزرگی نصیب آن شده و انعکاس آن حتی در کشورهای مختلف گیتی موجب تحسین و تمجید ملل آزاد گردیده است.

در خلال ۲۷ ماهی که از عمر این دولت می‌گذرد مخالفین نهضت ملی ایران که جز منافع خصوصی و اغراض شخصی منظوری ندارند در همه جا بر علیه مصالح مملکت قیام کرده‌اند.

این مخالفت‌ها طی ماه‌های اخیر از صفحات برخی از جرائد و اجتماعات تجاوز کرده و به مجلس شورای ملی نیز کشیده شده است بطوریکه می‌توان گفت مجلس در خلال ماه‌های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی این اخلاص‌گری‌ها درآمده است.

هدف مخالفین و منافقین علاوه بر اخلاص در کار دولت این است که اصالت نهضت ملی ایران را لکه دار کنند و به دنیا اینطور بفهمانند که دیگر کسی طرفدار این نهضت بزرگ تاریخی نیست ولی مردمی که موجد این رستاخیز عظیم هستند و با خون خود اوراق این نهضت مقدس را نگاشته‌اند طی تظاهرات پر شور و پر هیجان خود نشان داده‌اند که نهضت ملی ایران با حیات و موجودیت آن‌ها بستگی دارد و دست هیچ نامحرمی نمی‌تواند نهضت تاریخی ایران را لکه دار کند.

ملت ایران با قیام‌های دلیرانه خود بارها عدم رضایت خویش را نسبت به اعمال و رفتار دشمنان نهضت ملی ایران و نمایندگان مخالفی که پا به روی مصالح ملت و مملکت می‌گذارند ابراز داشته است.

آن رادمردان و مجاهدینی که در صدر مشروطیت ایران نقد جان باختند و آن خون‌هایی که از پیکر افراد فداکار و از جان گذشته بر خاک وطن ریخته شد برای این بود که ملت ایران بتواند در سایه آزادی و قانون در خانه خود یعنی در وطن خویش با رفاه و آسایش و سربلندی و سرافرازی زندگی کند. آن‌ها هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند که روزی عده‌ای در پناه قانون اساسی دست به هر بی‌قانونی بزنند و بنیان مشروطیت و قوانین مملکت را متزلزل سازند و در سایه مصونیت پارلمانی با سرنوشت کشور بازی کنند.

آن‌ها هیچ‌گاه باور نمی‌کردند که پس از مدت کوتاهی عده‌ای مجلس را به صورت سنگری علیه استقلال و حاکمیت ایران در آورند و راهی دنبال کنند که سرانجام آن اضمحلال مشروطیت و فنای آزادی باشد به همین جهت وقتی دولت احساس کرد با اینهمه اخلاص‌گری‌ها و کارشکنی‌ها نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد و مسئولیت بزرگی را که بر عهده دارد همچنان به دوش بگیرد، تصمیم گرفت در این باره از ملت رشید ایران استمداد کند.

این نکته را جمعی از آقایان نمایندگان محترم نیز تشخیص داده و چون دیدند که با یک چنین اوضاع نامساعد ادامه خدمت مقدور نیست از مقام نمایندگی استعفا دادند.

هموطنان عزیز امروز یک بار دیگر دولت ناچار شده است این حقایق را بی پرده با شما در میان بگذارد و در رفع مشکلات خویش از شما استمداد کند زیرا این رأی و نظر شماسست که باید حق و باطل را از هم جدا سازد و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد.

شما همه از جریان کار مجلس شورای ملی خوب با خبرید و هیچیک از جزئیات آن از نظر شما پوشیده و پنهان نیست. دولت ناچار است صریحاً اعلام کند که با وضع کنونی مجلس امید هیچگونه موفقیتی در مبارزه ملت ایران نیست و ناچار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند عقیده خود را در ابقاء یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید.

در مواردی که بین مجلس و افکار عمومی ملت اختلاف حاصل شود و مجلس به صورت یک دستگاه کارشکنی بر علیه دولت در آید مجلس منحل می‌شود و قضاوت امر را به عهده مردم محول می‌نمایند چنانچه افکار عمومی با نظر دولت تطبیق کند نمایندگان دیگر انتخاب و روانه مجلس می‌شوند تا به این ترتیب بین دولت و مجلس همکاری ایجاد شود و چرخ اداره مملکت از کار نیفتد.

بنابراین تنها اراده قاطبه افراد ملت، که دولت و مجلس بوجود آنان قائم است، می‌تواند قضاوت قطعی در این باب بنماید و آن کسانی که ادعا می‌کنند ملت حق ندارد و نمی‌تواند در این باره اظهار عقیده کند سخت در اشتباهند زیرا تنها ملت است که می‌تواند راجع به سرنوشت خود و سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند.

پنج‌سال پیش ضرورت تاریخی ایجاد کرد که ملت ایران در راه «آزادی» و «مشروطیت» خود قیام نماید و با ایثار خون خویش به حق خود برسد و قانون اساسی را بوجود آورد اکنون نیز در این لحظات حساس که کشور ما در آستانه مرگ و زندگی قرار دارد و دشمنان ایران علیه استقلال و آزادی ما بالاترین تلاش خود را بکار می‌برند مصالح کشور ایجاد می‌کند که ملت ایران تصمیم خود را درباره نهضت ملی و وضع مجلس و دولت روشن کند.

این تنها ملت ایران یعنی بوجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و مجلس و دولت است که می‌تواند در این باره اظهار نظر کند لاغیر. قانون ها مجلس ها دولت ها همه برای خاطر مردم بوجود آمده‌اند نه مردم بخاطر آن‌ها وقتی مردم یکی از آن‌ها را نخواستند می‌توانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند.

در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست. به همین جهت دولت در این لحظه حساس تاریخی مشکلی را که با آن مواجه شده با ملت در میان می‌گذارد و راجع به این مجلس از خود مردم سنوال می‌شود که اگر با ادامه وضع کنونی مجلس تا سپری شدن دوره ۱۷ تقنینیه موافقت دارند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافقت رأی

به انحلال آن بدهند تا مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند در تأمین آمال ملت با دولت همکاری کند.

طرز اجرای این منظور و استنباط از افکار عمومی در مورد انحلال یا بقای دوره ۱۷ مجلس شورای ملی و مقرراتی که برای اجرای آن پیش‌بینی شده بعداً به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید تا با رعایت آن به ایفای وظائف ملی خود قیام فرمایند و یکبار دیگر ایمان و علاقه‌مندی خود را به اصول و هدف نهضت مقدس ملی به جهانیان ثابت کنند.

در خاتمه از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم که همه را در راه خدمت به میهن توفیق پیشرفت عنایت و کرامت فرماید.

نطق مصدق به مناسبت چهل و نهمین سال مشروطیت ۱۳ مرداد

۱۳۳۲

هموطنان عزیز،

چهل و نهمین سال مشروطیت را صمیمانه به شما تبریک عرض می‌کنم. گر چه به عللی که همه از جزئیات آن مطلعید اکنون مجلس شورای ملی فعالیتی ندارد ولی جای بسی مسرت است که اراده قوی و علاقه‌مندی مردم شرافتمند تهران که نمونه بارزی از اراده عمومی ملت ایران بشمار می‌آید از راه رفراندوم بنیان حکومت مردم به مردم را که معنی حقیقی مشروطیت و دموکراسی است چنان محکم و استوار ساخته که ان‌شاءالله پس از این با اتکاء به نیروی ملی از هر نوع سستی و فتور و هر گونه خلل و خطا مصون و محفوظ خواهد بود و بر اثر این حسن استقبال عموم در تعیین سرنوشت و تأمین آینده خود مجلسی که مظهر تمایلات و آرزوهای ملی باشد شروع به کار خواهد کرد.

هموطنان عزیز

مجلس شورای ملی موقعی می‌تواند تکیه گاه واقعی و مظهر حقیقی آمال ملت باشد که نمایندگان آن از جانب مردم انتخاب شوند و خود را موظف به پیروی از اراده ملت بدانند و جز در راه تأمین سعادت و عظمت کشور قدم بر ندارند. متأسفانه در بیشتر ادوار تقنینیه چون وسائل انتخابات آزاد فراهم نبوده است اکثر نمایندگان برای حفظ مقام خود تکیه گاهی جز نیروی ملی می‌جستند و مشکل بود که چنین مجالسی بازبچه دست اجانب و وسیله پیشرفت مقاصد آنان نشود. این مانع بزرگ که در راه پیشرفت ما وجود داشت بحمدالله اکنون پس از ۴۸ سال به دست توانای شما ملت ایران دارد از بین می‌رود و راه ترقی و تعالی مملکت و رونق مشروطیت و حکومت ملی هموار می‌شود.

در حکومت مشروطه تنها یک قدرت اصیل و لایزال موجود است و آن نیروی ملت است که اگر به معنای واقعی بروز ظهور نکند مشروطیت و دموکراسی مفهوم حقیقی

خود را از دست می‌دهد و زمینه برای حکومت های فردی فراهم می‌شود. هر چند هم به ظاهر مجلسی وجود داشته و عده‌ای به نام نمایندگی در آن جمع شوند.

برای این خدمتگذار که عمر خود را در راه مبارزه با قدرتهای ضد ملی گذرانیده هیچ لذتی بالاتر از این نیست که اکنون می‌بینم قدرت اراده ملت به مفهوم واقعی خود به ظهور رسیده و محکم ترین تکیه گاه و بزرگترین ضامن حفظ و بقاء مشروطیت ما شده است. روزگاری قدرت طلبان امید داشتند که با حبس و بند آزادیخواهان بتوانند نهال مشروطیت را از بیخ و بن برکنند و شاید باز این خیال خام را در مغزهای خود پرورش می‌دهند ولی یقین دارم بیداری و هوشیاری شما مردم رشید و شرافتمند بالاخره این امید را به یأس مبدل خواهد کرد و با علاقمندی و ایمانی که در شما هست هیچ قدرتی نخواهد توانست به آمال ملی شما تجاوز کند.

امیدوارم مجلسی که مظهر آمال ملت باشد زمام امور را به دست بگیرد و این اساس مقدسی که خون پاک فرزند این کشور ضامن حفظ و بقای آن بوده و خواهد بود برای همیشه باقی و پایدار بماند. از خداوند بزرگ مسئلت دارد که این مملکت را در پناه عنایت خود از گزند بد اندیشان و دشمنان ایمن و مصون بدارد و ما همه را در وصول به هدف مقدسی که در پیش داریم یا رو مددکار باشد.

پیام مصدق به مناسبت اظهار اراده ملی در مراجعه به آراء عمومی

دایر به انحلال مجلس ۱۷ جمعه ۲۳ مرداد ۱۳۳۲

هموطنان عزیز

به مناسبت خاتمه کار رفراندوم و علاقمندی توأم با متانت و استقامتی که در ادای این وظیفه ملی از خود نشان داده‌اید سپاسگزاری قلبی خود را به شما هموطنان عزیز تقدیم می‌دارم.

این پیش آمد یک بار دیگر ثابت کرد که ملت ایران هرگز از هدف اصلی خود روگردان نیست و به هر قیمت که باشد و با هر مشکلی که پیش بیاید از نیمه راه مبارزه بر نخواهد گشت.

کسانی که تصور می‌کردند با سخت‌گیری و فشار می‌توان در مقابل اراده ملت ایران ایستادگی کرد و این ملت را از ادامه طریقی که برای نجات خود در پیش گرفته است باز داشت با این رفراندوم و نتیجه‌ای که از آن بدست آمد به اشتباه خود پی بردند.

در این رفراندوم ملت ایران به انحلال مجلس هفده رأی داد و دولت را تأیید و تقویت کرد البته مجلسی که نتواند وظائف خود را انجام دهد و بجای پیروی از اراده ملت سدی

در راه پیشرفت آمل او باشد نماینده ملت نیست و باید با آرای عمومی منحل گردد تا راه برای مجلسی که بتواند با آمل ملی هماهنگی و همکاری کند باز شود.

بیگانگان هر چه می‌خواهند بگویند ولی در نظر کسانی که از نزدیک شاهد قضایا بودند و شور جنبش مشتاقانه شما هموطنان عزیز را در این رفراندوم چشم دیدند گفته‌های اجانب جز سعی باطلی در مبارزه با اراده ملت به چیزی تعبیر نخواهد شد.

عده‌ای از بیگانگان می‌کوشند تا هر قدمی که ملت ایران در راه وصول به آمل خویش بر می‌دارد آنرا سوء تعبیر کنند و به صورتی غیر از آنچه هست جلوه دهند زیرا خوب می‌دانند که اگر بر ملل عالم معلوم شود که مردم ایران عموماً دست به دست هم داده یک دل و یک زبان مصممند که دست سیاست‌اجنبی را از کشور قطع و کوتاه نمایند یقیناً همگی اهل جهان با ملت ایران در این مبارزه هم‌آهنگ و هم‌قسم خواهند شد و این همان است که عده معینی از آن بیمناکند و چون خواه ناخواه می‌بینند که افکار عمومی دنیا با ما همراهی می‌کنند می‌کوشند تا به هر طریقی که هست این نیروی معنوی را از کمک و پشتیبانی ما باز دارند. رویه‌ای که اخیراً بعضی از سیاستمداران جهان در پیش گرفته‌اند تا قیام ملی ما را نتیجه عوامل دیگری غیر از آنچه هست در انظار جهانیان جلوه‌گر سازند بهترین شاهد لاین مدعا است.

ملت ایران می‌گوید سالیان دراز در قید اسارت اجانب گرفتار بودم و حاصل دست رنج ما را غارتگران بیگانه به تاراج می‌بردند.

پس از تحمل اینهمه ظلم و تعدی اکنون به نوید آنچه در منشور ملل متحد راجع به حقوق و حدود ملل عنوان شده به امید وعده‌هایی که دُول بزرگ نسبت به رعایت حقوق ملل تعهد داده‌اند در صدد بر آمده‌ام از ثروت طبیعی خود استفاده کرده ریشه فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی را از سرزمین وطن خود براندازم و با سایر ملل آزاد جهان در راه حفظ صلح هم‌دوش و هم‌قدم و وظائف خود را انجام دهم.

ولی بعضی از اجانب که بر خلاف انصاف نمی‌خواهند گوش خود را با این صدای ملت محروم ایران آشنا کنند هنگامی که می‌بینند نه تنها بدون کمک و مساعدت آن‌ها بلکه در مقابل فشار و تعدی بی‌حد بعضی از آن‌ها باز هم ملت ایران ایستادگی می‌کند چون نمی‌خواهند باور کنند که اکنون یک حکومت ملی زمام امور کشور را بدست دارد همانطور که عرض کردم می‌کوشند تا دست عوامل دیگری را در این نهضت مقدس دخیل نشان دهند شاید بدین طریق اراده عمومی دنیا را که همیشه پشتیبان ما بوده است از هدف واقعی نهضت ملی ایران منصرف نمایند.

ولی اطمینان دارم که مردم آزاد جهان پس از آنهمه مصائب که در جنگ اخیر بر اثر اشتباهات سیاستمداران خود دیده‌اند دیگر حاضر نخواهند شد به سهولت نظیر همان‌گونه اشتباهات را تحمل کنند بلکه با عاقبت‌اندیشی و علاقه‌مندی به حفظ صلح جهان، بی‌شک مساعی ملت ایران را در این راه از نظر دور نخواهند داشت و از مساعدت معنوی نسبت به این ملت برای خاتمه دادن به محرومیت‌های اجتماعی خود که نتیجه مستقیم سوء سیاست اجانب است دریغ نخواهند نمود.

در خاتمه امیدوارم اتحاد کلمه و اتفاق عموم افراد ملت مشکلاتی را که در پیش داریم از میان بردارد و مجلسی که بتواند در این قیام مقدس با ملت ایران همراه و هم قدم باشد با کمال آزادی از طرف ملت انتخاب گردد و زمام امور را در دست بگیرد و نهال نهضت ملی ما را به ثمر برساند و آرزوی ما را در احیای استقلال و عظمت دیرین این کشور باستانی به دست فرزندان مبارز و مجاهد این آب و خاک به حصول پیوندد.

عنوان

صفحه

یادداشت ناشر

۱ - ب

نخستین پیام مصدق از رادیو خطاب به ملت ایران در مقام

نخست وزیرى - نهم اردیبهشت ۱۳۳۰

۳-۱

جواب دولت ایران به پیام موریسون وزیر امور خارجه

۵-۴

بخشنامه نخست وزیر در تاریخ ۲۳/۲/۳۰

۶

۸-۷

بیانیه دولت آمریکا راجع به نفت ایران در تاریخ ۲۸/۲/۳۰

تذکره دولت ایران به دولت آمریکا در تاریخ ۳۰/۲/۳۰

۱۱-۱۰

پیام مصدق به خبرنگاران داخلی و خارجی ۳۰/۲/۳۰

۱۲

مصاحبه مطبوعاتی مصدق با خبرنگاران داخلی و خارجی ۳/۳/۳۰

۱۸-۱۳

پیام ترومن به مصدق ۱۰/۳/۳۰

۲۰-۱۹

جواب مصدق به پیام ترومن ۳۰/۳/۳۰

۲۵-۲۱

تلگراف مصدق به هیئت اعزامی برای خلع ید ۲۱/۳/۳۰

۲۶

تلگراف مصدق به نماینده فوق العاده دولت در خوزستان ۲۱/۳/۳۰

۲۷

پیام مصدق به دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور ۲۱/۳/۳۰

۳۱-۲۸

پیام مصدق خطاب به کارمندان و کارگران مناطق نفت خیز ۲۲/۳/۳۰

۳۲

پیام مصدق از رادیو در توضیح علل صدور دستور اجرای عملیات خلع ید ۳۰/۳/۳۰

۳۵-۳۳

پیام مصدق به کارمندان و کارگران خارجی مناطق نفت خیز ۴/۴/۳۰

۳۶

۳۹-۳۷

پیام مصدق به ترومن در تاریخ ۵/۴/۳۰

مصاحبه مخبر خبرگزاری انترنشنال نیوز سرویس قسمت اروپائی با مصدق ۱۱/۴/۳۰
۴۵-۴۰

پیام مصدق از رادیو به مناسبت جنبش خود جوش کمک مادی

به حکومت ملی ۱۲ تیر ۱۳۳۰
۴۸-۴۶

پیام مصدق در ذم بت سازی از وی ۶ تیر ۳۰
۵۰-۴۹

پیام ترومن به مصدق ۷ تیر ۳۰
۵۳-۵۱

پیام مصدق به ترومن ۲۰ تیر ۳۰
۵۵-۵۴

سئوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا از مصدق ۲۵ تیر ۱۳۳۰
۵۸-۵۶

پاسخ مصدق به سئوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا ۲۵ تیر ۱۳۳۰
۶۲-۵۹

نامه آقای استوکس مُهردار سلطنتی راجع به کارمندان انگلیسی به مصدق
و پاسخ مصدق به مُهردار
۶۴-۶۳

نامه هیئت کارمندان انگلیسی که در ۱۶ اوت به آقای استوکس تسلیم شده است ۶۶-۶۵
پاسخ نخست وزیر به نامه استوکس
۶۷

طرح زمینه برای مذاکرات آینده نمایندگان دولت انگلستان و
نمایندگان دولت ایران - نظر دولت ایران در باب حل مسائل ناشیة از ملی
شدن صنع نفت ایران
۷۰-۶۸

آخرین نامه مصدق به هاریمن قبل از عزیمت وی از تهران ۷۳-۷۱
سخنرانی آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر برای هیئت مخبرین
جراند آمریکائی ۲۷ اسفند ۱۳۳۰
۸۲-۷۴

عین اسناد ارائه شده به مخبرین آمریکائی
۸۳-۸۴

ترجمة اسناد
۸۵-۸۷

چگونه کنسولگری های انگلیس در ایران را تعطیل نمودم
۸۸-۹۱

ترجمة اعلامیه وزارت امور خارجه آمریکا
۹۲

اعلامیه آقای دکتر محمد مصدق در جواب اعلامیه وزارت خارجه آمریکا
۹۳-۹۴

مصاحبه آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر با مخبر روزنامه اطلاعات
۱۴ فروردین ۱۳۳۱
۹۵-۱۰۲

نطق دکتر محمد مصدق نخست وزیر در جلسه نمایندگان دوره ۱۷
شنبه ۲۳/۱/۳۱
۱۰۳-۱۱۴

پیام دکتر مصدق به ملت انگلیس

پیام مصدق به ملت ایران به مناسبت توطئه ای که به صورت پیشنهاد طرحی به امضای
مناققان و مخالفان، علیه حکومت ملی چیده شده بود

۱۵ دی ۱۳۳۱

پیام دکتر مصدق نخست وزیر خطاب به ملت ایران درباره علت تقاضای اختیارات و در
رد القاء شبهه ها، ۲ بهمن ۳۱

ترجمة غیر رسمی نامه مصدق به آیزنهاور به مناسبت اعلام

ریاست جمهوری وی ۱۷ دی ۳۱

جواب آیزنهاور به نامه مصدق ۱۷ دی ۳۱

پیام مصدق به ملت ایران که به عنوان اعتراض به توطئه ۹ اسفند اعتصاب کرده بودند.
۱۱ اسفند ۳۱

پیام مصدق به مناسبت آغاز سال ۱۳۳۲

پیام مصدق به ملت ایران درباره توطئه ۹ اسفند و دیگر توطئه های دربار، ۱۷ فروردین
۱۳۳۲

نامه تسلیت مصدق به خانواده سرلشگر افشار توس

اظهارات مصدق به نمایندگان عضو دو فراکسیون اتحاد و کشور درباره اسباب چینی‌ها
در مجلس علیه دولت ۴ تیر ۳۲

ترجمه غیر رسمی نامه دکتر مصدق به آیزنهاور ۷ تیر ۳۲

ترجمه غیر رسمی پاسخ آیزنهاور به نامه مصدق ۱۲ تیر ۳۲

تصمیم قانونی دائر به تعطیل رسمی قراردادن روز سی ام تیر

پیام مصدق به مناسبت سالروز سی ام تیر، ۲۹ تیر ۳۲

نطق مصدق به مناسبت چهل نهمین سال مشروطیت، ۱۳ مرداد ۳۲

پیام مصدق به مناسبت اظهار اراده ملی در مراجعه به آراء عمومی دایر به انحلال
مجلس ۱۷، جمعه ۲۳ مرداد ۳۲

فهرست عناوین سر صفحه ها

جبهه ملی و طبقات محروم

عدالت اجتماعی

حق حاکمیت ملی و امتیازها

آمریکا مخالف الغای یکجانبه قرارداد است

همپشتی کمپانی ها نفتی آمریکا با شرکت نفت

رفتار شرکت نفت و خشم ملت ایران

شرق میانه و استقلال سیاسی و اقتصادی

استقلال سیاسی و اقتصادی

حق حاکمیت ملت

حق حامیت ملت

علت بغض ملت نسبت به شرکت نفت

متن پیام ترومن به مصدق

فشار اقتصادی و نهضت اصلاحی

علل ملی کردن صنعت نفت

اصل ملی شدن صنعت نفت

قانون ملی شدن و نگرانی انگلس

حقوق مسلم ملت ایران

حق حاکمیت ملی

محرومیت از یغمای کشور، علت جعل اکاذیب

رفتار شرکت نفت در قبال اخطار خلع ید

دستور اجرای خلع ید

تحریکات انگلستان و ارادة مقاومت ملت ایران

نشر اخبار بی اساس از طرف شرکت نفت

هدف ملی کردن، جلوگیری از دخالت دیگران در امور داخلی است.

اساسنامه شرکت ملی نفت

ما میل داریم شرکت نفت هر چه زودتر برود

صلح بین المللی

اساسنامه شرکت نفت

خون برای تهیه تابلوی شرکت ملی نفت

اوراق قرضه ملی

هر کس بخواهد بنام من بتی بسازد

فشار آمریکا برای قبولاندن داوری دیوان لاهه

فشار برای قبولاندن داوری دیوان لاهه

شرط مذاکره قبول حق مسلم ملی

سئوالات مدیر مجله اخبار دنیا و گزارش دنیا

سئوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا

استقلال اقتصادی

برنامه هفت ساله

ما با یک شرکت خصوصی طرف هستیم

شکایت استوکس از بد رفتاری با کارمندان انگلیسی

نامه کارمندان انگلیسی به استوکس

پیشنهاد ایران درباره فروش نفت و ..

پیشنهاد ایران درباره فروش نفت و ..

مباینت پیشنهادها انگلستان با استقلال سیاسی و اقتصادی

ایران می‌خواهد پیشنهادش مبنای مذاکرات باشد

تاریخ ایران پر است از فداکاری های مردم آن

هدف انگلستان تسلط بر ایران بود

متخصصین انگلیسی نفت، افسر نظامی از آب در آمدند

دولت این‌جانب دیگر این جاسوسان را به ایران راه نخواهد داد

دولت انگلیس می‌خواهد قرارداد باطل ۱۹۳۳ را تجدید کند

دول بزرگ جانب یکدیگر را به نفع دولتی کوچک رها نمی‌کنند

پیشنهادها بانک بین‌المللی

روش دول بزرگ مابین صلح بین‌المللی است

دخالت سفیر انگلیس در عزل و نصف وزراء

تعیین تکلیف رشوه پرداختی به وثوق الدوله و نصرت الدوله و صارم الدوله

تسلیم مطامع اجانب شدن مترادف با مرگ است

سفیر انگلیس: تصویب نامه انحلال کنسولگری های را لغو کنید

کنسولگری ها، یادگار شوم اسارت بسته شد.

دول شرقی و خرید نفت ایران

انتشار اسناد دخالت خارجیان در امور کشور، برای بیداری مردم

انتشار اسناد برای اثبات دخالت اجنبی در امور ایران

قنسول انگلیس، تلگراف مخابره شده وسیله سردار فاخر را مطالبه می‌کند.

انتشار اسناد قلبی برای بی اثر کردن اسناد واقعی است
تبانی سردار فاخر علیه اقلیت
یکی دیگر از اقدام‌ها سردار فاخر
غلبه بر اجنبی موجب اضمحلال صاحب امتیازان است
وزن اشخاص در جامعه
ملل رنجدیده باید فداکاری نمایند
عدم توازن واردات و صادرات حربه استعمار است
علل مشکلات ما
برنامه مقاومت ملی
مشکل نفت با صبر و پایداری حل شدنی است
برنامه مقاومت اقتصادی در شرائط محاصره اقتصادی
اقتضای عدالت این است که عده کوچکتر فدای عده بزرگتر شود
قوة تمیز خوب و بد و ارادة اجرای تشخیص
مجلسی در خور ملت، با تشخیص و با عزم باید
انگلیس و حکومت دیکتاتوری ایران
دولت انگلیس حامی شرکت نفت
اصرار و پافشاری انگلیس در ادامه محاصره
انگلستان می‌خواهد غارت گذشته را ادامه دهد
پرده سیاه تبلیغات شرکت نفت
اصلاحات و منافع خصوصی
زور سرنیزه و تخم نفاق
نتیجه دوره ششماهه اختیارات
اثرات شکست در جبهه متحد داخلی
توطئه های علیه دولت نهضت ملی
ملت ایران علمدار نهضت ملل آسیا و شرق

تا ملتی فداکار وجود نداشته باشد
مجادله با دولتی که در تمام جبهه ها با دشمن سرگرم زد و خورد است.
ایرانی نباید فراموش کند که قبل از هر چیز فرزند این آب و خاک است
پیروی از افکار عمومی برنامه کار این جانب است
تا سر حد مرگ به ملت ایران آزمایش وفاداری داده‌ام
دعوت به اتحاد
افشای سیاست آمریکا به عنوان سیاست دفاع از منافع استعمار
مصدق آمریکا را به ترک سیاست استعماری دعوت می‌کند
توطئه های مشترک ایادی دو قدرت: ماجرای ۲۳ تیر
درخواست تصدی وزارت جنگ و سی تیر
چرا موضوع بسته شدن کنسولگری ها به اطلاع شاه نرسید
افسران بازنشسته
شاه می‌خواست مسافرتش محرمانه صورت گیرد
شورای سلطنت
اجتماع چاقوکشان در برابر دربار برای کشتن مصدق
حمید رضا راه گشای افسران و چاقوکشان
هدف این توطئه ها عقیم گذاردن نهضت ملی است
جریان زندگی سیاسی من (مصدق)
اقلیت مخالف دولت و دربار
شاه سلطنت می‌کند نا حکومت
مقتضای عمل به وظیفه اظهار صریح عقیده است
دولت در برابر مردم مسئول است
لزوم خروج دولت و ملت از بن‌بست
افشای سیاست همکاری آمریکا در امر محاصره اقتصادی ایران
شرط کمک آمریکا تسلیم ایران است

آیزنهاور: مصلحت اندیشی نمی‌کنم اما ...

نهضت سی تیر

قیام سی تیر

آزادی و استقلال

قسمت عمده وقت دولت صرف خنثی کردن توطئه‌ها می‌شود

منحرفین در نفاق افکنی از مخالفین قدیم پیش افتاده اند

مبارزه ما و دو راه

تحصیل آزادی و استقلال محتاج فداکاری است

هدف مخالفین و منحرفین، لکه دار کردن اصالت نهضت

اراده قاطبه افراد ملت

قانون‌ها و مجلس‌ها، دولت‌ها برای مردم اند و نه مردم برای آن‌ها

عمری مبارزه با قدرت‌های ضد ملی و لذت متحقق دیدن اراده ملی

سیاستمدارانی که می‌خواهند افکار عمومی جهان را از حمایت ما منصرف کنند

فهرست عناوین نطق‌ها و پیام‌ها

فهرست عناوین سرصفحه‌ها